

ظہور عدل الہی

توقیع منسیع صادرہ از قلم توانای حضرت

ولی امرانہ ارواحنا لعنایاتہ الفداء

خطاب باجہای الہی و اما رحمہنہ

ایالات متحدہ امریکہ و کانادا

ترجمہ - نصرانہ مودت

از انتشارات موسسه ملی مطبوعات امری ایران

تجدید چاپ و تغییرات توسط

کمیته امور حبسی ایرانی امریکائی

دارالانشاء محفل روحانی بانیان ایالات متحده
ویمت، اینگزوی

۵۱۹۸۵

چاپ دوم ۱۹۸۷

چاپ سوم ۱۹۸۹

هوائیه

اجبای الهی و اما رحمن در ایالات متحده امریکت و کانادا ملاحظه نمایند

برادران و خواهران عزیز

هر هنگام مراتب عشق و حرارت یاران و روح همت و فعالیت مجاهدان دیر امر رحمان
رافعان لوای نظم جهان آرای حضرت بهار الله را در تنقید نقشه عظیمه ای که بکف
کفایت آنان و اگر گردیده در نظر آرم و آثار و شواهد لسیعه این بنفست جلیل را در برابر
دیدگان مجسم سازم و جد و شغف و دله و طرب و در قلب و روان احساس نمایم که شرح آن

خارج از حد وصف بیان است نظم و امضاء قرار داد از طرف نمایندگان انسانی
منتخب جامعه که شاید افتتاح مرحله نهائی اعظم مشروعی است که پیروان امر اعز انجمن
و مستظلمین ایت بیضا در دیار غربیه تاکنون این مباردت نمود و همچنین برقی و توسعه
الهیان بخشی که در ادراک و تعاریف رنجی ملی تسلیع متابعاً مترادفاً انعکاس یافته کلاً در جاست
ثبوت و استقامت و مراتب کار دانی و شهادت آن نفوس مخلصه فعاله را در تمشیت
امور و تنفیذ خدمات عمده متنوعه که لازمه بسط و اتساع نقشه بدیع و بیفت ساله است
بخوانم و اکل ظاهر و آشکار میارونی الحقیقه این نقشه جلیله در هر دو قسمت از اهداف
مقرر با چنان نظم و اتقان و سرعت و استحکام و توجه بمسائل دقیقه عمیق صورت گرفته که
هرگز نتجسین و تقدیر و تائید و تکریم را شایسته و سزاوار است.

استعداد و لیاقتی که نمایندگان ملی جامعه بهائی امریکای ارکان و حامیان
شریعت الهیه در شهر اخیر منصوبه ظهور رسانده و اجزای آن تمهیدات مستینه آمان بخود صوح
دلالت بر مقام عظمت آن مینماید همواره با مساعی حمیده و دستان تقویت گریانه بداران

که پیوسته در مواقع خطیره و اقامات فائده فیعه نسبت بوظایف برگزیده خویش ابراً
 و کمال اشتیاق در ایفاء وظائف مقدسه و انجام فرائض و حایه قیام نموده اند تا اتمام
 می باشد این همکاری و معاضدت و اتحاد و اتفاق و وحدت ارتباط که بین شعب و
 دوائر مختلفه امریه بخواتم و اتقن موجود و ضامن حسن جریان امور و تقویت حیات
 جمهور در هر جامعه بهائی است فی الحقیقه ارشون ممتاز و امین الهی محسوب و باعث
 وفرت و اختلاف و خصومت که اجتماع کنونی عالم را تهدید و عناصر متباغضه متنا
 بوضع شدید و مأسف آمیزی احاطه نموده کاملاً مباین و مغایر است شدائد و محن و
 آفات و آلام که حکمت بالغه اعلیه بر جامعه اسم اعظم وارد آید کل مایه تقویت روح و
 تحکیم اساس و تشدید مبانی الفت و داد در بین سالکین سبیل هدایت و تمسکین معروضه و تقوی
 بوده و هست و حال آنکه وقایع و حوادثی که عصر متدنی در و با خطا و حاضر را در بر گرفته بود
 روشن و صریح یکی بعد از دیگری علت فساد و زلزله موجب نشقاق و تنزیل است و
 روح حیات را از روستات مستعمره موجود به کمال حدت و صولت سلب نماید.

نفوسی که بجامعه اسم اعظم منسوب با سطلال و ظل لواهی این امر اکرم اقوم مفتخرو
 قباهند باید بار او مطلقه الهیه تسلیم و بآنچه مشیت نافذ از لیه اقتضا نماید همواره شاکر
 و سپاسگزار باشند هر موهبت و عنایتی که بفضل رحمانی شامل گردد و هر محصل و افتیای
 بحکمت بالغه سبحانی رخ گشاید هر دو موجب اعتلاء روح و تقویت ایمان و مزید آید
 و اطمینان است یاران الهی باید بیدار و پراقتباه باشند و از هر فرصت و موقعیتی که
 ید تقدیر و نطق امراته برای آنان فراهم ساخته استفاده نمایند و از تقلبات و تطورات
 عالم کون که دیر یازود و انگیز میات بشریه خواهد گردید نهرا سندهائی که ناز موقد
 ربانیه را نادیده انگاشته و از اتباع تعالیم سماویه اقتناع ورزیده است. فارسان مضار حرا
 و جنود منصوره امی که بعد از ایت دین الله را در آن اقلیم مرتفع خواهند نمود باید خدمات
 و مجهودات لایقه خویش اهنایت همهت تعقیب و در تنقید تکمیل آن سعی بیغ مبذول
 نمایند تا احوال موجود و طرق مشهود هر یک قوای خود را مصروف و سهم خویش ادر ظهور
 پیدایش نظم عظیم انظیر ربانی که در رحم عالم امکان و محصور پیمان در حال تحرک و تقدم است

ادانای عصری که باوجاع سقیمه مبتلا و بمصاعب و متاعب کثیر گرفتار است.

بحرانهای شدید و متواتر که توده عظیم و دائم التزاید جامعه بشری را احاطه نموده و ماسطو
دیت غیر قابل مقاومتی رو به بسط و افزایش است قمر متوجه جامعه جهانی بهائی که
و دوارش با قصبی نقاط عالم گسترده شده خواهد گردید و اثرات نامطلوب آن در کونج وقت
و محد و محسوس مشهود خواهد شد آیا میتوان تصور نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع
و مذہب و دعائم اقتصاد و سیاست و سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی
و اصول صنفی و شئون اجتماعی و موازین ادبی و علائق دینی و مناسبات تجاری را مضطرب
و منقلب ساخته با وجود حدت و عظمت و صولت و دہشتی که نظیر آن در قرون و اعصار
سابقه مشاهده نشد و عکس العملی نسبت بمؤسسات و مشروعات امر نوزاد الهی که تعایش
تأثیر تقسیم حیاتی راجع بهر یک از حدود و ضوابط مذکوره داشته و دارد و ظاهر نخواهد ساخت
و مؤسسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقب مضمون
و محروس باقی خواهد ماند ؟

بنابر این جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین اعظم و سریع التقدّم رحمانی
را برافراشته و اهل عالم را با سطلال و لیل ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تیشی
بدیشه مرعبه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در آب اغراض و امواج
سینه عصبه غرور متفرق و محصور شاید کنند چه آنکه حریت و آزادیشان محدود و محدود
و ببادشان مردود و تاسیسات و معاهدشان مطرود و اهداف و مآثرشان منموم و محو
و اختیارشان منسلب و اذکار و عاداتشان غیر معتبر و منطون قلمداد گردد.

در قلب قاره اروپا جامه ای که بفرموده مبارک حضرت عبداللّه مرکز عهد و میثاق
آلّی در اثر استعداد ذاتی و قوای مودعه روحانی و موقعیت ارضی در قبیل آیام اقطار و اشلطاً
مجاوره را بانوار مضیه امرانته روشن و نورانی خواهد نمود در حال حاضر بخسوف حدّ محسوف
و بکلمات قضیقات شدید سیاسی که از مقاصد روحانیه آن جمع بی خبر و از افکار
دنوایای حقیقه آنان اهل و غافل است مغرب گردیده جای بسی اسف و حسرت است
که چنین جامه مترقی در حال حاضرند ایشان خاموش و مونساتش فراموش و آثار و مطبوعاتش

ممنوع کتب و اوراق مضبوط و مجامع و محافل منحل و موقوف گردیده است.

در آسیای مرکزی در دینیه ای که باراده قاطعه مرکز عهد ویشاق الهی محل ارتفاع
اولین مشرق الاذکار عالم بهائی مقرر و باین شرافت عظمی و افتخار و منقبت کبری مشرف
و منقحر گردیده بخندین در بعضی بلاد و قرا و مجاوره آن ارض امر مبارک که همواره معرض هجوم و هجوم
بنصائر واقع اکنون در اثر فعالیت و قیام عظمی که طی عقود چند بحال سعی و اهتمام از طرف
یاران آن سامان بمنصه ظهور رسیده با فشار و مقاومت قوای مواجه گردیده که نظر عرب
و وحشت شدید از دست و نفوذ شریعه الهیه بر آن گشته که تمام سطوت و اقتدار از تقدم و شرف
آن جلوه گیری نماید بلکه آثار و معالشی محمود و نابود کند مشرق الاذکار هر چند هنوز برای ادامه شدن
و شعار دینی و عبادتیه بهائیان مورد استفاده آنان قرار دارد ولی عملاً از طرف حکومت
استلاک شده محافل و دوائر امریه تعطیل و خدمات و مجعولات تبلیغیه متوقف و رافضین لوایح
در آن دایر تبیعه جمعی از ذوات مخلصه فعاله از رجال و نساء در پنجه تعقیب گرفتار و محسوس و زندان
متلاک گردیده اند.

همدانکه مطلع این نور اکرم انجم محل استقرار کثرت عظیم پیروان این شرع ابدع
 اقوم است عاصمه آن ازیراعه مقدس عال قدیم محل ذکره الاظم بلقب «ام العالم»^{ملقب}
 و خطاب مستطاب «قد جلت الله مطلع فرج العالمین» مخاطب موصوف چنین
 صانع حلیل که بنور سماء سطره علماء رسوم و پیشوایان متعصب مذہبی که از منبع توهم حقیقت
 دور و بقیود عقیقه بالیه مقید و محدود اند فراغت نیافته اولیاء امور بحال صراحت و صراحت
 علیه حاطان امر مقدسی که قریب یکصد سنه در قلع و قمع آن بنهایت همت کوشا بودند علم
 خلاف بر افراشتند بدون توجه باین حقیقت بازو که اعضا این جامعه مظلوم دستمیده
 فی الحقیقه در عهد صمیمی ترین و شایسته ترین افراد کشور و پرچم برترین حشاق آن موطن انور
 محسوب و بعزت انتسابشان بجامعه عظیمه عالم و تعلقشان بانجمن بنی آدم از هر فرزدوم و از
 هر طبقه و طائفه که مادر تصور و احساس طرفداران میت مفرطه است مورد وطن بین
 واقع گردیده ارشناسائی دیانت بهائی که خوره روحانیتش متجاوز از شصده جامعه محلی را
 در آن شطر مقدس فرا گرفته و تعداد مستظلمین و ظل آن از تابعان هر یک از ادیان علمی

در رشتی در آن کشور فروتراست خودداری نموده و آن جامعه را از اعطای حقوق و امتیازات
لازمه که آنان بابتفید نمایند مشیت امور و اداره مدارس تحلیل اعیاد و انتشار آثار و افتاد
شعار و ارتفاع معاهد و حفظ املاک و موقوفات خویش قادر و متوقی سازد محروم ساخته اند.

و حال در اوقات اخیر در ارض آقدس که جامعه جهانی بهائی را بمنزله قلب و مرکز
اعصاب است اختلافات جنسی و قومی و جنگ و جدال و حرب و قتال چنان نیرانی برپا
که لیب آن سراسر آن سرزمین بسوخت و بائش ظلم و عناد محترق ساخت این اضطراب
و انقلاب از یکطرف حرکت ازین آله بمشایخ خون مایه القای حیات از آن شطرنج پراکنده
است و چار و دفعه و اشکال نمود و از طرف دیگر متفق و یل طرهای مختلفه را که بمنظور حفظ و
توسیع اراضی حول مقامات مقدسه اتخاذ گردیده بود بهمه تعویق انداخت و انیت و
آسایش جمع قبلی از دوستان و عاکفان کوی محبوب بعزت بی نظمی و اعتشاش
و تنخوش مخاطرات شیده واقع گردید و مقام و موقعیت آنان که جامعه ای بی طرف
و از مداخله در امور دور و از هر گونه فساد و اضطهاد و در خرد و برکنار اند به ست نسیان و فراموشی

سپرده شدن همچنین انعقاد جلسات و احتفالات و رعایت پاره ای از سنن و شعائر امریه حدی
 محد و گردید این جهان و جهان که در مواردی بصورت تعصبات شدید و جنبه وند
 عرض اندام نمود و در عمار قوم و پیران سه دیانت عمده آن سرزمین ادب و سیرت در هر
 قطع کلیه ارتباطات و اخل همچنین انقطاع روابط موجود با جهان خارج را تهدید میکرد با این
 و احوال با وجود خطرات شدید و متکثره بقاع مقدسه و مقامات متبرکه که این شرع اقوام فخم
 محل توجه و اقبال متجددان اسم اعظم در سراسر عالم با آنکه مواضع آن معلوم و آثار و شواهدش
 مشهود و بحسب ظاهر از هر گونه دسیسه خط و حراست عاری و برتری بود و نسبت مطلقه ربانیه محفوظ
 و بنحویه آسانی ارتقبات و تشجات طایفه و آفات و صدمات جاریه نامون و محروس
 باقی ماند.

عالم وجود که در اثر عروض امراض و ائمه مملکه و اغراض مطلقه نفسانیه در پرگاه فنا و ضحلال
 قرار گرفته اکنون خود را در شدیدترین مراحل حیات و حساسترین قیامت تاریخ با ظهور و اعتلا
 امر بدیع الهی مواجه میابد و جمیع قوی در مقام آن است که بر غم خویش آنرا در کساکت و اختلا

و منافع اُمم التزاید شهری قرار دهد جلوه و اشراقش را متفوع و قوه محیطه از لیه اش
از نفوذ و جریان ممنوع سازد فی الحقیقه امر مقدس که هنوز از قیود تعصبات شدید مملو و کل
استخلاص نیافته در قبال قوای مدبشه ظلم و اعتساف بی نظمی و اعتشاش که عالم ترابی را
بسیج احاطه خواهد نمود واقع گردیده است حوادث و سوانحی که قلب و مرکز اُمین الهی و
مهد ظهور این امر عظم و پختن معرّات لیلین معجیل و عظیم الشان آن را در یکی از مراکز مرتقی و
فعال امراته و چارشار توضیق نموده شریعت الیه را علی الظاهر از سیرمان لمعان بازداشته
و از حرکت و تقدّم محروم ساخته است حال چون اوضاع و احوال شدت یابد و سیل انقلاب
من کل الجهات منهم گردد و قهر اقطاع محکم امراته یکی بعد از دیگری دستخوش آمال و اهوای مجای
و محل حله و تعرض معاندین قرار خواهد گرفت بی چون انوار آزادی رد با فلول رود و صیست
اختلاف و نفاق یو ما فیو ما تفرع گردد و سیران تعصب و عناد در صد و در نفوس شعله ور شود
و اریاح کریمه بیدینی جامعه انسانی را افسرده و بیجان نماید اعضا و اجزای کل مقدس و
بدرجات مختلف معرض بهجات عنیفه اهل طغیان و شدائد و لطات و عصبیان که حال

در سراسر جهان متمدن در جوش و خروش است و آفت خواهد گشت.

این بیان که از کلمات اهل حضرت عبدالباقر روح الوجود لرمه الاطهر فدا راجع باوصاف
منقلب عالم و قیام و مقاومت امم صادر گشته مصداق آن در این آیات بنحو صریح و قاطع
معلوم میشود قوله العزیز «ظلمت ضلالت است که شرق و غرب را احاطه نموده است
و با نور هدایت در این کور عظمت در جنگ و ستیز است و سم و سانس بسی تند و نیزه
لشکرش بسیار خوریز» و در مقام دیگر مذکور «اليوم قوای رؤسای ادیان با جمعهم متوجه
تشتیت انجمن حمان و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و خود مادی و
ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و عظمت امر در انظار و اوضاع
دلائل».

یگانه حصن حصین و بازوی توانائی که هم اکنون است تسخیر نماید را این الهی را برافراشته
جامعه محبوب و ممتاز پیروان اسم اعظم در قاره امریکای شمالی است این عضو مغرور و برآزنده
هیکل امراته که بین ارکان و جوارح آن در شرق و غرب عالم وحدت و ارتباط تام موجود

و تعاون و تعاضد مستمر محسوس مشهود است در اثر مساعی بسذوله و الطاف فیوضات ربّانی
 که شامل حال شسته میتوان گفت نظم بدیع جهانی را مهتمین است و شرح اقوم رحمانی را
 مهتم زین و صین نظمی که یگانه امید جامعه بشریه محسوب و پایه اعزاز و اعتلاء و دربارگی
 است که بنام مقدس حضرت بهاء الله شارع این امر اقدس اعظم مؤبد و محلل مآتی خواهد بود.
 نفوسی که این مقام فرید و متعالی را که اراده مطلقه الهیه برای آن جامعه شمع مقدّ
 فرموده نادیده انگاشته و یا نسبت بخدمات و مجهودات گرانمایی که آن فیه مآتیه را سخته
 در مقابل ایام بدان توفیق خواهد یافت تا مل و تر وید نمایند آن به که در منطق این کلمات
 باهرات که از قلم مغریم مرکز عهد حضرت ربّ آیات البینات خطاب بان ساکنین
 سبیل مدی و متمسکین بعروه و ثقی صادر گردیده و بشر عنایات لایحیه یزدانی و مقامات سیّ
 روحانی است و آفر نمایند این بیانات عالیات بهکامی ازیراعده اظهر عز و نزول یافت که
 عالم بشریت در زیر قتل فاجح محاربات مملکه ضعیف و ناتوان و ابواب آسایش و رخا
 هر چه بوجه آن مسدود گردیده بود قوله الغریر «قطعه امریکت در نزد حق میدان اشراق

انوار است و کشور ظهور اسرار و نشأ ابرار و مجمع احرار .

هم اکنون جامع یاران الهی در خطه امریک که جوامع امریه را که در آئیه ایام تقدیرات
صمدانیه در طول و عرض نمیکند غربی ایجاد خواهد کرد و دیده قدوسه و محرک اولیه است با
وجود ظلمات حاکمه متراشیده که سر اسر جهان افزا گرفته قدرت لیاقت خویش ابرای
احرار این مقام منبع منصفه ظهور رسانده که حامل انوار و غازن اسرار و ناشرفضائل بریه و
حافظ و حارس حریت تحقیقه الهیه منبج در بیان مقدس مرکز عهد و میثاق حضرت احد
واقع گرد آید انوار مشرقه که در کلمات مبارک مذکور جز بانوار منصفیه نیست که در عصر ذهبی امر
حضرت بهاء الله عالم وجود را بوجود خود روشن و منور خواهد نمود بنور دیگر دلالت دارد و آما
از بیان ظهور اسرار جبراسرار مودعه در نظم بدیع الهی که در رحم تاسیسات اداری مکنون
و در حال نشو و ارتقاء است امر دیگر مورد توجه مکیل انور بوده آما از صفات و ملکات سرور
و اخلاق و کمالات قدسیه جز آنچه در آن عصر فرخنده تحت نظم جهان آرای مقدس پشای
و در افنده و قلوب منطبع و مرسم خواهد گردید نشان مقام دیگر ممکن است در نظر آید و بالا

از حریت و آزادی بر حریت حقیقی منوی که در میقات مقرر در ظل قدرت و سلطنت الهی
 و استقرار ملکوت رحمانیه در ارض ظاهر و نمایان خواهد شد حقیقت دیگر آشوف و دمیگرد ؛
 جامعه مشکل جهانی ناشران مرد و جان مراقدس ای در قاره امریک اعتقاد و حاج
 مطالع انوار عصر رسولی که با ایثار جان در سبیل محبوب امکان ظهور و ولادت امین الهی
 اعلام نمودند بایستی نبویه خویش نظم بدیع رحمانی صدف گوهر گرانهای مدفیت الهیه را که
 اعلی و ابهی ثمره شجره امراته محسوب بکل و جو تنفید و با حسن طراز مثبت نمایند این وقت در
 مرحله کنونی مستلزم انفاق ما بر یسه در خدمت امر حضرت رب البریه نبوده نیست بلکه نیازمند
 بعدا کاری و از خود گذشتگی بایران و حیات یومیه آنان بذل مساعی موفور در تحقق این امر
 شکو است بهنگامی که برادران و خواهران دحانی آن عصبه مجله در سایر جوامع جهانی تحت
 تند باد حوادث و آلام و طوفان محن استقام که از جمیع جهات آنان را احاطه نموده باشد
 عطیه مستلا جامعه امریک که به حکم بالعه ربانیه از آفات و بلاهای طاریه محفوظ با استقامت
 تأییدات مستمر غیبیه پشت از قدرت و رسالتی که برین طبع تبلیغ فرمان ملکوتی حضرت عیسی

بآن فیه زکیه عنایت فرموده بنایت همت بوضع دعائم و ارکان تقویت و استحکام
مؤسسات امریه بشر حلول عصر موعود یزدانی که خود شام طلوع و ارتفاع نظم اتم اقوم حضرت
بهاء الله در سر اسرار عالم کون است قائم و مالوف می باشد .

جامعه ای که از احاطه دموکراسی محذور و از قلب و مرکز امرائیه یخچین ارجمند این دین
مقدس محل اجتماع و وطن الثریث عظیم مایان پیروان امرائیه بغایت دور و از نظر مناسبت
مادی ضعیف از ترجمه تجربه و سبقت در امور فاقد بهره و نصیب موفور نسبت بمعتقدات و
افکار و شیوه و اطوار مردمی که مؤسسون این امر اعظم از بین آن قیام نموده اند بی اطلاع و لغات
اصلیه که کتب آثار مقدسه بدان لغات نازل شده غیر مانوس و حکم الزام مراتب اعتماد و اتکال
خویش را بر اساس پاره ای از ترجمه های ناقص از برخی از الواح و زبر الهیه مستقیم منیران قلبی
سنن و احکام و اصول و مبادی این شرع اعظم و تاریخ این امر اعز اقوم مؤسسون و اشقیای یخچین
از مراحل اولیه پیدایش با تمجانات و اقتانات شدید و گرفتار و در موارد چندی بنقض و نقور
بعضی از اعضا مقدم خویش مواجه و از بد و طلوعش با قدرت اتم التزایدی با قوای منظمه مخبره

در جنگ و تیز و با زلزل مبانی اخلاقیه و ابرار تعصبات نخیفه باطله که در کمون صد و کمون
 و سوسه ساز و مقام بوده چنین جامعه متحکم با حالات و مشخصات مشروطه در فاصله ای کمتر از نیم
 قرن بدون استمداد و کسب اعانت از هیچیک از جوامع بهائی در شرق و غرب عالم موفق
 گردیده امری را که بنهایت انجذاب استقبال نموده با مداد ات لایحه الهیه که الطاف و توفیق
 مکرر حضرت رب البریه برای آن جامعه عزیز مقدر فرموده است پیشرفت دهد و بمنافع عظیمه
 متعالیه که توفیقات جوامع دیگر امریه در غرب کلاً از رقابت و همسری با آن عاجز و قاصر شده
 میشوند نایل آید.

آیا کدام جامعه دیگر میتوان فی الحقیقه نام برد که در تاسیس و تنظیم مؤسسات اداری
 امراته منادی و مشر نظم جهان آرای الهی قدم اول برداشته و در تمهید اساس و تقویت
 بنیان بین پایه و میزان بل سبی اهتمام نموده باشد همچنین کدام جامعه دیگر موفق گردیده مراتب
 خلوص و انقطاع و مطهر غم و اراده خلل ناپذیر خویش را با نظم و اتقان کامل و ثبات و استقامت
 تمام که از لوازم ضروریه نشود نمای مؤسسات جدید الولاده و ارتقاء آن با علی رتبه کمال محسوب بخوی که

جامعه بهائیان امریکت از خود بنفصه ظهور رسانده اند ابرار و اثبات نموده باشد کدام جامعه دیگر با چنین فکر صمیم و رای متین و حرارت و اشتیاق مبین مصود و مبداء و ارج عالیله فداکاری و وفود و مبعارج وحدت و یکا کلی را طالب اشتیاق بوده بدرجه ای که در مدت قلیل و طی سنین بحرانی و شدید بار نفع بنیانی رفیع که میتوان آن را اعظم هدیه اجابتی غرب تقدیم باستان مقدس حضرت بهاء محسوب داشت موفق شده باشد کدام جامعه دیگر میتواند بحق و حقیقت مدعی شود که در امر سعادت و محمودات مخصوصه عضوی از اعضا مستطیع و منجذب خویش بکلب و جذب یکی از افراد خاصان سلطنت و ظل ظلیل امر حضرت احدیت نایل گشته چندان که نفس جدید الاقبال با قلبی طامع از محبت آئینه ضمیری منشرح از احسانات و توجهات و حانیة ایمان و ايقان خود را با مرقع بهائی اعلام و عظمت تعالیم سادیه را با حسن بیان تجلیل و تکریم نموده باشد و نیز کدام جامعه دیگر موفق گردیده که بشابه یاران امریکت با جدت نظر و قدرت و لیاقت موفور و شور و دل مشگور و موجبات تأسیس و تشریف داری را که بر دوزمان از یک طرف و بر اگر مخالف تعلیمات بهائی منتهی از طرف دیگر علت تقویت و استحکام مبانی تبلیغ و تعلیم و قیام خادمین و مبلغین جدید در سراسر آن سرزمین

خواهد گردید و اجماع نموده باشد و یا آنکه از بین جمیع خویش مهاجرینی مبعوث نماید که باشند
 و ملکات فاضله از شجاعت و انقطاع و خلوص و انجذاب و تسک و تثبیت تمام اوطان و علا
 خویش را ترک نمایند و در سرسبز جهان تشریف گردند و درایت امر حضرت حان را در ابعاد نظام
 ارض بآفرینند که مانند نفوس که باین اثمار ابدی مشغول شده و مقدم بر کل ندای جانفروزی بهار الهی
 را در مراکز متمدن و اقالم شاسعه عالم چون قلب و کشور انگلستان و فرانسه و ملحقات آنها
 همچنین خطه المان و شرق اقصی و ممالک بالکان و اسکانیادی و امریکای لاتین و جزایر پاپوا
 و افریقای جنوبی و استرالیا و زلاند جدید و در اوقات اخیر و در ایالات بالتیک مرتفع نموده
 و گوی سبقت در میدان جهت ربوده باشند که ام افراد بجز همان مجاهدان امر حین با توکل بحل
 استقامت و قبول هر گونه زحمت و مرارت توانسته اند و جوه لازم برای ترجمه و انتشار آثار مبلد
 و آیات و بیانات قدسیه بحل لغت از لغات موجوده را تأمین و باین خدمت عظیم که شرط اساسی
 برای ابلاغ کلمه الهی و نشر نجات سبحانی است مبادرت نموده باشند که ام جامعه دیگر است
 که میتواند قائل شود که در مساعی جهانی منظور خط و توسیع اراضی حول مقامات متعدده همچنین

مواضع لازم که در مستقبل آیام محل استقرار مؤسسات و معاهد بین المللی امراته در مرکز جهانی این
 شرح انجم اعظم واقع خواهد گردید سهم قاطع و مؤثرتری عهده دار شده باشد و یا بتواند دعوی نماید
 که در بین جوامع جهانی اولین جامعه ای است که بوضع دستور و قانون اساسی و انظمه محکمه
 جهت خدمات و مجبوبات ملیّه و محلیّه خویش اقدام و خطوط اصلیّه و دستور عظمی را که نهایت
 مؤسسات جامعه را تعیین و حدود و وظائف آنها را تبیین و حقوق اختیارشان را تثبیت
 نماید ترسیم نموده و چنین انتصارات جلیله با بهره نایل آمده باشد و نیز کدام جامعه دیگر است
 که میتواند افتخار نماید با تأسیس موقوفات ملیّه ضوابط لازم قانونی برای حفظ و اداره اطلاق
 امریه بدست آورده و راه را برای مباشرت بهمین گونه اقدام از طرف جوامع محلیّه صاف
 و هموار نموده باشد و نیز کدام جامعه است که شناسائی محافل و حاشیه و اذفاف ملیّه خویش را
 از طرف اولیای حکومت مرکزی و همچنین مقامات رسمیه ایالتی با کسب اسناد و مدارک
 تثبیت تحصیل نموده و باین اعتبار عظیم منحصر و ممتاز شده باشد قبل از آنکه سایر جوامع جهانی در این
 باره عطف توجه نموده و یا امکان چنین اقدامی را مورد مطالعه و اسمعان نظر قرار داده باشند

و بالاخره کدام جامعه دیگر چنین موفقیت نمایان نصیب گردید چنین وسائل و وساطت فراهم
 که در سبیل اعانت محتاجین و نصرت و حمایت مظلومین و مدافعه از حقوق مسلوبه مظلومین قدم
 برداشته و با همت و فعالیت شدید حفظ و صیانت مشروعات و مؤسسات بهائی را
 در ممالکی مانند ایران و مصر و عراق و روسیه و آلمان که در موارد مختلفه برادران و خواهران
 روحانی آنان در اقالیم مذکوره مورد تضییقات مذهبی یا شرادی قرار گرفته و در سبیل و عالم سیر
 میسره اند نصب العین خویش قرار داده باشد !

چنین سوابق و نشان بی نظیر و اقدامات پراج و بعدیل که قریب هشت سده
 طرف جامعه بهائیان امریک عشاق و تیرافاق معروض ظهور و اشراق رسیده و با منافع عالی و
 مصالح حتمیه قیمت عظیمی از جامعه جهانی بهائی تماس و ارتباط نزدیک اردشایسته است
 که بمنزله فصل ششمی در تاریخ عصر کنون امر حضرت بهار الله محسوب گردد این فتوحات
 و انتصارات که از موفقیتهای جسمیه مؤننین اولیه آن سرزمین سرچشمه گرفته و انعکاسی از
 خدمات با بهره آن نفوس مخلصه منجذبه است بنفسه دلیل بارز و نشان قاطعی از مراتب

بیات و شایستگی یاران و یاوران امر حضرت رحمان در خطه امریک است که می توانند
 در آیه ایام کف کفایت آنان نهاده شود و بنحوائم دادنی بسبب منزل مقصود رسانند و بامیج و
 احسن حال مزین و متعلی سازند برستی آنچه در باب خدمات و مساعی مشکوره آن جامعه عزیزان
 گردد و در خوشان و مقام آنان است و چیزی بریل مبالغه ذکر نشده و حقیقت نفس الامر ^{تفصیل}
 بهم سایه و مجودات و افتخارات فائده آن جو و مجنده و اثرات مترتبه بر آن و لطیفه ای است
 که تنها مورخین آیه بهائی می توانند گما هوته از عمده انجام آن برآیند این عبد در این مقام
 صرفاً متب ایمان و ایتقان اسخ خویش ابرار و علو این اوراق مندرج و منعکس میاز
 و تذکر میشود که جامعه ای که بچنین خدمات لائحه منیع توفیق یافته و چنین وحیه عظیم ظاهر
 ساخته و بچنین مقامات فاضله متعالیه ارتقا جسته بالقوه صاحب نبوغ و استعداد و
 صفات و ملکاتی است که بلا تردید میتواند در مقامات متقد ر این حق و حقیقت را برامی ^{یش}
 اصرار و جهان و جهانیان ثابت و دل نماید که نظم جهانی حضرت بهار الله را رافع عظیم است
 و صرح شید امر الله را حامی و مدافع قویم.

هر چند خدمات و اقدامات جامعۀ جهانی امریکای بشری که مذکور گردید بسیار مهم و جای
 توجه است و از بعضی جهات طرات موقیّت اصحاب اولیۀ امر آن مطالع انوار عصر
 رسولی را که باقیام و جانفشانی خویش اشراق شمس حقیقت را از ارقی امکان اثبات
 نموده و در نظر محترم میار و ولی وظایفی که این جامعۀ ممتاز بر عهده گرفته هنوز با علی نقطه کامل
 نرسیده و بذروه علیا و تقرّاسای خویش واصل نشده است آنچه تاکنون بجزیر عمل و اقدام
 در آید طلیعه و تابشیری از مغاخر عظیمه و مقامات جلیله بنیه ایست که من بعد بدان تو
 خواهند یافت فی الحقیقه آنچه را که احبای امریکای علمداران چند بدی طیّ مدتی و در
 پنجاه سال از خدمت و فداکاری انجام داده اند در قبال وسعت عظمت و طائف مبررای
 که در مقابل ایام در پیش دارند بسیار قلیل و ناچیز است و طائفی که آثار و شواهد انقلاب عظیم
 عالم که انطوای نظمۀ صیقله بالیه و ظهور و ولادت نظم بدیع الهی است مقابلاً مترادفاً اعلام
 میدارد نزدیک شدن آن را کشف و هیبت و عظمتش را بنحو وضوح در انظار عموم معلوم
 و آشکار میسازد.

تأسیس و استقرار نظم اداری امراته و نصب ارکان و دعائم و رفع اصول و قوانم
و حکیم مناسبات تابعه آن اولین اقدام مهمی محسوب که جامعه تشکّل امریک که بنا بر آن
متعالیه حضرت عبداللہار و تحت تعلیمات و ارشادات آن وجود اقدس قدم بر معصنه
وجود نہادہ بود بر عہدہ گرفت و این امر او را خطر را با توجہ و خلوص و قدرت و سرعت
زائد الوصفی انجام داد و بجز دانکہ شعب و دوائر لازمه و عوامل و وسائط ضروریہ برای تأمین
خدمات جدیدہ و شروعات عظیمہ آتیہ فراہم کردید و مبادی و مبانی آن استحکام
پذیرفت با همان عشق و حرارت و انجذاب و متانت با جرات ہمہ دگیری کہ مستلزم سعی
و مراقبت فرد و ترقی اقدامات و مجہودات شدیدتری بود مبادرت و زہد و آن ارتقاء
قسمت علیای شروع مقدسی است کہ ہزارویہ آن با صبح اقتدار مرکز عہد و میثاق
الہی نہادہ شدہ بود و چون در این مقصد حیل توفیق حاصل کردید جامعہ غفور در حالی
کہ نسبت بنصایح و وصایا و وعود و بشارات مولای عظیم مندرج در الواح مقدسیہ تسلینی
اشتیاق و تعلق موفور داشت و تحت آن را وجہ بہت خویش قرار دادہ بود ہمہ کردید با

فیضه اخروی یعنی امری که از محاذ دست عظمت و تاج و اثرات و حاشیه آن بطور
 هر یک از خدمات سابقه راتحت الشعاع قرار میداد اقدام نماید و آن بنظم و اختیار نقشب
 هفت ساله است که با شوق و اشتعال بی پایان و شجاعت و استقامت فراوان آغاز
 گردید و قدم اول نسبت به بنفید رسالت و مأموریت عظیمی که در همان الواح مکتوبی بمعهده آن
 جامع خدوم گذاشته شده بود برداشته شد این بود که باروحی جدید و فرح و انبساطی بی
 در تحق و وظیفه خطیر که امید است تمام آن با جدول حسن منوی ولادت امر مقدس حضرت
 بهارانه متعارف و مصادف واقع گردد و قیام نمود و چون بر ارفعان این بنیان مجید محقق
 روشن بود که هر پیشرفتی در زیرمیان خارجی معبد عظیم الشان حاصل شود در ترقی و تقدم
 شخصیت تعلیمی که بوسیله آنان در دو قاره شمالی و جنوبی آغاز گردیده تاثر شدید خواهد داشت
 و همان قرار هر قح و ظفری که در میادین تبلیغ نصیب جامع یاران الهی گردد بنوبه خود در تشیید
 و تکمیل این شروع حلیل مؤثر خواهد بود لذا با ایمان و ایتقان کامل با جرات هر دو قسمت از وظایف
 مربوطه که بموجب نقشه هفت ساله تعهد نموده بودند مکرر محنت بر بستند و با قدرت و شجاعت

فراوان تقییب نمودند.

با این تفصیل اجبای عزیز امریک باید تذکر باشند که با تنفیذ نقشه هفت ساله که اختتام قرن اول و در بهانی مقارن مطابق است وظیفه ای که به قدرت الهی برای آن مجاهدان ام حضرت رحمن مقرر فرموده خاتمه نخواهد یافت حتی در برهه ای از زمان منقطع و متوقف نخواهد گردید بلکه اقتحاح قرن ثانی و در بهانی صحنه های عظیم تر را در پیش نظر محترم و مراحل جدید نقشه های بدیعی را ترسیم خواهد نمود که بر مراتب از آنچه تا کنون بدان مبارک گردیده محفلت و پر دانه تراست نقشه ای که هم اکنون توجه جامعه اجبای امریک را بجنبین افکار و آمال و مساعی و مجتهدات آنان را بتمامه خود معطوف داشته و حقیقت بمنزله مقدمه آزمایش از قدرت و تابشیری از عظمت و وسعت جهاد کبیرا کبری است که در مستقبل ایام باید با حسن طرا تنظیم و بایده و جه بوقع اجرا گذارند تا وظایف و سؤولت های خطیره ای که بموجب یر لبع تبلیغ بهمه آن باسلان مضار خدمت محول گردیده بخو کمال انجام یابد نوای مدهسه حضرت عبد البهار در حق آن متمسکین بعبره و تقوی تحقیق پذیرد.

نقشه حاضر یعنی نقشه هفت ساله که در دست اقدام است اتمام و اتمام آن متضمن
 تشکیل لائیکلایت مرکز امری در هر یک از جمهوریات نیمکره غربی است لاغیر و حال
 آنکه وظائف مشروحه در الواج مذکوره مدعی انتشاری بیشتر و شتت و تفرقی و سبقت از
 طرف ایران الهی نمایندگان جامعه بهائی امریکای شمالی در سر اسر و نیای جدید است
 بنابراین سالت حمیه احبای آن سامان آنست که امر جلی را که هم اکنون در سنوات
 اخیره قرن اول بهائی آغاز نموده بحال محبت از پیش بند و بقرن ثانی گشایند و تا طیفه
 نهائی خویش را در هدایت فعالیتهای مراکز منفرد که تازه قدم بعرصه وجود نهاده انجام دهند
 و آنان را در تاسیس مشروعات محلی و ملی خویش بخوی که خود بدان عمل نموده اند تقویت و
 مساعدت نمایند از پایی نشینند و تا این مقصد اغراض محلی بخو کمال تحقق نپذیرد تصور
 نمایند که تکالیف اصلیه آنان طبق آنچه در مشور معتمد مقرر گردیده صورت پذیرفته و یا
 و نصیاح مرکز عداونی چنانکه باید و شاید بر حلقه ابراز داشته شده باشد

از طرف دیگر نباید این فکر و لولحه ای بر خاطر دوستان ظهور نماید که با حصول توافق

در خدمات و وظایف موجوده که ناظر بر تعدد مراکز بهائی و ابرار مساعدت و رهنمائی نسبت
 بتأسیس نظم اداری آئین جهانی در ممالک امریکای لاتین است نقشه و طرحی که غصن
 اهی برای آن لکان سبیل هدی در نظر گرفته تمامه تأمین و جمیع جهات تنفیذ تکمیل خواهد گردید
 از مطالعه الواح تبلیغی که مبین نقشه عظیم الهی و ترجمان آمال و نوایای مرکز عهد یزدانی در
 حق آن منجد بان جلال سبحانی است بخوبی واضح و آشکار میگردد که صحنه فعالیت احبابی
 امریکای محصوره بنمکره غربی نبوده و دایره تصرفاتش محدود بان حدودیه بلکه نظامش
 وسیعتر و ابعادش عظیمتر و آثار و نتایجش با برتر و مجملتر است حال چون وظائف و مسئولیتهای
 جامعه ازجه بلدان مدن امریکای شمال جنوب بخوبی مطلوب خاتمه پذیرد رسالت آنان
 از محاط خدمات بین القارات در مرحله اعلی و اصل خویش وارد خواهد گردید این است
 که بکل شایق روح الوجود در سه الاطراف در الواح مذکوره علوه عظمت این مقام را با صریح یا
 توصیف و فحمت میدان ابا منع تبیان تفصیل و تشریح میفرماید قوله العظیم «این بند الهی
 چون از خطه امریکای اروپا و آسیا و آفریقا و استرالیا و جزایر پاسیفیک رسد احبابی

امریک بر سر سلطنت ابدیه جلوس نمایند . .

این طیفه منع و رسالت عظیم چون تائیدات الهیه پایان رسد و آثار فتح و ظفر نمایان گردد رسالت اعظم و مانع دیگری که در جلوه و جلال و قدرت کمال نظیر و عدیل آن مشاهده نشده و اراده مقدسه شارع امر غزاق قدس ابی برای آن جامعه محبوب مقدر فرموده است چهره کشاید و ابواب جدیدی از خدمت و موقیعت بر وجه آن مجاهدان امر حضرت احدیت مفتوح کرد و این رسالت که انوارش خاف ابصار و آثارش ما در اعقول و افکار و حوادث جسمیه معاصرش شدت در تفسیر و تبدیل و با ذروه علیا نقطه قصوای آن در نهایت تلیف و تطبیق بدرجه ای حلیل و همین است که تدبیر و تجسم آن در حال حاضر متعین و محال تعیین شد و نورش خارج از حیطه تصور و امکان بمقتدر میتوان گفت که در بین حوادث انقلابات این «سنین اخیر» موقیعتهای خطیره و فرصتهای جلیله ای دست خواهد داد و دشواری مقتضیات بدیهه ای ظاهر خواهد گردید که بر قلب احدی تخلف نتواند نمود و موقیعتهایی که مجریان منصور و مظفر نقشه فکوتی حضرت عبدالبار را قادر بل غرم و موقوف خواهد ساخت که در آرساعی محبوبات

و فیره که در ظهور و استقرار نظم بدیع جهانی ممکن و تحقق آن در بسط و غبراء بعصره شهود خواهند رسیده
 افتخارات جدیدی در خدمت و عبودیت آستان مقدس حضرت بهرام الله جل غره که بر پایه کسب
 نمایند با کلیل موقت عظیم مکمل گردند.

و نیز در مستقبل آیام در ارتباط و توسعه شریعت الله خواه در مرکز جهانی این امر عظیم مادر قاره
 امریکای شمالی و مادر اقصی نقاط کره ارض فرصتهای متنوعه و مواقع مخصوصه دیگر که با اوضاع
 و احوال خدمات و مجهودات سابقه بکلی مغایر و متفاوت است رخ خواهد گشود که نباید آنها
 را از خاطر دور داشت این تطورات و تحولات مستلزم جنبش و حرکت جدید از طرف یاران
 امریک است باید با همان شور و انجذاب و له و انبساطی که تاکنون مجتمعا و متفقا نسبت
 با بلاغ و انتشار امر الهی ابراز نموده اند بذل همت نمایند بل بر مراتب سعی و مجاهدت بیفزایند
 اینک من باب دشمن شدن امر بزرگوار ای از مواقع منظوره که در درجه اول از اهمیت
 قرار دارد می پردازد تا امکانات آتیه معلوم و عظمت مقام آن بشکوف و چگونگی آن علی قدر
 مقدور واضح و مشهود گردد از جمله فرصتهای حلیه بدیع انتخاب یوان عدل عظیم الهی استقرار

در ارض اقدس مرکز روحانی و اداری عالم بهائی مع شعب و دوائر تابعه و مشروبات و مسکات
 منقسمه آن مهمله اعزالی است دیگر ارتفاع و تاسیس تدریجی توابع و ملحقات ام المعبود
 و حل معضلات و قیقه متضمن استقرار و بسط مبانی حیات جامعه بهائی دیگر تنظیم و تدوین
 احکام کتاب مستطاب اقدس ام الکتاب شریعت حمانی و شران که مستعدی تشکیل محکم
 شرعیة بهائی و بعضی از بلدان شرقیه شناسائی رسمی آن از طرف مقامات مربوطه است
 دیگر ارتفاع سونین مشرق الاذکار عالم بهائی در جوار مدینه منوره طهران از پی آن بنیاد
 مشرق الاذکار دیگری در ارض نور از مرکز جهانی آمین امنع اقدس ابهی است دیگر تخللا
 جوامع بهائی از تضییقات و تعصبات مذہبی در برخی از اقطار اسلامیة مانند ایران عراق
 و مصر و متعاقب آن قبول استقلال و اصالت محافل و حانیة ملیة و محلیة بعنوان مسکات
 دینیة از طرف اولیای امور در ممالک مذکوره دیگر اتخاذ وسائل و تمهیدات لازمه و اشتراک
 مساعی در بیل حفظ و صیانت امراته و در قبال حملات و تعرضات حمیه ای که بتدریجاً
 جانب دوائر و احزاب مختلفه مذہبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت بامر بین شرع حضرت رب العالمین

بعمل خواهد آمد و کل جمیع قومی بقا و مت بر خواهند خاست دیگر مسائل متنوعه و محظورات
 و مشاكل عظیمه و مسوئلیتهای کثیره متراید که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بیک
 یک از آنها تفوق حاصل گردد و بحال متانت و اتقان معامله شود تا امر مستعیده الهی
 بتواند مراحل مقدره محتومه را متابعت و فاطمی نماید یعنی دوز مجبولیت منتفی شود و در حله
 مطلوبیت و مقهوریت پیری گردد و افضال شریعه آنه از ادیان منسوخه و حقیقه رخ گشاید و علم
 استقلال دین آنه بلند گردد و مساوات پیروان امر بحال اقدس الهی تا با بیان ادیان
 که تمهیدیل از برای رسمیت آئین الهی است تصدیق و اعلام شود و این رسمیت بمرد
 ایام بتأسیس سلطنت الهیه و امر از حقوق و اختیارات تازه مخصوصه مبدل گردد و بالآخر
 باستقرار سلطنت جهانی بهائی که مؤید بتأییدات لایتمه یزدانی و مروج تعالیم معده
 ربانی و مجری احکام اود امر منصوصه منزله از سایر مشیت سبحانی است انتها پذیرد.

امید و طمید و اطمینان شتیق این عبد آنست که یاران امریکت علاوه بر تکلیف
 شدیدی که نسبت با جابت دعوت حضرت عبدالبهاء منجم در الواج تبلیغی و فرمان

ملکوتی آن وجود اقدس بر عهده دارند و قبال تحولات عظیمه و فرصتهای غنیه بدیعه که فواید
 اشاره کردید قیام شایسته مبذول با ابراز ثبات و همت پایداری استقامت که در بنا
 آن که او گمان امر حضرت احدیت اسخ و مکن است مساعی حمیده معمول خواهند داشت
 و در انظار اهل عالم مقام و موقف خویش بعنوان افعان بنیان و اضعان ارکان اوست
 مونسات امین مقدس حضرت بهار ائمه هدی و حکیم خواهند نمود.

یاران عزیز هر چند وظیفه محوله بدان جامعه محبوب بس شکل و صبب الحصول ولی
 و ثواب عظیمی که ید فیاض الهی و رحمت واسعه ربانی برای قلمان نجاست امیرزدانی
 و در خواجه غیب مکنون و مقدر فرموده بغایت گرانها و غیر است چندان که زبان از عهده
 ذکر و بیان آن کما غننی و طبع بر نیاید و قلم رقم نتواند و هر چند بدنی که یاران استان بدان
 متوجه و کمال همت و مجاهدت و پی آن پویان بغایت در و از انظار جهان مستور ولی
 البته که در صدف بیانات قدسیه شارع امر مقدس مودع و محفوظ بس متلا و در خشان
 و هر چند طریقی که دست قدرت الهی برای آن سالکان سیل رحمانی مصور و مجسم داشته

گاه بگاه در ظلمات حاکم ای که عالم بشریت را احاطه نموده منتهی و مبطور دلی انوار هدایت
 کبری که از عالم بالا بر حایان شریعت بیضا متجلی و تابان چنان ساطع و نمایان است
 که هیچ خبار تیره ای فروغ آن اکسوف ننماید و هیچ پرده و حجابی جلالت و عظمتش را محسوس
 نتواند هر چند آن طایفه من حیث الاعدوایل و عوائل و امکانات و وسائل و تجارشان در
 اجراء همایم امور محدود و معدود دلی قوه قاهره الهیه که ممد حیات و لمیر و نصیر مجبوبات
 آن معربان حریم کبریا است نامحدود و فوق احصاء و احاطه عباد است هر قدر دایره اعداء
 در ارتباط و توسعه خدمات و تقویت اقدامات یاران دست پذیرد و بر مراتب عداوت و خصومت
 بیفزاید جنود لم یروا بنصرت و اعانت بیشتر قیام خواهند نمود و چنانچه استقامت نمایند و عود
 محسوسه الهیه ظاهر شود غرت بانیه شارق و مانع خواهد گردید چندان که امید دشمنان مبطور
 و قوایشان منہزم و مغلوب خواهد شد این مواهب الطاف هر چند یقین بسین شامل حال
 خواهد گشت و هم و مساعی یاران با کلیل قبول مکمل و بطراز توفیق مقرر خواهد شد و این پنج^۵ الو
 غیر مذکور معذک پاداش ثمره مجبوبات هر یک از دوستان منوط بمیزان تمت

و مجاهدتی است که هر فرد بنفسه در حیات خصوصیه خویش ابرار و در شر و گسترش است
الهی تسریع در قیام و طفره موعوده رحمانی مبذول خواهد داشت .

دوستان عزیز با وجود حلقه و محبت شدید که نسبت بان خادمان امر حضرت
رحمان داشته دارم و بجان دل متقدم که یاران امریک می توانند بلا تردید در میانین حد
قاره ای و پهنین خدمات بین المللی بهائی که در آتیه ایام بخوبی حال جلوه گر خواهد گردید سهم عظیمی
عمده گرفته و بنوقیتهای نمایان توفیق یابند و البته همین در ابر انجام خواهد شد معذکات بر
خود فرض و تحتم میسارم که در این مقام کلمه ای بیان نمایم و توجه آن دجوه رکیه را بدین افراد
و لطیفه رفیق محطوف دارم و متذکر شوم که تقدیر و تحسین یعنی که بدفعات کثیره نسبت بصفا
و ملکات اجبای عزیز امریک بعمل آمده و بحق و حقیقت مراتب خدمت و ستمت و علو
روح و منقبت آنان فردا و اجتماع امور و تقدیر و ستایش و فیرواقع گردیده نباید هیچ سخوی با
انکار با صفات و حالات و طبایع و خصائص مردمی که قادر و متعال اجبای خویش از این
آن جمع بر این غنچه و خلعت این مخلص و کلیه عرفان و ایقان متعلق ساخته و تبس و شسته گرد

بکنه لازم است بموارد حد فاصل و امتیاز شاخصی بین جامعۀ یاران الهی و قاطبۀ ناس از اعا
دادانی علی العموم ملحوظ و این حقیقت باز در متعالیه بکمال صراحت و صراحت نایید و حالی
هرگونه سیم و مخافت تشبیه و تالیف کرد و تا قوه خلاصه امر حضرت بهر آنکه و اثرات مسیحیه آن در
حیات و خصوصیات نفوس که در ظل شریعت مقدسه اش متسلط معلوم و انتساب یاران
بساحت آفتابش مبرهن و مکشوف شود و الا علت غائی و مقصد نهائی این ظهور اعظم و بنا
عظیم از الطاریست و امتیاز و رحمان امر مبارک که ببحث خلق بدیع و نفع روح جدید و رسایل
و انفس شریه است از جلوه و ظهور ممنوع خواهد گردید.

انبیاء و مطایر مقدسه الهیه حتی نفس مقدس حایل قدم جل ذکره الا اعظم که بار اوده حتی قدیر
برای تربیت عباد و هدایت من فی البلاد مبعوث گشته اند اکثر احیان در سرزمینهای
قیام و پیام و رسالت خویش ادرین اجناس و مل و اقوام و نحلی ابلاغ فرموده اند که افراد
آن در بادیه ای جل و نادانی سرگردان و یاز بحفاظ فضائل و حانی و اخلاق و ملکات انسانی با
در اسفل ملکات ذلت منازل و در اقصای غمرات فنا نویسی متفرق بوده اند فلاکت و اسارت

شید و پرمخافت بنابر اسرائیل تحت حکومت جبار و متزلزل فراعنه قبل از خروج از سرزمین مصر که دظلم قیادت و سرپرستی حضرت کلیم واقع گردید همچنین تنزل و مدنی فاحشی که در سؤنی و مرتب اخلاقی و بر مبنی یهود هنگام ظهور حضرت روح نمودار بود و اوضاع و احوال قوم عرب زمان اشراق شمس محمدی که خشونت و دمانت اخلاق و پرستش اصنام و اوثان و دیر زمان حالات و خصائص بارز آن جمع را تسکیل داده و موجب خفت و هوان آن قوم گردید بود بالاخره تباهی و فساد و ظلم و اعتساف و انقلاب امور و انحطاط جمهور که بحال شدت در خطه ایران متعارف ظهور حضرت بهاء الله مشهود و در حیات مدنی و مذهبی مردم آن سامان منعکس و محسوس بود و شرح آن از قلم بسیاری از اهل تحقیق و سیاست اصحاب سیر و حیات که بگردش و یار و مطالعه ادب و آثار ملل پرداخته اند درج گردیده و کل ملل بر این حقیقت ایستاده و غیر قابل تردید است که ظهور مظهر مقتدره الهیه همواره در بین ملل و بجای صورت گرفته که در غفلت و ابط و در بیدار و فضالت سائر و سالک بوده اند و اگر تصور شود که سنجایمی عالیه و صفات و کمالات فاضله و قدس و سیاست و یسبقت در شئون اجتماعی قوم و ملتی

سلوع انوار الهی و طلوع مشارق وحی سبحانی در بین آن قوم و ملت بوده فی الحقیقه چنین توهم
و تصور انحراف از یک حقیقت مسلمه تاریخی و بمنزله انکار آیات بیاناتی است که از علم ملهم
حضرت بهاراته و ملک انور مرکز عهد ویشاق الهی حضرت عبداللہ بنحو صریح و مؤکد در این باب
عزیز دل یافته و حقیقت امر بعین و تشریح گردیده است.

بنابر اتب سنجیده نفوسی از عل و نخل مذکوره که ندای انبیای الهی و سفرای یزدانی تا
گفته و در ظل تعالیم ربانی متسل و محسور شده باشند فریضه تکلیف شنیدی متوجه آنان است
که باید کمال تهور و خالی از هر گونه تردید و تأمل انجام دهند و آن این است که این حقیقت ایستاده
را تشخیص دهند و با ایمان و ایتقان کامل اذعان نمایند و شهادت دهند که قیام مظهر امر الهی در
بین یک قوم و یک ملت نه بعثت تفوق ذاتی و یا بلوغ سیاسی و یا فضائل و خصائل روحانی
آن قوم و ملت است بلکه در حقیقت نفس الامر مولود احتیاج آنان معلول سقوط و انحلال
در درجه جمل و نادانی و بهبوط در مفهوات ضلالت و گمراهی است که فی حد ذاته تسدعی ظهور
معلم رحمانی و وجود مربی آسمانی است که بهدایت و قربیت آن جمع پروا خسته و از آن طریق

عالم انسانی را بنده علیا و غایت قصوی ارحیات ابدیه و اتصاف بصفات و کمالات
ملکوتیه سوق دهد زیر اقطاع تحت چنین شرایط و احوال و باعانت اینگونه وسائل و وسائط است
که سفرای الهی و مظاهر قدس سبحانی از اول لا اول باراده قاطعه صمدانیه در بین قوم و
عشیره خود قیام نموده و بعد از قوه خلافت کلمه الله آنان را از حنیض ذلت مستخلص و باوج عزت
حقیقیه متعارج ساخته اند تا نفوس مخدیه بنویژه خویش نه ای الهی ابل و کل اخری منتقل
نمایند و مواهب الطاف ربانیه را که خود از آن مستفیض و بهره مند گشته بسیار اجناس و
طوائف جهان را بعد از نقاط ارض متوکل سازند.

باتوجه باین حقیقت کلیه معنویه باید پیوسته در نظر داشت و از خاطر محو ننمود که طلعت علی
و جمال اقدس الهی روح الوجود لعظمتها العدا در مقام اول کشور ایران از آن سماء مطلع نوا
و مشرق آثار دکن اسرار ظهور مقدس خویش اختیار فرمودند که مردم این آب و خاک بجوی
که مرکز اقلیم مرکز عهد و میثاق الهی تعیین شده در اعماق خلعت دوری از حق و حقیقت مستغرق بود
چند آنکه در آن اوان بین اقوام و ملل معاصر مشابه و مماثلی در جهان متمدن نبوده است

فی الحقیقه برای اثبات قوه خلاقه و کلمه نافذه و احیا کننده این دو مظهر مقدس الهی و سیل عظم
 و برهانی آتم و اقوام از آن توان یافت که آن دو وجود مبارک بر بریت و هدایت قومی که در
 یکی از اقوام متاخر و غیر مذهب عصر خود محسوب قیام فرمودند و آنان را با فردای شمع و فداکار
 بنو به خویش مصد چنان تحول عظیم در حیات نوع انسان واقع گردیده تبدیل نمودند حال چنانچه
 این دو مربی رحمانی با فرض در بین ملت جمعی متقدم ظاهر میشوند که رفعت مقام و سمو در
 ذاتیه آنان حصول چنین اقیار و افتخار اغراعالی را که مبدالطاف و شرف آیات الهی قرار
 گیرند علی نظر توجیه نمیند البته در انظار جهانیان بی ایمان از عظمت پیام حضرت یزدان
 بنوشید می میکاست و قدرت خلاقه مهینه اش را که بنفسه لنگه محرک وجود و مربی من
 فی الوجود است مورد شبهه و تردید قرار میداد اختلاف و تفاوت محسوس و مبینی که بین مدارج
 خلوص و ایمان و شجاعت و ایقان مطالع انوار که حیات و اعمال آن مظاهر حب و انقطاع
 را جادیدان و مؤبد ساخته و مراتب دل و دیوان و خوف و خذلان معانیدن امر الهی موجود
 و شهود و در صفات تاریخ خیل تفصیل مدون و مسطور گواه صادق و شاید ماطعی از حقیقت و حقیقت

پیام ذات مقدسی است که چنین روح نبافش در صدر پیروان خویش القافر مودود و امان بخینین
 صفات مواهب و حایه مختص و ممتاز داشته است فی الحقیقه اگر نفسی از سالکان
 سبیل ایمان در مدامین حضرت سبحان تصور نماید که آنچه مایه قیام حضرت باب حضرت بهاء
 در آن موطن اعلی گشته همانا علمت آن کشور و علویت ذاتی مردم آن آب و خاک است
 که بین مل و طوائف عالم لایق این مقام اسنی بوده که نسبت سدره الیه و مغرس و ده حیات
 قرار گیرد این تصور و توهم در قبال اوله و شواهد لا تحصانی که در تاریخ مذکور موجود و بخو قاطع و
 مستدل خلاف آنرا اثبات نماید غیر قابل قبول و تصدیق است.

این اصل مسلم باید لزوماً در مورد کشوری که مهد نظم جهان آرای حضرت بهاء الله قرار گرفته
 و استحقاق شایستگی خویش ابرای اعزاز این مقام رفیع مشخص و متحقق ساخته است بنحو خفیه
 منظور گردد فی الحقیقه این بهیضت قویم و خدمت متعالی عظیم که جامعه بهائی امریک بدن
 سبادت نموده بمنزله قیام ارواح فنا ناپذیری است که در صدر امر با بدل جان و مال
 و مباشرت باعمال فاضله ای که نظیر آن در تاریخ عالم مشاهده نشد ظهور و اعتقاد امر الهی را

ثابت مدلل ساخته اند بر این نفوسی که حال در استقرار و پیدایش مذمت الهیه که علی
 و ابی ثمره اسم اعظم محسوب بخویشور و نافذ شرکت ینمایند نباید در نقطه ای چنین تصور در
 خاطر شان ضعیفان نماید که بمنظوری و ادراک نفوس و یا علّت تفوق ذاتیه و استحقاق
 نظریه مردم آن سرزمین است که شارع این امر منع اقدس چنین موهبت فخریم و امتیازیم
 و سرمدی آثار مملکت ایشان عنایت فرموده و انانرا باین منقبت کبری مخصوص
 و مقرر داشته است بلکه در حقیقت نفس الامر این عطیه روحانیه نظر بشهود و مکار حتمیه است
 که متأسفانه ملت مذکور بسبب افراط در مذمت دایه و انماک در شون با سوسیه با وجود خصا
 و مزایای جسمیه با هر بدن مبتلا گردیده است این است که جمال اقدس ابی و مرکز عهد
 اوفی حضرت عبداللہ آن کشور را خواص علم از نظم بدیع الہی که در الواح و آثار متعد
 مدون و مسطور است مقرر فرموده اند زیرا همین دلائل و امارات و ظہور شواہد و بینات است
 که قدرت مطلقه حضرت ہارثہ بنی سلی که بحتایق روحانیه بی اعتنا بوده و بہت واضح و مسلم
 میگردد کہ چگونه انوجود مبارک از بین جماعتی کہ در دریای دایات مستغرق و یکی از موثرین

و قدیمترین تعصبات خفیه گرفتار و در دام مکاید سیاسته و افعال سینه بنحیفه و عدم انضباط
 در اصول و مبادی اخلاقیه متعبد و محصور حال و نسائی مبعوث فرمود که بمضی زمان و بنحو دهم^{الکثر}
 باخلاق و شیم راضیه مرضیه و صفات و آداب ممدوحه از انقطاع و مسانیت و عفت
 و عصمت و راستی و صداقت و محبت عمومیه فارغ از حد و وضوابط بشریه و نظم و ایتقان
 و معرفت و ایتقان متصف و متخلق گردند بخوی که خود را برای تحقق سهم عظیمی که در استقامت
 نظم مدیع جهانی و مدیت آسمانی بر عهده داشته مستعد و همیاسازند نظم و مدیتی که گمان
 آن ارض بل کافه نوع بشر را بدان اصباح و نیازمندی شدید است حال تکلیف و فحشاء
 عظیم جامعه بنیان امریکائیان است که در مقام اول از لحاظ تشکیل و هندگان رکنی
 ارکان قیمه دیوان عدل الهی و در ثانی بعنوان افعان لوا نظم مدیع بر دانی که آن محاسبه
 جلیله نورانی هسته مرکزی فاشر و مشران است و اصل اصل و دوسمه قوم یعنی نظم
 و عدل الهی را وجه تسمیه خویش قرار دهند و در حکیم و تنفیذ و تقویت و تعظیم آن سعی و مساعی
 مبذول دارند این دو حصن حصین و بلجارتین و ماسن بر زینی است که عالم شبریت^{بشیرت}

بدان محتاج و مع الأسف مفاسد سیاست و حریت مغرطه مضمره که جامعه انسانی را ککله
نموده اساس و بنیان آن را متزلزل ساخته است.

این جنایات و ذنایات هر چند بیان آن ممکن است فی حد ذاته در اذواق و اذنه تنج
و ناگوار باشد ولی نباید بپوچ وجه من الوجوه ما را از تقدیر خصال و اوصاف بارزه ای که ملت
امریکا علی الاصول بدان متصف و متعلق است باز دارد و یا مراتب هوش و دکاوت
و ابتکار و فعالیت نامحدودی را که در اجراء خدمات مهمه و مشروعات عظیمه جسمه بنحو محسوس
بمنصه ظهور رسانده اند از خاطر مخونمای خصال و اوصافی که اکنون در جامعه ما را ان الهی
که زاده آن آب و خالده بصورت جلی ظاهر متجلی است فی الحقیقه قدرت و مقوت
جامعه در تأسیس و استقرار اساس متینی که بتواند پایه مساعی و اقدامات آتیه کشور نگام
حلول عصر ذهبی ام حضرت بهر آنکه قرار گیرد تا میزان کثیری موقوف باستمداد از صنایع
و بجایای مذکوره بچنین قیام برآرد و مفاسد مشروحه در فوق است.

باتوجه باین اوضاع و احوال معلوم میشود مسؤلیتی که نسل حاضر از اجبای امر

در این مرحله بدوی از تکامل روحانی و اداری خویش بدوش دارند بسیار مهم و خطیر است
 در این همه از زمان است که یاران حافی باید جمیع وسائل ممکنه افکار و ادکار و شیم و ادکار
 غیر مرضیه ای را که میراث نیکان محسوب از ریشه براندازند و بجای آن با بنیاد صبر
 و ستانت و توسل بذیل عا و استقامت ملکات فاضله و شئون احوال ممتاز و جدا
 را که برای شرکت مؤثران در خدمت آستان الهی و استخلاص عالم انسانی لازم و ضروری
 است حدیقه وجود و غرس نمایند و خود را برای تحقق این منظور عظیم و خدمت تویم آماده و مهیا
 سازند حال چون جامعه یاران نظر بقلب اعضا و محدودیت نفوذ و امکانات ضروری
 ایجا دار محسوس نسبت بتوده عظیم هموطنان خویش ممنوع و معذور اند انساب اولی انکه در جاه
 حاضر توجه را بنحو معطوف دارند و در اصلاح احوال و ترسیم نواقص و رفع حوائج خویش کوشند
 و در تدریج در مراتب کمال ارتقاء بشوین و فضائل حائیه سعی یمنع و جهد جمید مبذول دارند
 و همواره متذکر باشند که هر چه در این امر دقیق مشیرت نمایند و قدم فرار ننهند برای رومی که
 بنوبه خود حجت دفع شر و دفع مناسد جاریه بخین بنیاب قلوب و تشقیف افکار و تقویت حیات

عمومیتهای فراخوانده شوند و در انجام وظیفه مستعد و معتد تر خواهند بود این حقیقت نیز بآیه
 و نظریاران الهی پوشیده و مستور ماند که نظم جهانی بهائی که هم اکنون بنیان این شرح
 اساس و بنیان آن بمنزله پیشقدمان نسلمای آیه بهائی از مردم آن مرز و بوم در مقام
 تأسیس و ارتفاع اند هرگز متحقق نخواهد شد و استقرار و ملکن نام نخواهد پذیرفت مگر آنکه قاطبه
 که بدان متعلقند از امراض مزمنه سیاست و اعراض فاسده اجتماع که حصر حاضر را بجمیع جا
 احاطه نموده ربانی باید و از اسقام و آلام طاریه فراغت پذیرد.

حال با لحاظ احتیاجات مبرمه جامعه و تعمق و تدبر و موانع و مشاکل عظیمه ای که در راه تحقق
 نوایاد انجام خدمات منظوره موجود و بالاخره نظر بوظیفه خاص و خدمت اعلی و اصلی که در آیه ایام
 بحکم لزوم بدان مواجبه خواهند گردید این عبد تکلیف خویش میثار که با نهایت تالید توجه مخصوص
 و دقیق باریان امریک از شیخ و شاب و سفید و سیاه و ماشرین نفعات مسکینه یا خادین تشکیلات
 و دوائر امریه بمحققین قدیم و مایه نفوس صدید الاقبال کل راعلی حد سواستحایقی که با اطمینان
 و تعلق کامل عوامل و مقتضیات صلیه مشرف و طائف آنرا تشکیل میدهد بدینا بدست

و عظمت آرایان کند و طایفی که تحقق آن بمعلری اشتراک مساعی یار از انجوا تم و اکل ایجا
 نماید بر چند تیه اسباب و لوازم و تمهید و ائل و وسائط و تکمیل و دایر و شعب و اداری منظور
 تنفیذ و وظیفه اصغیه که فخل نقشه هفت ساله بدان مبادرت گردیده حاضر نهایت اهمیت
 است همچنین اقدامات و تصیمات متخذه و طرحها و نقشه ها و ذخائر مالی که برای ابرار
 و مؤثر این و امر عظیم یعنی امر تبلیغ و تکمیل و اختتام معبد طیل القدر پیش بینی شده کل
 دارای ضرورت و موقعیت اساسی مخصوص بوده و هست لیکن عوامل روحانی و غیر فانی
 توصیفی که با حیات خصوصی احوال درونی افراد جامعه سروکار داشته و روابط اجتماعی
 و شؤون انسانی آنان بر اساس آن مؤسس است آن نیز دارای همان وجه از اهمیت
 بوده و بهمان میزان قابل توجه و عنایت است باید همواره مورد تفرس و تمعن و دستان
 رحمانی قرار گیرد و بخوبی که در جمیع این مباحثه حالات خود پردازند و سکنت و رفاه
 خویش را با موازین آئینه بخش نمایند و ادا و اثر عقلت قدر و ارزش این مقام مستور
 و عظمت حیاتی آن در انظار محو و ائل گردد.

از بین عوامل و مقتضیات دنیائی که تنقید نقشه های تبلیغی و طرح های مشرق الا
 و تقسیمات و اجزای مالی کلاماً متوسل بر آن و بمنزله پایه و اساس کافه موقوفه های جامع
 محسوب است مسائل ذیل در رتبه اولی و درجه اولی از اهمیت قرار دارد و شایسته
 چنان است که جامعه بهائی امریک نسبت به آن نهایت غور و تدقیق و مائل و تحقیق
 مبذول دارند و حقیقت میزان موقوفیت یاران و جلب الطاف و مواهب لایمات
 حضرت یزدان موقوف بر آن است که این عوامل و مقتضیات تا چه مقدار کسب گردد
 و یاران استان بچه بخوان و ادبیات یونیه خویش بکار بندند و در فعالیت های اداری
 و روابط اجتماعی بمقتضای ظهور رسانند و آن عبارت از توجه دقیق نسبت بمبادی اخلاقی
 و رعایت اصل صحت و صداقت در خدات اجتماعی و اداری همچنین تمسک شدید به بل
 عفت و عصمت حیات فردی و خصوصی بلاخره حریت تمام و آزادی مطلق از قیود
 تعصبات مضمره و سخیفه و معاملات و روابط با افراد ناس از اجناس و الوان مختلفه و
 اغراب و طبقات قنوعه است .

نخستین شرط از شرایط مذکور، با آنکه مربوط بکافه یاران الهی است ولی در مقام اول
 متوجه نمایندگان منتخب جامعه اعم از ملی و محلی و ناحیه ای میباشد که در زیر خدام و اعضا
 مؤسسات بیدالولاده آئین مقدس حضرت بهار الله وظیفه خطیر و مسئولیت شدیدی
 در استقرار اساس و بنیان قوم و لایتنر غرغ و دیوان عدل الهی بر عهده دارند مگر عظیم و معبد
 رفیع المناری که طبق نام و عنوان آن مظهر عدالت حایه و حافظ و حارس معدلت ربانی
 است عدالت و معدلتی که یگانه عامل استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان
 در جهان پر عهده و میحان است شرط ثانی یعنی عفت و عصمت بنحو مستقیم و احصا مربوط بخوان
 بهائی است که می توانند نسبت پاک و مهارت و تحرک و فعالیت حیات جامعه کلکلی
 قاطع و مؤثر مبذول داشته و در تعیین مقدرات و خط مشی آن در مستقبل آتایم همچنین ظهور کامل
 قوا و استعداداتی که بشیت نافذ و رحایه و در نهاد آن دیعه گذاشته شده سهم عظیمی بر
 عهده گیرند شرط ثالث اجتناب از ابرار تعصب و در جمع شئون و احوال است که به یکجا
 اعضا جامعه راجع در هر مرحله از عمر دارد و در هر تبه و مقام قائم و از هر گونه تجربه و اطلاع بهره
 مند

و باین هر طبقه و لون مستحب باشند این امر فوری و حیاتی باینکه مطلق نظر عموم قرار گیرد و کل بلا استثنا
 باشد و در مفاسد آن یعنی انحراف از این اصل ایل مبارزه نمایند زیرا جمیع در ابراء موجب است
 و مقتضیات آن شریک و سهمند فی الحقیقه هیچ فردی از افراد نمی تواند مدعی شود که در
 انجام مسوولیت های خطیر دای که این شرط قویم مدعی آنست بخوبی کمال توفیق یافته و بسر
 مقصود و اصل گردیده است و لودر این سبیل سالک و قطع مرا حلی نایل آمده باشد.

عز و قار و تنوکر دار و تنگ شدید بحمل عدالت الهیه مقدس از تاثیر نفوذ و عوامل
 مخرب که خود از مقتضیات حیات پرست سیاستی محسوب بحسب چنین حسن نیت و
 خلوص طویتی تقدیس و تنزیه منزله از افعال خفیه و ذلیله و شئون و مواردین غیر مرضیه
 که اصول منقط و سافل عصر حاضر آن آئین بدیل تقویت و تشدید نماید و بالاخره اخلاقی
 و محبت خالصه عمومی فارغ از تعصبات جنسیه و حیاتیات علانیه که چون سرطان انسان
 حیات ناتوان جامعه بشریه را ضعیف و افسرده نموده کلاشیم ممدوحه و سجایای فاضله ای
 تسلیل میدهند که احبای امریک باید از هم اکنون منفرداً و مجتمعا در حیات خصوصی و اجتماعی

خود بکار بندد این است صفات و کمالاتی که چون قوه محیطه نباشد گردش تأسیسات و تقم
 مشروعات و اقدامات جامعیه چنین مشرفت طرحها و نقشه‌های موضوعه را با حسن و جود^{تضمن}
 و عظمت و تمامیت آمین الهی را اثبیت و بر مانع و را دعوی را که در مستقبل آیام در سیررتی
 و تسالی آن قرار گیرد بخوشدید محمود و نابود نماید.

حسن خلاق و اصالت کردار که از مقتضیات آن صدق و صفا و محبت و وفادار^{نت}
 و دیانت و انصاف و عدالت و پاکی و طهارت است باید در جمیع شئون و احوال^{تبیان}
 حیات جامعیه و صفت ممیزه هر فرد بهائی مستطیل و ظل کلمه ربانی قرار گیرد حضرت بهار^{نت}
 بنفسه المہتممه علی الکائنات میفرماید: «الیوم اصحاب الہی بانیہ احزاب عالمند باید کل از^{نت}
 و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ایشان اقتباس نمایند». «قسم سحر اعظم که در
 انفس نفوس مقدسه تأثیرات کلیه مستور است علی شان یثرفی الاشیاء کلہا»
 و در مقام دیگر این کلمات دریات از مخزن قلم اعلی نازل قوله العظیم: «خادم امر امرور
 کسی است که اگر بر مدائن ذہب و فضہ مرد نماید چشم شاید و قلبش پاک و مقدس^ش باشد»

از آنچه مشاهده میشود یعنی از رخارف و آلا دنیا قسم با قباب حقیقت نفسش مؤثر و کلمه اش
 جاذب، همچنین بنایت تأکید میفرماید «قسم با قباب اقی تقیس که اگر جمیع عالم از جنب
 و فقه شود نفسی که فی الحقیقه مملکت ایمان ارتقا رفته ابد آبان توجه نماید تا چه رسد با خد
 آن الیوم ساکنین با طاعیه و مستقرین سر غرضه اندیشه الگوت لایموتند
 باشند بمال یهود و دست دراز کنند تا چه رسد بغیر حق ظاهر شده که ناس البصدق و صفاء
 دیانت و ابانت تسلیم و رضا و رفق مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و با ثواب اخلاق
 مرضیه اعمال مقدسه کل را فرین فرماید» جمیع حجابی الهی را وصیت فرمودیم که ذیل مقدس را
 بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند» و نیز میفرماید «یا اهل بهاء تقوی الله
 نمائید نه اما حکم به المظلوم و احقار المختار» و در لوح مقدس طرزاات این بیان اعلی از قلم علی
 نازل «طرز رسوم فی الخلق انه احسن طرزا الخلق من لدی تحتی زمین الله بهیا کل اولیاء لعمری
 نوره یعوق نور الشمس و اشراقها» یک عمل پاک عالم خاک را از افلاک بگذرانند و بال بسته را
 بکشاید و قوت قدر بازار آرد» «یا ضرب الله التعدیس التعدیس التقوی التقوی» ...

«بگو یا خرب آنده ناصر و معین و جود حق در بر و الواح بشایه آفتاب ظاهر و لایح آن جنود اعمال
طیبیه و اخلاق مرضیه بوده و هست هر نفسی ایوم بخبود اخلاق و تقوی نصرت نماید و نه و بی سبب
بر خدمت قیام کند البته آثارش» اشطار ظاهر و هوید اگر دود، و ایضاً میفرماید: اصلاح عالم
از اعمال طیبیه ظاهر و اخلاق اضمیه مرضیه بوده همچنین این کلمات نصیحت ارفتم^{مشبت}
حضرت ربّ الآیات البیّات ظاهر قوله تعالی «ان اعدوا علی انفسکم ثم علی الناس لعلهم
اتوا العدل من افعالکم من عباد المخلصین»... «اول انسانیت انصاف است و
جمع امور منوط بآن... ان انصفوا یا اولی الالباب من الانصاف له لا انسانیة له»
و نیز میفرماید: قل یا قوم زینوا لکم بالصدق و تقو لکم بالامانة یا لکم یا قوم لا تخانوا فی شئی کونوا
انسا، الله بین یمین و کونوا من المحسنین... و در لوح دیگر این بیانات با هرات از اقی عنایت
مالک قدم مشرق و لامع: «کونوا فی الطرف عقیفاً و فی الید امناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب
متذکراً»... «کن... لوجه الصدق محلاً و لکمال الامانة طرازاً و لیسیت الاخلاق عرشاً و لجد العلم
روحاً و لجد العدل رایتاً و لافق غیر نوراً» و در مقام دیگر مذکور: «یکل خود را بطراز راستی و ادب

فرین دارید و خود از صلیه عدل و اصطبار محروم مسازید تا رواج طیبه تقیس از شرط قبولتان به جمع
 ممکنات متضوع گردد، «... بگوای اهل ببادریل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است
 سالک نشوید بهت گمارید تا آیات حق بر اهل ارض مکتوف احکام داد و امرش واضح معلوم
 گردد باعمال سبب هدایت من فی البلاد گردید چه که اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با
 افعالشان مغایر و مباین است کردار نیک است که مستظلمین در ظل سدره رحمانیه را از مادران
 ممتاز گیتی را بر روشنی خویش روشن و منور سازد طوبی از برای نفسی که نصیاح قلم اعلی را بسع قبول
 اصنامود و با نچه از سماراد و خداوند علیم و حکیم نازل گشته متک حبت (۱) ...»

در این مقام حضرت عیبه البهار روح الوجود لرسمه الاظهر فدا میفرماید: «ای غرب الہی بكون
 و غنایت حال مبارک روحی لأحبائہ القداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر
 نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد بخلق و خوی و صدق و وفا و محبت و انانیت
 و دیانت و مهربانی بمجموع عالم انسانی مشاء بالبنان گردد و جمیع اهل شهر گویند که این شخص تقیین است

که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است
 تا باین مقام نیایند بعد و پیمان الهی و فائز نموده آید و در لوح دیگر مرقوم «الیوم الزم امور تعدیل
 اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید اجبای حسن بخلق و خوی در بین خلق مبعوث
 گردند که راسخه مسکبار گلشن تقدیس آفاق را مسطر نمایند و نفوس مرده را زنده کنند زیرا مقصود
 از جلوه الهی و طلوع انوار غیب غیر مقامی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق مری فی الجمله
 و نیز میفرماید «صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم نام
 از ترقی و تعالی در کلیه عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدس و نفسی رسوخ نماید
 صفات و کمالات قدسیه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد (۱)».

این صحت و صداقت و تشبث بحق و حقیقت باید با قدرت ائمه الوصفی در کلیه ارادیه و تصمیما^ت
 متخذ از طرف انسانی منتخب جامعه در هر رتبه و مقام مرعی گردد و بهواره در معاملات افراد و باران
 و حیات خصوصیه آنان همچنین در ابرار حرف و مکاسب و اعزاز مشاغل و مناصب و یا هر

گرفته خدمت و وظیفه ای که ممکن است در آیه ایام نسبت به ملت یا حکومت قبوه خویش درجده
 گیرند ظاهر و جویید باشد و نیز همین اصل را سی حقیقت حسن نیت و خلوص طویت است
 که باید زینت بخش حالات و سکات متخمین بیانی به کام انجام وظیفه مقدس اشخاص
 از چنین حق تعالی شروع در اگیر و در وجه امتیاز و صفت مشخصه هر یک از دوستان جهانی
 بعد م قبول طایف سیاسی همچنین هم عضویت در تشکیلات معاهد سیاسی دینی و حقاً
 مسالک و مشارب حزبی و بالأخره اقناع از ورود در مبارزات و مقامات
 سیاسی عالم ساخته شود همین شئون و ملکات فاضله است که باید در اتباع با شرط
 پیران آئین مقدس جهانی از پیر و برنا از اصول و تعالیم اساسیه که در بیانات و خطابات
 حضرت عبداللہ بنحو صریح و روشن مذکور همچنین حدود و احکام منزله از مغرن قلم اعلی که در کتاب
 مستطاب اقدس ام الکتاب آئین بیانی مدون و مضبوط است قطعاً و منوکه اعمو طاکر و در این
 اصل ایل یعنی سلوک در هیچ حقیقت باید در رفتار و تماس عامیان شریقه آنه نسبت بمعیار
 امرائی و اذعان و شناسائی هر نوع لیاقت و شایستگی که ممکن است در افراد معارض

موجود و یا ادای هر گونه تهنید و تکلیف که احیاناً نسبت بچنین افراد درین باشد محسوس و جلوه
 گردد و جمیع این مراتب باروح محبت و وفا و فارغ از هر گونه تعصب و شقاق و محرمی و مسموم
 شود این حالات و سجا یا سلبغین بهائی و ناشرین نفحات سبحانی را احسن طرز است
 که باید در جمیع احیان و اقوال و اعمال و مساعی و مجهودات و در داخل و خارج بخواند و اهل مشهور
 باشد خواهد در صنف اول رافضین و اوارا مرآتیه وارد و یاد در ملک نفوسی که دایره خدمات و
 وظایفشان محدود تر است منسلک باشند این ملکات و فضائل کلاً اوصاف و احوال
 و شیم و آثار نمیزند نمایندگان و کلامی فی هر جامعه بهائی محسوب بهائی که از لحاظ تعداد قلیل
 ولی دارای قدرت و سؤیلتی بس عظیم و خطیر است چه که رکن رکن و گیاره مرجع اشخاص
 بیت العدل اعظم الهی در هر یک از جوامع بهائی است معبد صلیل و بنیان قویم و رفیع الهی
 که طبق آنچه از قلم شارع مقدس این امر اعظم در شان آن غر زول یافته و بدان نام و نشان بنوع
 گردیده و مظهر عدالت کلیه آئیه و مصدر صفات و سنوحت حائیه است صفات و سنوحت
 که حکیم و تنقید و صیانت و وقایت آن اعلی رسالت آن بیات مقدسه را تشکیل میدهد.

اصل عدالت که اکیلل جلیل و مایه الاتیار کافه محافل محلّیه و ملیّه اركان دوائم دیوان عد
 الّهی محسوب بزرجه عظیم و منیع و اعلیٰ و خیم است که حضرت بهار الله بنفسه المقدسه عن الکائنات
 اراده میمنه خویش را تفویض شرایط و استعدادات این اصل صیل میفرماید بقوله تبارک و تعالیٰ
 «حقّ شایه دگواه اگر چنانچه مخالف شریقه الله نبود دست قاتل خویش را می بوسیدم و از ا
 خود او را ارث میدادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب و انداشت و خطام دنیا و نزد ا
 عبد نبود» و بکمال تأکید بیان میفرماید «بتقین بسین بدان» این ظلمهای دارد و عظمتی دارد که
 عدل اعظم الّهی مینماید. و در مقام دیگر مذکور «قل الله طهر بعدل ترین العالم و اقصوم اکثرهم
 من النّاسمین» همچنین «سبح عباد و اد است او را به باد می مخالف ظلم و اعتساف
 خاموش نمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد» و نیز میفرماید «هیچ نوری به نور عد
 معاد نمی نماید آن است سبب نظم عالم و راحت امم» «یا حزب الله مربی عالم عد
 است چه که دارای دگر کن است مجازات و مکافات و این دگر کن و چشمه انداز برای حیات

اهل عالم... عدل و انصاف و عارند از برای خط عباد و از این دو کلمات محکم مبارکه ^{علت}
 صلاح عالم و حفظ اعم است ظاهر گردد، و در مقام دیگر این بیان اسنی نحو صریح و منوکه از قلم اعلی
 نازل قوله العظیم «ان اتقوا یا قوم ایام العدل انما قد اتت بائنی ایام ان تحبوا منها و ملو
 من العافین». «غریب یومی خواهد رسید که مؤمنین آفتاب عدل ادر شده اسرار
 از مطلع جلال مشاهد خواهند نمود». «بدلتی ظهرت غره الکائنات با بستی اسرقت
 شمس العدل علی العالمین» و نیز میفرماید «عالم منقلب است افکار عباد مختلف نسل
 ان یرتیم نبور عدله و یرقمم ما یفهم فی کل الاحوال» «فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از حجاب
 ظلم فارغ شود ارض غیر ارض شده گردد».

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرسمه الاظهر فد و در این باره میفرماید «الحمد لله آفتاب
 عدل اراقی بهار الله طالع شد زیر ادر الواح بهار الله اساس علی موجود که از اول ابد
 تا حال بخاطر می خطور ننموده» همچنین «خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو

و بقای بشر بر عدل است نه عفو

باتوجه به بیانات مذکوره در فوق معلوم میشود که چگونه شارع مقدس این شرع اعظم مشروع
علیمی را که تاج و تاج و کلیل جلیل مناسبات نظم بدیع جهان آرای امر اقوم ففهم اوست انرا
فصل و عفو موصوف نفرومود بلکه بیت عدل الهی نام نهاده است زیرا عدالت گانه اساس بنیان
حصین و مؤبد صبح اعظم بر دانی است و آن است آن حقیقت متعالیه ای که در کلمات مبارکه
کنونیه مابعد اذکار مذکور و باجل اوصاف موصوف به «احب الاشياء» در ساحت قدس
حضرت مولی الاسما تجلیل و تکریم گردیده است. در این مقام بر خود فرض و لازم میسازد که بنحو
انحصار از یاران عزیز امریک بنهایت تأکید تقاضا نماید که شئون و لوازم این مقیاس احل علی
و میزان اتم اسنی یعنی صحت و صداقت و راستی و صراحت افراد مجتمعاً مورد مطالعه
و دقیق قرار دهند و بهمت تمام و خالی از هر گونه شائبه قید و شرط بموقع اجرا گذارند و بجان و دل
حمایت و صیانت کنند میزان و مقیاسی که اصل عدالت حصین و ملجأ تویم دین

آن است .

اما تقدیس و تنزیه آن نیز یکی از احوال مهمه و شرایط لازمه ضروریه است که در اعتلا حیات
و تقویت تشیید مبانی جامعه که خود مایه بسط و ترقی مجبوبات و توسعه و تقدم مشروعات
امریه است تأثیر عظیم داشته و دارد در این ایام که عواصف بیدینی و عدم تعلق با جاسات
و عواطف و حافی مبادی اخلاقی را ضعیف و میان ملکات انسانی راست و منزعج
ساخته امر پاک و طهارت و تمسک بذیل عفت و عصمت باید بنهایت جهت نصب این
یاران الهی قرار گیرد و در خدمات فردیه و شئون اجتماعی آنان بعنوان چارسا و امر حضرت
یزدان حافظان شریعت سبحان بخوانم و اصلی مشهود شود بالاخص در این اوان که اوضاع
و احوال در آرتسک شدید بعلاقه مادی و دانهاک در شئون نفسانی که حال در آن قلم
بکمال شدت حکمفرماست جهت مخصوص حاصل نموده انجام این وظیفه خطیر یعنی تحریر و انفس
و همی و تشبث بحبل و رع و تقوی در درجه اول از اهمیت واقع و مستلزم بذل جهد و توجه
خاص از طرف آن خدای آم ملکوت است چنانچه حافی رجالات و نساء باید در این ساعت

که انوار دینیت در پی افول ارکان و قوایم آن یکی بعد از دیگری در معرض سقوط و هبوط
اعمال و افعال خویش امور و مآل و مقیق قرار دهند و با غرم جرم و تصمیم راسخ تهذیب و اح
و تعدیل افکار و ترکیه حیات جامعه پردازند و از برتر نزل و انحطاط اخلاقی که نام و شهرت
و تمامیت جامعیت چنین امر اعراضی را لکه دارند نماید شدت تمام جلوگیری و جماعت
کنند.

لغات و تقدیس باید اصل مسلم و میزان کمال رفتار و اطوار یاران و روابط اجتماعی آنان
با اعضاء داخل جامعه بچنین دقت و تماس و ارتباطشان با عالم خارج باشد و نیز باید این صفت
متعالی طراز بسکال و مایه تقویت مساعی و مجهودات لایقه نفوسی قرار گیرد که به نشر نفعات مسکله
الیه قائم و تمشیت امور امریه مالوف و خدمت ستان مقدس حضرت بهار الله مقتدر و
قبایه اندوستان الهی و سطلین و ظل لوا سبحانی چه در حضور چه در سفر چه در مجامع عمومی
و چه در محافل و مجالس خصوصیه چه در مکاتب و مدارس چه در معابد علمیه و ادبیه باید این
مقتضیه را در جمیع شؤون احوال حلیه و ثار خویش قرار دهند و کمال دقت و اتقان در حرکات

و کلمات یومیّه خود ظاهر و عیان سازند همچنین در فعالیتها می مدارس تابستانه و یا هر فرصت
 و موقعیت دیگری که حیات جامعه بهائی مورد تقویت و تکمیل واقع گردد باید باین امر فوق
 عنایت مخصوص بذل شود بالاخره این حقیقت شاخصه باید صفت مشخصه و غیر قابل
 انکار جوانان و ملازم با ما موریت و رسالت فخریم ایشان تلقی شود بهائاتی که جامعه بهائی
 را عنصری عظیم و ترقی و هدایت آئینه نسل جوان کشور را عالی بس مؤثر و قویم محسوب
 میگردد.

این تقدیس و تزیین با شئون و مقتضیات آن را غفلت و عصمت و پاکی و طهارت
 و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال و جمیع مراتب احوال از وضع پوشش و لباس
 و ادای الفاظ و کلمات استفاده از ملکات و قراح بهیرو ادبی است همچنین توجه و مراقبت
 تام در احتراز از مشتهیات نفسانیّه و ترک اهورا و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات
 زلیله مفرطه است که از مقام بلند انسان بجا بد و از اوج عزت و تحفیض ذلت منازل
 و نیستدعی عذاب شدید از شرب مسکرات افیون و سایر الایشهای مضره و اعتیاد

دنیه نالایقه است این تقدیس قنزیه هرامری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود
خواه از آثار و مطایر هنر و ادب یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلاستنداره
مرا می ناسد یا امیزش بر طریق مصاحبت یا بیوفائی در روابط نامشروعی و بطور کلی هر
نوع ارتباط غیر مشروع و هرگونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را
مکرم و ممنوع مینماید و همچو با اصول و موازین سنیّه و شون و آداب غیر مرضیه مختلط
در دوزخ و ال کنونی موافقت نداشته بلکه با راه طریق اقامه برهان و دلیل بطلان این
افکار و سخافت این ادکار و مضار و مفدت ایگونه آلودگیها را عملاً مکشوف و تنگ
احترام از نوامیس و معتدسات مغنویه غیبت ارتجاذات و انحرافات مضدّه را ثابت
و مدلل میسازد.

در این مقام این کلمات عالیات از سما مشیت حضرت ربّ الایات التیات نازل
توله العزیز قسم بحقیقت الهی عالم و آنچه در اوست مع جمال و جلال و لذات و سرات
فریبده آن کل در نظر حق چنان تراب و رامدل سپهر مشاهد میشود ای کاش قلوب عبّادان را

درک نمود ای اهل بازار آلودگیهای ارض درخارف فانیه آن خود را پاک و منزه سازید حتی شایسته
 و گواه که این مرتبه لایق مقام باریان الهی نبوده و نیست شئون دنیا را باطنش و اندیشه
 و عیون خود را باین منظر اقدس منیر متوجه سازید (۱) « و نیز دوستان خویش را باین بیان
 منع اکرم نصیحت میفرماید « ای احباب ایل مقدس البین دنیا میالایید و بما اراد ان
 والهوی تکلم کنید » همچنین « ای احبابی حق از مغازه فتنه نفس و هوئی بفضای معده
 احدیه شتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مادی گیرید تا از نفحات اعمالیه کل بریه شامی
 احدیه توجه نمایند » و در مقام دیگر مذکور « خود را از تعلقات و آلائشهای دنیا پاک و منزه نمایند
 و هرگز بدان تقرب نجوئند زیرا شمارا با اتباع از هوا جس نفسانیه ترغیب از سلوک در منج
 تویم و صراط مستقیم منع مینماید (۲) «...» « اَنْ اجْتَنِبُوا الْاِثْمَ وَانَّهُ حَرَمٌ عَلَیْکُمْ فِی کِتَابِ الْاِذِی
 لَا یَسَّهَ الْاِذِیْنَ طَهَّرَہُمْ اللّٰہُ عَنْ کُلِّ ذَنْسٍ وَجَعَلَهُمْ مِنَ الْمُطْہَرِّیْنَ » و نیز این شایسته
 در کلمات حضرت رب العالمین بسطور « خلقی با صفات و فضائل ممتازہ مبعوث گردید (۳)

(۱) ترجمه

که «قدم انقطع بر کل من فی الارضین و السموات گذارند و آستین تقدیس بر کل
 مخلق من الماد و الطین بر افشاند» همچنین اهل عالم را باین بیان عظیم تهدید میفرماید قوله العزیز
 «ان التمدن الذی یذکره علماء مصر اصنایع و الفضل لوی تجاوز حد الاعتدال لمرآه نغمه علی
 انه یصیر مبداء الفساد فی تجاوزه کما کان مبداء الاصلاح فی اعتداله» و همچنین میفرماید
 «آنچه حق جل ذکره از برای خود خواسته قلوب عباد و دست که کنار ذکر و محبت ربانیه
 و خزان علم و حکمت الهیه اند لم یزل اراده سلطان لایزال این بوده که قلوب عباد را از
 اشارات دنیا و مافیها طاهر نماید تا قابل انوار تجلیات ملک اسما و صفات شوند»
 و در مقام دیگر مازل «قل الذین ارغبوا الفحشاء و تسکوا بالذیال انهم لیسوا من اهل البهاهم
 عباد ولویرون و ادیاس الذهب یمرّون غمه کما السحاب لا یتفتنون الیه ابد الا انهم
 منی لیمدون من قمصهم الملاء الاعلی عرف التقدیس... ولویرون علیهم ذوات اجمال
 باحسن الطراز لا یرتد الیهن ابصارهم بالهوی اولئک خلقوا من التقوی کذلک علیکم
 قلم القدم من لکن یلم العزیز الوهاب» و نیز اندازد للعباد میفرماید «ان الذین تسعوا^{ری}

فَلْيَسْمِ فِي الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ» «مِنْ بَنِي لَاهِلِ الْبَهَاءِ أَنْ يَنْقُطِعُوا عَمَّنْ
 عَلَى الْأَرْضِ كُلِّهَا عَلَى شَأْنِ حَيْدَرِ أَهْلِ الْفَرْدَوْسِ نَفَحَاتِ الْقُدَيْسِ مِنْ قَبْصِهِمْ.....
 أَنَّ الَّذِينَ ضَلُّوا الْأُمْرَ بِمَا اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ انْتَهَمُوا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» «وَالْيَسَاءُ مِيفَرَايِدُ وَطَرَارُ
 اعْظَمُ أَرَبْرَايِ مَا عَصَمْتُ عَفْتُ بُوْدَه دِهَسْتُ لِعِمْرَانَه نَوْرُ عَصَمْتُ آفَاقِ عَوَالِمِ مَعَانِي رَا
 رُوشَن نَبَايِدُ وَعَرْشِ بَعْدُ دُوسِ اَعْلَى رَسَدُ» «وَنِيْرَ اِيْنِ كَلْمَه عَلِيَا رُخْزَن قَلَمِ اَعْلَى نَازِلُ» «لَنْ
 قَدْ جَلَّ الْعَصْمَةُ الْكَلِيلُ لِرُؤُوسِ أُمَمٍ طُوبَى لِمَنْ فَازَتْ بِهَذَا الْمَقَامِ الْعَظِيمِ» بِمُحَمَّدٍ يَا رَنْ
 احْبَابِي خُوِشِ اَبَايْنِ شَابَرْتِ صَرِيحِ مَشْهُرِ مُسْتَبْشِرِ مِسَارِدِ قَوْلِهِ الْغَرِيْزُ «عَدَاوَتُكَ دَرِ كِتَابِ
 اَلْهَى بَرَايِ نَفُوسِي كِه اَرَا عَمَالِ سَيِّئَه خِيَمَتَه اِحْتِبَابُ بِأَفْعَالِ طَيِّبَه طَاهِرَه اِقْبَالِ نَمَايَنَدُ
 اَبْرُ بَرِيْلِ دُثْوَابِ جَمِيْلِ مَقْدَرِ فَرْمُودَه اَدُسْتُ نَخْبَتَه عَظِيْمِ وَفَضَالِ (۱)» «وَدَرْ مَقَامِ دِيْگَرِ
 نَازِلُ» «أَنَا حَمَلْنَا الْبَلَاءَ يَا كُلِّهَا لِنُطَهِّرَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ مِنَ الْغَافِلِينَ.... أَنَا نَزَلْتُكُمْ فِي أَعْمَالِكُمْ أَذَا
 وَجَدْنَا مِنْهَا الرَّاكَةَ الْمُقَدَّسَةَ الطَّيِّبَةَ نَضَلِّي عَلَيْكُمْ وَبَذَلْتُ لَكِ نَفْطَ لِسَانِ أَهْلِ الْفَرْدَوْسِ

(۱) ترجمه

بذكرکم وشناکم من المقربين ..

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدسه میفرماید: «اما شراب نفس کتاب آمد
شرش ممنوع زیرا شرش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است»
در این مقام حضرت بهاء الله بنفسه الاقدس میفرماید: «ان شرین ايام الله خمير المعانی من
کوئوس الکلمات ثم اترکن باکیریه العقول لانتها حرمت علیکن فی الألواح والزررات
ایاکن ان تبدلن کوثر الحیوان بما تکره نفس الزاکیات ان اسکرن نجم محمده الله لا بما یخامر
به عقولکن یا ایها القانتات انتا حرمت علی کل مؤمن و مؤمنه کذلک اشرق شمس الحکم من
افق البیان تنفیثی بها اما المومنات ..»

باید در نظر داشت که خط حدود و موازین عالیه اخلاقی و ابتعاد از مکاره و مناسی که از قبل
بدان اشاره گردید همچو به اصل خلقت و انزوا و ترک شئون حیاتیّه دنیا بنحو افراط و منافی با
عقل سلیم قابل قیاس و القیاس نیست معیاری که شارع مقدس این امر اعظم در این مقام مقرر
و بدان امر و دلالت فرموده اند مستلزم آن نیست که احدی از احاد بشر به نحوی از انحاء از نعم الله

آلهی محروم و از حقوق مشرعه انسانی ممنوع و بی نصیب گردد بلکه میتوان در ظل شریعت
 الهیه و اتباع احکام و سنن سماویه از لذات حیات بهره مند و از مواهب طبیعت بر
 خور و ارگروید و از مراتب جلال و جمال و آنچه در عالم خلقت بار آورده رب و دود من غیر
 محدود و در اختیار من فی الوجود گذشته شده بقدر مقدر استفاده نمود و قوله تبارک و تعالی
 «إِنَّ اللَّهَ لَن يَمُنِعَ شَيْءٌ عَنِ اللَّهِ لَا بَأْسَ عَلَيْهِ لَوِزِينَ نَفْسَهُ بِكُلِّ الْأَرْضِ وَرِيقِهَا وَنَفْثِهَا
 لَإِنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِعِبَادِهِ الْمَوْعِدِينَ كُلُّوْا يَا قَوْمِ مَا آتَى آلَهُ عَلَيْكُمْ وَلَا تَحْمِلُوا
 أَنْفُسَكُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِي نِعْمَاتِهِ ثُمَّ اسْكُرُوهُ وَكُونُوا مِنْ شَاكِرِينَ»

اما تعصب جنسی که قریب یک قرن عروق و شرابین مردم امریکت نفوذ نموده و
 ارکان جوارح اجتماع راست و متزلزل ساخته فی الحقیقه مهمترین مسأله حیاتی است
 که جامعه جهانی در مرحله کنونی ترقی و تکامل خویش با آن مواجه است این امر خطیر که یاران
 امریکت نسبت بکل رضایت بخش آن هنوز توفیق کامل حاصل ننموده اند بدرجه ای حائز
 است که فوق آن قابل تصویر و همین لحاظ مستلزم آنست که نسبت به آن اتهام بیغ مبدول

واستقامت پایداری و شہامت و فداکاری و حسن تدبیر و مہر و دی و توجہ و ہشیاری و
 مہمول گرد و دوستان حامی از سفید و سیاه و ضعیف و شریف پیر و برابار و قہیم و جد
 کہ و ظل امن الہی مستطیل دہان نام پر افتخار معروف و شہرہ باید کل در این امر ہم شرکت نمایند
 و ہر یک بحسب ظرفیت استعداد و تجربہ و مقدرات خویش باین وظیفہ عمومی یعنی
 و مسایای حضرت عبدالہار و تھن آمال و نوایای عظیمہ آن مولای خون آساع از حیات
 مقدس کہ مثل اعلامی تعالیم مقدسہ ربانیہ است مبادرت و زہد و بذل ہرگز نہ سعی مجاہد
 نمایند بچیک از افراد بہائی اعم از سیاہ و سفید نمی تواند خود را بحق و حقیقت از این تکلیف
 شدید معاف شمار و مدعی گردد کہ امیال و مقاصد آن فائدہ آسانی را کما ہو حقہ بمنصہ لہور
 رساندہ و بجان و جان پی اقدام مبارکش متحرک و پویان است و حقیقت ای ہی بس
 طویل و دشوار کہ مملو از مخاطرات و مہابط عیار است نہنوز در مقابل افغان لوای اسم اعظم
 و پیران امران محمی رحم از سیاہ و سفید باقی است کہ باید با قدم صبر و استقامت پیورہ شود
 فی تحقیقہ نفوذ و مننوی و غیر محسوسی کہ لازمہ نصرت و موفقیت و حامی یاران امریکہ و تقدیم

و پیشرفت آنان در شرح جلی است که اخیراً بدان مبادرت نموده تا میرانی که قلیلی
 بین ایشان تصور و تدبران را توانند نمود ظهور و پیدایش موکول بر اعلی است که در این
 سیل طی طریق نمود و همچنین روش و طریقه ای که برای وصول باین منظور پیش گرفته اند.
 در این مقام باریان الهی باید روش و سلوک مرکز عهد و پیمان حانی را هنگامی که آن شمس
 قدس سبحانی در اقیانوس غریبه طالع و در بین آن جمع با شراق انوار و اضواء قلوب ارواح عالم
 بود بخاطر آزد و باغرمی راسخ و صمیمی خلل ناپذیر رفتار و کردار آن مظهر الطاف بانی و مصدر
 صفات و سنوحت قدس سبحانی را سرشتی خوش قرار دهند شجاعت و محبت سرشار
 و رافت و عطف بکیران که از صمیم قلب روان و خالی از هر گونه تکلف نسبت به مردم طبقات
 علی حد سواء مبذول میفرمود و از هر جاد و نفرتی که بنهایت حکمت و اتقان نسبت به انتقادات
 سچا از خود ظاهر و آشکار میساخت همچنین خاطرات فراموش نشدنی از مواقع و موارد تاریخی را
 در نظر محکم و در مرآت ضمیر مرتسم سازند که چگونه یکل مبارکش بوضع صریح و قاطع احساسات
 شدید عتیق خود را راجع بمل عدالت الهی و عنایت و ملاحظت ذاتیه خویش ادر مورد فقر

و مله‌فین و عجز و مستضعفین ابراز می‌داشت و عشق و علاقه بی پایان که خارج از حد و صف بی‌پایان است نسبت بوحده عالم انسان و اعضاء و اجزای این خاندان عظیم در دل جان می‌پرورید و بالاخره درباره نفوسی که انکار و عواطف مبارکش را بخریه گرفته و در مقام مخالفت با اصول و مبارزه با بیانات و تعالیم حضرتش برآید و الهام ربی می‌یابد و عدم رضایت می‌فرمود این شئون و اوصاف این احوال و آثار باید پیوسته در خاطر اجتهادی الهی مصور و با غرضی خرم و اراده‌ای محکم و متین فارغ از هر گونه خوف و بیم مورد تاسی و اجراء دقیق واقع گردد.

اعمال تبیض نسبت به یک از اجناس و اقوام و شعوب و قبایل عالم مناسبت تا آنجا که آنها در امور اجتماعی یا عدم بلوغ سیاسی یا قلت عدد و وجودشان در اقلیت منافی با تعالیم الهی و معیار مابرج مودع در شریعت حانی است و حی که امین مقدس حضرت بهار الله بدان نده و نباض و انوارش را جذب و فیاض است تصور و تخطیر هر نوع جدائی و اشتقاق و تعلیک و افتراق در صف پیر و ان مبارک بمنزله نقض صریح و مخالفت بین با اصول و مبادی سامیه این آئین اقوام است بجز آنکه اعضاء جامعه مقاصد و عادی شارع این م

اقدس اعظم را چنانکه باید و شاید دریافته و خود را در ظل نظم اداری امراته و اردو اصول و احکام و
 و مناسبات منزلت از سایر شیعیان الهیه را خالی از قید و شرط قبول نموده این افکار باید بالمره و خاموش
 و قلوب از شائبه یگانه گویی و تبعیض پاک و منزله گرد و دگرگونه تشخیص و امتیاز و تمییز و تحدید چه از لحاظ حق
 و لون و چه از نظر ملیت و قوم منسوخ و ملنی شمرده شود یا ران الهی نباید بخود اجازه و بند که تحت هیچ عنوان
 و مجوزی ولو مقتضیات امور دین و فشار عقاید جمهور داشته ظهور محسوس و مشهود باشد این
 در بین آنان سوخ کند و این فکر در سبیل جامع حل و دفع و نماید حال اگر بعضی محال موقعی چنین ^{حلقه}
 رعایت لزوم حاصل نماید چنین تفاوت و تمایز مقتضی شناخته شود آن ملاحظه در عا
 باید در جهت مصالح اقلیت باشد یعنی نفع آنها تمام شود نه زیان آنان چرا که در مساله برادری با غیران ^{معه} جز
 تشکله در ظل لوای اسم اعظم مستطل و باین نام پراختن و متفرق و تبااهی است باید برخلاف مل و نخل افش و شرنقی
 چه غربی چه حکومت عامه و کمرای چه سیاست مطلقه و استبدادی چه استرکی چه سرایه و رخی چه مربوط
 بعالم قدیم یا متعلق بنیای جدید که اقیانوس ضمیمه و منبیه و سیاسته اورد و ایراد قدرت و حکومت خویش
 نادیده انگاشته و یا حقوق آنان را پایمال نموده یا بالمره از ریشه برافکنند و اند این امر حیاتی ^{لین}

و طیفه خویش شمارد که هر اقلیتی را که در بین آن جمعیت موجود از هر جنس و ملت و از هر طبقه و تربیت
تقویت نماید و حفظ و حمایت کند این اصل صیل به جبهه ای مهم و حیاتی است که هرگاه در مواردی
مانند امر انتخاب تعداد آراء در حق افرادی از اجناس مختلف و یا مذاهب و ملیتهای متنوع در داخل حاکم
کیسان و یا خصائص و شرایط لازم به جهت اصرار بر سه و مقامی بین افراد مذکور علی حد سوار باشد اولویت
و تقدم باید ملائمه دید بفرودی تعلقی گیرد که نسبت با اقلیت است و این ترجیح و تقدم صرفاً از لحاظ
است که اقلیت مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و با آنان فرصت و موقعیت مساعد داده شود
تا در خدمت جامعه و مشرف مصالح عمومی و قدهای بلند تر بر دارند نظر باین اصل خیر و با توجه
باین امر مبهم و دقیق یعنی لزوم اشراک افراد اقلیت در فعالیتهای امری و قبول مسئولیت آنها
در تمشیت امور اجتماعی است که هر جامعه بهائی موظف است امور خویش را نوعی ترتیب دهد
که افراد منسوب با اقلیتهای مختلفه در داخل جامعه خواه از اقلیت جنسی و غیر آن چنانچه متصف با صفات
لازمه و واجبه خصائص و شرایط مشخصه باشند تا آخرین مرحله امکان در مؤسسات امریه اعم از محافل
روحانیه و انجمنهای شور و یا کنگره آنها و بجهت آنکه فی الحقیقه نمایندگان جامعه محسوب شرکت و

عنویت یابند و خداشان در تسکلات مگردد مورد استفاده و در گیر و آغاز چنین دین و تبتک
 شدید بآن نهامش الهام و مایه تقویت و تشجیع غاصری است که از لحاظ تعداد و اقل و استرا
 در مسائل اجتماعی محدود و محدود بلکه در ابراء این اصل عمومیت آئین حضرت بهر آنکه معلوم
 و فراغت پیرایش از لوث تعصبات باطله و حیات جا نده در انظار عالم و عالمان است
 و تحقق کرد و حیات تعصباتی که چنین انقلاب و تشنج عظیم در شئون اصلی ملل و مجتمعات
 و مناسبات عاریشان در قبال یکدیگر ایجاد نموده است.

در این هنگام که قسمت عظیم و دائم التزاید جامعه بشری معرض چنین ظلم و اجحاف
 و ملل ایگونه نقدی و اقصاف واقع گردیده اند از تعصبات جنسی که مدام بنیان انسانی است
 بهر صورت و نوع باید شعار جامعه جهانی و محور آراء و مجبوبات ایران معنوی قرار گیرد و هر ایا
 مقیم و در هر اجتماع و داخل و در هر مرحله از عمر دارد و بهر گونه آداب مؤدب و از هر قسم خصائص
 و اوصاف ستفیض بهره مند باشند این شیوه مرضیه باید پیرواره در کلیه شئون و مضامین حیات
 و خدمات و فعالیت های ایران در داخل جامعه و مایه خارج از آن چه در مواقع خصوصی و چه عمومی

چه رسمی و چه غیر رسمی چه فردی و چه اجتماعی و یا بصورت مشخص تشکیلاتی مانند هیأت‌های
 امریه و بجهت و محافل روحانیه مشهود و جلوه گر باشد این امر فحتم و مقصد حیل باید جمیع و
 وسائط موجوده و فرصت‌های ممکنه متصوره که در حیات یومیه افراد پیش آمد نماید هر قدر
 جزئی و خالی از اهمیت باشد تقویت گردد و بحال دقت و مهارت مورد تاکید و تسویتی
 واقع شود خواه چنین فرصت و موقعیت نه قانون خانواده یا در مراکز کسب و کار یا در کتاب
 و معاهد علمیه یا در جملۀ های اجتماعیه و یا میادین بازی و تفریحات فکری و بدنی و بالاخره
 در احتفالات امریه و کنفرانسها و انجمنهای شور و مدارس تابستانه و یا محافل مقدسه
 روحانیه چهره گشاید این امر اساسی یعنی احراز از تعصبات جنسیه باید مقدم بر کل منافع
 سیاست و خط مشی هیأت‌های قرار گیرد که اقداماتشان بعنوان نواب و وکلای جامعه
 و مدیران گردانندگان امور سر مشق عموم و محرک و موجد تسهیلات برای تنفیذ چنین اصل
 نسبت بحیات و فعالیت افرادی میباشد که هیأت مذکور نمایندگان و محافظان رفیع
 آنان شمرده میشوند. در این مقام بحال اقدس اسی حل فکره الاصلی میفرماید: امی اهل سنس است

از ساینست آئینه نازل گشته علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی اعم بوده از اختلافات جنسیه
چشم بردارید و کل را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمایند (۱) «بمچنین» مقصودی جز
ارتفاع کلمه آنه و اصلاح عالم و نبات اعم نبوده و نیست... «جمع ظل باید در ظل امر و
و شریعت واحد آیند و جمع ناس چون برادر مهر پرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین بناد
تشریح شود و اختلافات و نزاعات جنسیه و مذهبيه کل محو و زایل گردد (۱) «بمچنین» ارفم
المر حضرت عبدالهبار این بیان رفیع صادر «جمال مبارک میفرماید اجناس و الوان مختلفه
موجب جلوه و جلال و هم آهنگی عالم امکان است کل باید در این بوستان عظیم انسانی
چون گلهای نگارنگ بنایت الفت و اتحاد پرورش یابد و فارغ از هر گونه نفرت و اختلاف
با یکدیگر ساز و مآلوف گردند (۱) «و نیز میفرماید» حضرت بهار الله سلگامی مردم سیاه را بزرگ
سیاه چشم که حول آن اسفیدی عاطفه نموده شبیه فرموده اند در این مکتب سیاه همواره
انعکاسی از صور اشیا که در برابر آن واقع مشاهده گردد و از آن روانوار و تحقیات روح

ظاهر نمایان شود (۱)» و در مقام دیگر مذکور «خداوند اقیانوسی بین سفید و سیاه نمیکند
 اگر قلب پاک و محسنند هر دو نزد حق مقبول اند خداوند نظر بطن یا جنس افراد ندارد جمیع
 الوان نزد حق یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زر و زبریا کل بصورت و مثال
 الهی خلق شده و جمیع آثار مختلف صنع یزدانی هستند ما باید باین حقیقت واقف و باین
 معنی متذکر و متوجه باشیم (۲)» و نیز میفرماید «در ساحت قدس الهی جمیع نفوس یکسانند
 و در ملکوت عدل و انصاف حامی اقیانوس و رحمانی برای احدی مستور نه (۳)» همچنین
 «خداوند این همه دو تقیسات اخلاق نفرووده بلکه این اختلافات و تمایزات مولود افکار
 محمده بشری است چون با مقصد و اراده متعالیه الهیه منابر و مباین و هم صرف خطای
 محض است (۴)» «در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگها رنگ واحد است
 و آن رنگ عبودیت الهی است بود رنگ علمی ندارد و قلب حکم دارد اگر قلب پاک است
 سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر رساند خدا نظر بالوان ننماید نظر بقلب نماید هر کس قلبش پاکتر

هر کس اخلاقش نیکوتر و خیرتر هر کس توجهش بملکوت الهی بیشتر پیشتر الوان عالم وجود هیچ
 حکمی ندارد و نیز میفرماید «طیور و حیوانات مختلف اللون ابداً نظر بر رنگ نمی کنند بلکه
 بنوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد او را که ندارد با وجود این الوان
 سبب اختلاف نمیشود چرا انسان که عاقل است اختلاف می کند ابداً سزاوار نیست
 علی الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آمدند از یک خانواده ... پس اهل یکی است
 این الوان بعد بنسبت آب و اقلیم پیدا شده ابداً اهمیت ندارد» «انسان و اجداد عقل
 و اعیان صاحب بصیرت و عرفان و منظر الطاف و مواهب حضرت یزدان است
 آیا سزاوار است افکار و تعقبات ضعیفه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت نبیند
 من فی الامکان از جلوه و لمعان باز دارد» «یکی از اصول مهمه که در وحدت و توحید است
 نوع انسان مؤثر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی مین جناس سیاه و
 سفید است مابین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره ای موارد اختلاف

و تمایز شهود و محسوس که مستلزم بذل وقت و اتساع و تقصیسات متقابله و تدبیر عادلانه حکما
 است موارد ارتباط و وحدت بسیار است ... در این کشور یعنی ایالات متحده
 امریک حب وطن مستحق بهره و جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه و صتمع^{حد}
 بیک لسان تکلم اند و از مواهب و برکات یک نیت بهره مند بیک دین^{ین} سید
 و بیک اصول معتقد و پامی بند فی الحقیقه موجبات الفت و محبت و اتحاد و اتفاقی
 از جهات کثیر و بین این دو جنس موجود و حال آنکه یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله
 لون است با این وصف آیا جائز است که این اختلاف جزئی علت افتراق گردد
 و این تفاوت مورث اشتقاق و تجزیمی یک ملت و یک خاندان شود (۱) و همچنین
 مؤکد امیفرمایند « این اختلاف صور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافه مکملات
 موجود و محسوس مستثنی بر حکمت الهی و شئیت بالذات سبحانی است (۱) » این تنوع در جمیع
 انسانی باید موجب محبت و یگانگی و مایه اتفاق و یکگرایی گردد و بشایه موسیقی که چون

امکان مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن^۱ موزون شود نعمه بدیع فراهم آید و
 دلپذیر آید آن استند و مخطوط نماید^۱ و نیرو و ستان اباین بیان اصلی نصیحت^۱ منفر
 قوله الغریزه اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نماید نسبت بآنان عدم اعتما
 نشان میدهد و بتمامه خود مشغول گردید و با فکر و ادکار خود سپردارید بلکه بالعکس اظهار سر
 کنید و ابرار رضایت و عطف نماید^۱ در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت است
 و وداست که افراد سفید و سیاه بانهایت الفت و دادیننی با روح الهی و وحدت
 آسمانی با یکدیگر محسوس گردند و باعث علاقه سرشار و محبت و مودت بشمار امتزاج یابند و در
 حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه عتین لسان تجسین گشایند و جمال اقدس ای
 از ملکوت اعلی آن جمع متآلف اباین خطاب اصلی مفتخر و متباهی فرماید طوبی لکم تم
 طوبی لکم و چون محفل مرکب از افراد این دین و نفس انعقاد یابد آن محفل جالب تائید
 ملا اعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود^۱ و باز هر دو طبقه بنیسی^۱

(۱) ترجمه

و سفید را باین بیانات عالیات نصیحت میفرماید قوله الکریم «نهایت اتهام مبذول است
 و بجان دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت حکیم پذیرد این بهت
 رخ نشاید و این موفقیت حاصل گردد و مگر باید دل بهت و اعمال حسن نیت از هر دو طرف
 از یکطرف اظهار قدردانی و اطمینان از طرف دیگر ابراز مهربانی و تثبیت وحدت برابر
 فی الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر را در بسط و توسعه این منظور متقابل تقویت
 و مساعدت نماید... و چون چنین شود الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالنتیجه
 موجبات تحقق وحدت عالم انسان فراهم گردد و زیر حصول اتحاد بین سفید و سیاه تضمینی
 برای استقرار صلح جهان و شید مبانی یگانگی در عالم امکان است (۱)» و نیز خطاب
 با فرد سفید میفرماید «امید دارم که شما سبب شوید که این جنس دلیل
 عزیز شود و با سفید به نهایت صدق و وفا و محبت و صفا خدمت نماید
 این ضدیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در میان سیاه

و سفید است خُز بامیان و ایتان و تعلیم مبارک زائل
 نکرود. و بالاخره بموجب این بیان تمام اقوام توجه اهل عالم را بمقام و اهمیت این امر خطیر معطوف
 میدارد قوله العزیز "این قصیده اتحاد سیاه و سفید بیستم
 است و اگر حصول نیاید عتق رب مشکلات عظیمه حاصل گردد."
 و نیز فرماید "اگر کار بر این منوال بماند روز بروز این عداوت
 از دایا دیابد و عاقبت مورث مضرات کلیه شود و سبب خونریزی گردد."
 اگر بخواهید در این عصر تاریک اعمال و رفتار و گفتار و احساسات شما از روح امر و تعلیم
 جمال اقدس الهی حکایت نماید باید هر دو دسته یعنی سیاه و سفید متحد و متفقاً سعی و همت
 فراوان بذول دارید و این فکر خطا و اندیشه ناصواب یعنی تفوق و برتری جنسی را بشنود
 و مناسه خمیه آن یکبارہ برکنار کنید و آمیزش و امتزاج و تحمیب و تالیف اجناس انسانی
 کنید و ترغیب نمائید هر پرده و حجابی که این فرقه را از یکدیگر دور و متباعد نماید مرتفع سازید

و برعه و سیه را که مانع ایستاد و اتحادهای آنان گردد از پیش پا بر اندازید شب و روز آرام نگیرید و در
 شب نیاساید تا مسئولیت عظیم و تکلیف شدید خویش ادا قبال این وظیفه مشترک و خطیر که باشد
 صولت و هیبت متوجه یاران الهی است انجام دهید و در این سبیل جهد شکور و همت موفور مجری
 دارید افراد دوستان که در حل این مسأله مفصل و حیاتی شریک و هم اند باید اندازات حضرت
 عبد البهار روح الوجوه المظلومین الفدائرا نصب العین خویش قرار دهند و تا فرصت باقی است
 اقدام سریع معمول دارند و اثرات موله و خیمه ای را که در صورت عدم تعدیل اوضاع و اصلاح
 احوال و منکیر کافه ملت امریکت خواهد گردید در نظر محکم سازند.

فصلت
 افراد سفید باید با غم و جزم و تصمیم خلل ناپذیر در رفع این مشکل عظیم بکمال جهد و اهتمام اقدام حسن
 و درحمان آنکه در وجود آنان نغمه گردیده و یاد در مواردی عالی از توجه و التفات ابراز میشود بآلله ترک میانه
 و این تصور و احساس را که نسبت با افراد سیاه سمت سرپرستی و قیادت داشته و باین لحاظ باید
 آنان را تحت جناح و قیومت خویش قرار دهند اصلاح کنند و در اثر مصاحبت صمیمانه و فارغ از هر
 گونه شائبه تکلف و تسنن آنان را بخلوص نیت و محبت و مهربانیت حقیقیه خویش متعقد و متقاعد سازند

و چنانچه از طرف مردمی که در مدتی بس طولانی وسیع قلوبشان بر یکدیگر گشته و مهمی موشری بر خرم
 آنان نناده شده جلب و جذب کمتری مشهود گردد و بی صبری ننایند و دامن علم و اصطبار را
 دست نمهند سیاهان نیز باید بنوبه خویش قدم فرارزنند و جمیع طرق و سائلی که در اختیار آنان
 موجود عشق و علاقه خویش را در قبال ارباب جدید و منصفه ظهور رسانند و علائق ثابت کنند که حاضرند
 گذشته را فراموش و هر سو وطن و اغیار خاطر را که هنوز احیاناً در زوایای قلوب مستور و
 مکنون محو و زایل نمایند ضمناً بچیک از طرفین نباید تصور کنند که حل چنین معضل خطیر مختصراً مربوط
 با اقدام و از حد و تکالیف دسته مقابل بوده و یا آنکه وصول باین منظور امری سهل و سریع بحصول
 است همچنین نباید این فکر بر خاطرشان خطور نماید که برای اصلاح این منقصت باید منتظر زمان
 و ترمیم فرصت باشند تا بدو در عالم خارج و بوسیله عوامی ماوراء دایره امران و تعالیم دین
 قدم مساعدی برداشته شود و اوضاع و احوال موافقی رخ گشاید انگاه با انجام این مهم بسیار
 نمایند و همان قرار نباید تخیل کنند که هیچ امری جز محبت خالص و صبر و شکیبائی تمام و خضوع و تسبیح
 حقیقی و اتحاد تمهیدات با نفع و توسل بذیل حکمت و مسانت و بذل همهت و استقامت توکم

با اوعیه و مناجات بساحت قدس حضرت قاضی الحاجات میخواند این نقیصه مهم و عیب
 آشکار که نام نیک وطن و کشور و لو شان را که دار نموده مثنی سازد بلکه باید بجان و دل باین حقیقت
 نمون و عن کردند که صرفاً حسن تفاهیم متقابل و ابرار محبت و معاضدت مستمر و مداوم آنان است
 که میش از هر قوه و اجتماعی خارج از نطق امر آنه میخواند جریان مخاطره آمیزی را که حضرت عبد
 پیوسته نهایت اضطراب و نگرانی خاطر نسبت بآن اظهار میفرمودند منحرف سازد و امالی را که
 وجود آتش برای بهکاری و اشتراک مساعی آنان در راه تحقق مقدرات در شان آن سرزمین
 دل و جان می پردازند بجز ظهور و ثبوت سازند.

یاران عزیز و محبوب صحت و صداقت و راستی حقیقت که در جمیع شئون و منظر حوز
 با خدعه و فساد معرفت حیات سیاسی ملت و احزاب و شعوب مرکبه آن مباین و معارض و متضاد
 و تقیید که با زلزله اصول اخلاقی و عدم توجیه بیادری و دغایی که در انگیزه قسمت عظیمی از افراد
 کشور گردیده و شدیداً مخالف و منافی با لایحه الفت و اتحاد بین اجناس متنوعه که از لوث
 تعصبات جنسیه نشانه باز اکثریت فاحش تو ذی ناس بالمره مقدس و مبری است جمیع

سلاح قاطعی است که یدان امریکت باید در جهاد مضاعف خویش یعنی در مقام اول تجدید
 حیات داخلی جامعه و دشمنی مقاومت و مبارزه با شرور و مفاسد دیرینه که در عروق سیرا
 بیات اجتماعی نفوذ نموده است بکار بندد تا سلاهای کور و آل ستیال مؤثر و حکمت آمیز هر یک
 از آنها بنفله نفسیه پیش از پیشرفت و تقدم هر نقشه خاص و یا اتخاذ هر طرح مشخص و یا تجمیع و تجمیع
 هر مقدار از منابع مادی می تواند جامعه ایران را برای موقعی آماده و مهیا سازد که به تقدیر آمان ادا
 مساعدت نسبت با استقرار و تنفیذ نظم بدیع جهانی که بهم اکنون صدف نظم اداری امرانه محزون
 و کمون است است و رهبری خواهد نمود.

در ادامه این جهاد مضاعف مبارزین سلحشوری که در بیل نام و امر مقدس حضرت بهاء
 قدم در میدان خدمت نهاده اند با موانع شدید مواجه و با مشکلات و محظورات کثیره که سدا
 و عاجز طریقی است مقابل خواهند گشت این مقام است که نحوه استقبال استعداد افراد
 جامعه و جلوگیری قیام و اقامه اشان باید مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد و منع و تعرض عوامل محظ
 همچنین مخالفت اصحاب ذی نفع با تصمیم قاطع مقاومت شود و اعتراضات نسل حاضر که

بهشتیات نفسانیه مألوف و در گرداب ذائل غوطه در دست فرقه کلامی منہزم و مغلوب گرد
 بی چون اقدامات یاران برای دفاع و مبارزه ای که پیش است مشکل گردد و دامنہ این
 و اتساع حاصل نماید طوفانهای شدید طعن و لعن در حرکت آید و اعلام مغیره و بدسیر علیہ امان
 مرتفع شود و روزی در خواهند یافت که حرم مقدس دین الله مورد هجوم و هجوم اعدا واقع
 مقاصدشان تبسیر و ابداف و آثارشان تذبذب افکار و آثارشان تحقیر و مشروعات
 و مناسباتشان تحکیم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیارشان تزییف خواهد
 گردید و در پایان پاره ای عناصر که یازدول حقیقت گرانہائی که در دست دارند ذائل و یا
 از تحلل ضربات و لطات متکاثره ای که چنین مبارزه شدید قطعاً در بر خواهد داشت عاجز و قاصر
 شایده میشود حصن حصین امر الله را ترک خواهند نمود و این دشمن را به من نجس از لطف خواهند
 داد و این مقام مولای عظیم و کریم با اخبار از وقایع بدشہ آتیہ میفرماید قوله الفریر بسبب عبدالبہاء
 بسیار امتحان خواهید یافت و رحمت و رنج خواهید دید.

حال خود مجتهد حضرت سید الشهدا که در عالم غربت یکی از مرکر پر عظمت و صحنه های پر منقبت
 و محاسن بنحاطر نام و امر مقدس حضرتش یکی از شدیدترین و پرافتخارترین مجاهدات مانده
 نباید از هیچ مخالفتی بایوس شوند و از هیچ مقاومت و مانعی افسرده و محمود گردند هرگز از مقتریات
 مقترین و معاندت معادین که لسان تنقید گشوده و آرب سایه یاران و ادراکات کو چاک و حشر
 قلمه او نمایانند از رده نشوند و از هیچ قویم و صراط مستقیم منحرف نگردند از تهیدات مستصین و سبوت
 و دسائس مغفلین که از هر حربه جامعه مظلوم را احاطه نموده و هراسند و مضار خدمت او را از دزد چور
 جبل اسخ باشند و بشابه طوق باوخ اعراض و مخالفت بنده آه لذاته منادی این الهی است
 و استقامت و محاصرت محمد و مؤید شریعت حامی عدم شهرت و مقبولیت امتیاز و اعتبار امر الهی
 و نصرت و غلبه تعالیم ربانی را بر افکار و احساسات بشری محسوس و لا تحتصر جلوه دهد و نفس دفع
 و منع چون قوه جاذبه الاعداء را منقلب و منجذب نماید و در دایره امر الله دارد و ساز و دان ^{تقصا}
 مؤید لئلا الامر و البلاء معین لئلا الظهور هم اکنون در سر زینتی که صحنه محاربات شده و این ^{تم}
 و مرکز تجمع دشمنان حریص بر کین شریعه الله بوده جریان حوادث و نفوذ دیرجی و ستم تعالیم الهی

و تحقق و عود و بشارت یزدانی موجب آن شد که نه تنها جمعی از اشد خصما را خلع سلاح نمود
 و از مراتب نقص و عداوت آنان کاسته است بلکه پاره ای از عناصر مذکوره را در حلقه امنین با
 دارد و با عقایق حقیقت فائضه سبحانی و اال در ظل کلمه رحمانی مشغول و متباهی گردانیده است
 بهی است چنین تحول شدید و تغییر و انقلاب عظیم هنگامی ممکن است متحقق گردد که عوامی که
 دست قدرت یزدانی آنان را برای ابلاغ پیام خویش بگریزان و بیچارگان و بیستهای
 که فاقه سرپرست و فائده مهربانند مبعوث فرموده بنفسم از لوث نواقصی که خود در مقام اصلاح
 و تعدیل آنند نمره و مبری باشند.

با توجه به مراتب مذکوره یاران الهی اکبرین سفینه حمراء و مستطین شریعت سحاب و قاره امیر
 ابدال اشتیاق مخاطب ساخته اهیت و عظمت و طیفه مقدسی را که عهده دارند مالیت و
 مینامید و امکانات بسیار را که چنین و طیفه تعالی نسبت با تعاریفات و فعالیت افراد جامعه
 بهائی در برداشته بلکه اعتقاد اصول و موازین حاکی بر روابط موجوده بین انبیا آن سرزمین را
 نیز بخوانم و اکل تفهیم می نماید که اگر سیر و مطمئن و متعینیم که آن جامعه عزیز بدون آنکه از اهیت

شدت این تکلیف شدید مرعوب از قنات و تطورات زمان خائف و هراسان گردند
 بخوابسته قیام و باشد اندام مقابله خواهند نمود ایامی که مشحون از مخاطره و مفاسد قویه
 در عین حال آستان آتیه بس درخشان عظیم است آتیه ای که هیچیک از اعصار ماضیه تاریخ با
 فست شأن و علو مقام جلوه جلال آن قابت و همسری نتوانست نمود.

دوستان عزیز در آغاز این اوراق شمه ای از فرصتهای بدیع و جلیل همچنین مستوفی
 عظیم خطیری که در اشکالات و تضییقات وارده نسبت با مرتقدس حضرت بهاء الله در چنین
 حساس از دوره تلویح امر بهائی و بهنگام دقیق و پر تلاطم از تاریخ حیات بشری و مقابل جاب
 بهائی امریکت قرار گرفته بمین بقدر مقدر و نحوه رسالت و مأموریتی که بحکم اوضاع و احوال با
 در فاصله بالنسبه قلیل اتخاذ و مبرور عمل و ابراز داشته شود تشریح و توجیه آن خدا ام ملکوت باشد که
 در نظر این عبد برای معرفت و تحقیق کامل و طایفی که در پیش دارند لازم و ضروری شمرده میشد معطوف
 گردید و باز تا آن درجه و میزان که در قوه این بنده آستان بود خصائل و ملکات فاضله و سوان
 و اوصاف شاخصه ای که تدارک آن صعب و لی از لوازم اساسیه موفقیت یاران و انجام

وظائف مذکوره است تذکره داده شد اینک باید کلمه ای را بجامع نحوه اجرا و مشیت و طیفه فوری
و مهمی که در دست اقدام است بیان گردد و طیفه ای که نه تنها ظهور مراحل بعدی فرمانی
حضرت عبداللها با مقام موفقیت آمیز آن میقات مقرر سوکول و مربوط بلکه شمول یا
و حصول قدرت و موهبتی که انصار شریعت الله را در زمان آخر بایضا رسالت عظم و انجام
ماوریت اکرم انجم منزله از سایر مشیت مالک قدم معهود و مباحی خواهد ساخت از نتایج و مآثر
تشریه بر آن شمار می آید.

نقشه هفت ساله متضمن و اصل مهم یعنی انجام زیرینات مشرق الاذکار و بسط و توسعه
فعالیت تبلیغی در دو قاره امریکای شمالی و جنوبی اکنون مدارج ثانویه یعنی دومین سال فعالیت
خوش اطمینان می آید و در انظار نفوس که پیشرفت و تقدم آن ادر شهر اخیر ملاحظه نموده اند
و علامت موفقیت که مایه تسیر و قلوب قزیه مراتب اطمینان نسبت به تحقق کلیه اهداف
نقشه در تاریخ مقرر است از هر چه متعلی و مشهود است اقدامات و تمهیدات لازم منطوره
و تقویت امور مربوط به تکمیل زیرینات خارجی آن معبد سرمدی آثار قسمت اعظم آن مقابله با

اتحاد و مرحد اخیر که بشر تمام مظفرانه این مشروع سیال است و اردمیدان عمل گردیده قرارداد اولیه
 راجع بطبقه اول و اصلی این بنای تاریخی بمضار رسیده و صندوق مخصوص بنام خانم محبوب اهل بهار
 درقه مبارکه علیا تاسیس بدین ترتیب اوانه انقطاع نماید بر این امر خطیر تا آخرین نقطه اتمام
 و تأمین بذریقه است یقین است خاطرات شور و هیجان ذات مقدسی که قلبش از لحاظ ارتفاع این
 جلیل و معبد عظیم مالا مال فرح و شادمانی مشاهد میگشت ساعی نهانی را که برای تشییدن
 بنیان رفیع مابعد وجه و احسن طراز لازم و ضروری است تقویت و تائید خواهد نمود و بخوی که
 خاطر احدی نسبت بقدرت و موفقیت بنیان این صرح مشید و تکمیل و تنفیذ این وظیفه
 بخوا علی داجل کمترین شائبه ظن دروید باقی نخواهد ماند.

حال موقع آنست که جنبه تبلیغی نقشه را در نظر گرفت و درباره آن تمعن و تفرس نمود و حدود
 نفوذش مطالعه کرد و لوازم و حوائش امور و وقت قرارداد و خود را برای ابراء شرایط و حوائج
 آن آماده و مهیا ساخت و این مقام لازم است شرق الاذکار اولین معبد بهائی در عالم
 غرب که جلال و عظمتش غالب انظار ابعادش قویم و جسم و هندسه اش بدیع و اصیل و امال

و ابدانی که آن مشروع فحیم معرفتین آن است بس عزیز و شریف جبهه ابلاغ دین آن
 و انتشار کلمه آنه بخود و سیر و موثرتری تلقی گردد و از این بکار بمنبر لایکی از تأسیسات اداری
 امر آنه که ناشر حقایق رفیع و مروج اصول و مبادی متعالیه این آئین اقدس اعظم محسوب
 شده شود.

بار این امریک باید من بعد افکار خویش را بکمال محبت و مراقبت در انجام نموده
 تبیین آتش منبت له محصور نمایند و اعضاء و ابراء جامعه کثرت و واحده در اجراء این مقصد
 اصلی قیام کنند تبلیغ امر آنه و نشر نفحات آنه و ابلاغ حقایق و حائیه و دفاع از مصالح
 امریه و اثبات علویت و حقانیت کلمه جامعه رحمانیه با قوال و اعمال بچنین اثبات
 لزومیت محضه و قدرت و قوت کامله و عمومیت و جامعیت تمامه قاطعه شریعه آنه نباید
 در هیچ برهه ای از زمان و طبقه خاص و امتیاز مخصوص و منحصراً مؤسسات اداری امر آنه
 اعم از محافل و حائیه و یا مجله های مخصوصه تلقی گردد بلکه باید بسیع در این وظیفه عظیمه
 شرکت نمایند هر چند اصل و نسبشان حقیر و تجارتشان محدود و بضاعتشان فرجاء

و معلوم است که سیر و مشاغل و غواصان فوری و کثیر و محیط زیست و آفاتشان نامساوی
و غیر مطلوب باشد حضرت بهار الله بنفسه المقدسه عن الکائنات اجمع باين امر عیال بینی
تسلخ امراته و احلا بکلمه الله بنحو اکیه میفرماید قوله جل کبریا «قد کتب الله لكل نفس تسلیخ
امرء یحیی» یا ملا الهاء یفغوا امراته لان الله کتب لكل نفس تسلیخ امرء و جمده
افضل الاعمال...

چنانچه در صف مؤمنین و پیروان امراته فردی و اجد درجات و مراتب مخصوصه
و یا حارثسون مقامات مشخصه باشد نفس این مقام و موقعیت بلا تردید مسوولیتی متوجه فرد
مذکور میازد که نمی تواند حقانیت بانجام فریضه روحانیه خویش یعنی قیام بامر مبرم تسلیخ
و شرفیات بانیه کوتاهی نماید بلکه امر از اینگونه مراتب و موقعیتها در بسیاری از موارد
فصحت بیشتر تسهیلات و موجبات و سعیری جهت صاحبان آن فراهم میازد که به
و استقامت تمام باطلاع کلمه الهیه و جلب انظار عظمت و اهمیت تأسیسات امریه پردازند
مع الوصف و جود این عوامل بهیچوجه من الوجوه تسلیم حال قوه ای شدیدی و نفوذی و قوت بر

انکار و قلوب مردمی که امر آنه بآنان ابلاغ میشود نبوده و نخواهد بود چه بسا مشاهده شده
 و شواهد بسیار علی و نمایان در صفحات تاریخ این شرح اعظم موجود که در صدر امر در سر زنی که
 نسبت سده مبارکه و مصدر مطلع این نور آتم اکرم بوده نفوسی از اصحاب اولیه که بظان
 در نهایت فقر و مسکنت مشهور و مدرسه ندیده تجربه نیاند و حقه و صاحب هیچگونه اقیانوس
 مخصوص نبوده بلکه در بعضی موارد فاقه هوش استعدا و سرشار و عاری از تنوع و فطانت متنا
 شمرده میشدند در میدان خدمت بفتوحات عظیمه ای نائل گردیده که موصفتها ای عقل و فضل
 عناصر جامعه در مقابل جلوه و ضیاء آن بی نور و فروغ مشاهده میشده است.

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرسمه الاظهر فدا میفرماید: «بطرس نیز
 بحسب تاریخ کلیسا حساب هفته را نمیتوانست نگاه دارد و قتی میخواست
 بصید ماهی برود و هفت بسته غذای بست هر روز یکی را میخورد
 چون آن هفتین را میخورد میدانست روز سبت است آنوقت
 میآمد سبت را نگاه میداشت: حال چنانچه پسران

میوانست نفسی بظاهر ساده و ناتوان انبغات روح القدس چنان بآید نماید و قدر
 و توانائی بخشد که از لسان مبین «جری من فیه اسرار الحکمة و البیان» منقحر گردد
 و شأن مرتبتی را اعلی و اجل از سایر حواریون مقرر و او را شایسته اعزاز مقام
 رفیع وصایت و توسل کنیه مسیحیت مشخص نماید معلوم است چه آسمانی یعنی وجود مقدس
 حضرت یسایا علیه السلام چگونه ممکن است اضعف ناس و در بینندگان خود برای تنفید مقصد
 خویش مسبوث با امور عظیمه ای موفق فرماید که اعلی و اشرف توفیقات سابقین حتی
 خدات اولی قدم حواری حضرت روح در مقابل آن کوچک و حقیر شمرده شود.

در مقام دیگر این بیانات عالیات الکلمات طهر مرکز عهد میثاق الهی صادر قوله العزیز
 «حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید لو ارادت نملک ان تفسر القرآن من فکر بطنه
 و باطن بطنه لتقدر لان السر الصمدانیة قد یملج فی حقیقة الکائنات چون مضعف را
 چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که در ظل فیوضات جمال قدم روحی لاجتلاء^{الفداء}

چه عون و عنایت حاصل گردد و چه نایب و الهام متوکل شود.

فی الحقیقه میدان خدمت چنان وسیع و ایام بدرجه ای خفیه و امر آنه شانی عظیم
و خدام آستان بایه قلی در دست بحدی کوتاه و قصیر و افتخارات بیزانی جلیل و پر بها
است که احدی از پیروان امر حضرت بهار آنه که خود را قابل انتساب بآستان بقدر
آلهی شایسته ای نماند و تردید بخود راه ندهد و دقیقه ای انجام وظایف و حایه خوش
توقف نماید قوه قدسیه الهیه که سلطت و عظمتش همین بکل قدرت و اقتدارش باور دارد
و احصاء عباد و تصرفات عجیبه اش خارج از حیطه تصور و ادراک و تقدم و تخرک شسته
از بایدهات غیبیه الهیه و آثار و مظاهرش حیرت بخش عقول و افهام بشریه قوه ای که
حضرت اصلی روح الوجود لرشات و مه الاطهر فداء و آثار مقدسه به بیان «قد تمجید فی
حقیقه الکائنات» توصیف جمال اقدس الهی جل ذکره الاغراب الاصلی آن حقیقت فاع
عظیمه ای که نظم عالم و نظام امم را مضطرب و منقلب ساخته تجلیل و تکریم فرموده است
بقوله الکریم «قد مضطرب النظم من بن النظم الا عظم و اختلف الترتیب بنو البیدع الذی

شاهدت عین الابداع شبهه چنین قوه قاهره ازلیه که در مهویت این امر عظیم و بطونین
 دین بین مکنون و مخزون بمنزله سیف و دم از یک جهت در مقابل دیدگان بشر و بطن صیقل
 ضوابط بالیه منسوخه را که طی قرون اعصار تار و پود جامعه تمدن عالم را بهم پیوسته تسلاشی
 ساخته و از جهت دیگر قیود و علائقی را که هنوز موجود و امر نوزاد الهی را از تقدم و حرکت سریع بازدا
 است منقطع میازد امر مقدسی که تا زمان حاضر از ادیان و شریع ماضیه انفصال نیافته و سیمت
 و استقلال تام حاصل ننموده است حال یاران امریک باید قیام عاشقانه نمایند و از رخصت
 بدیده بیه که چشم ابداع شبهه مثل آنرا مشاهده ننموده و قوه خلاقه الهیه از خیر غیب بعرضه شهود
 آورده است کمال تمت و ثبات قدم استفاده نمایند حضرت عبدالبهادر روح الوجود المرسل^{فدا}
 میفرماید «الیوم حقائق مقدسه ملا علی دجست علیا از روی رجوع باین عالم نمایانده مرق
 بخدشی بآن حال ابی گردید و عبودیت عقبه مقدسه قیام کنند» .

اکنون در مقابل دیدگان شبر عالمی مشاهد میشود که بعلت اطفا انوار دایانیت یارک
 و در چنگال قوای مدیشه تعصبات مغرطه وطنیه گرفتار و در زیر ان مظالم صغیه و ذمیه سوزا^ن

و که از آن در تیره افکار و آراء مضلّه و نظرات عقائد باطله سخیفه که جامی گزین پرستش خدا و
 یگانه و تقدیس و تکریم سنن و احکام مقدسه رحمانیه گردیده حیران و سرگردان و در گرداب علا
 مادی که یونانی و کسرس و نفوذ مستغرق مالان و در بیدار مغاسد اخلاقیه و زلزله مبادی
 روحانیه که دایره آن و به بسط و اتّاع است بی منجاد امان و رسیدن بنازعات و کشمکشهای
 اقتصادی امان و خیزان این اوضاع و احوال مولود انقلاب و تحول عظیمی است که در عالم
 وجود موجود گشته و خود از مقتضیات طلوع نظم اعظم الهی و ظهور قوه دافعه صمدانی است که
 با آنکه هنوز در مراحل اولیه نشود ارتقا و خویش ساکت حیات من فی الامکان استقلب و
 انظمه سیمیه باطله را مضطرب و لرزون ساخته است.

چنین منظره خیز و تاثیر آنرا که بر مظاهر غافل و بی اطلاع از آرب حقیقیه و عود و بشارت
 بهیه شارع مقدس این شرع ابداع فحیم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود و تنها در افق
 محبان و پیروان امر اقدسش علت حدوث خوف و هراس نخواهد گردید و مساعی آنان را
 و تهدید نخواهد نمود بلکه موجب ید اشتعال و انجذاب و علت تقویت ایمان اعیان مستظلمین

فل لوی حضرت حمان خواهد گردید که با شوق و انبساط بی پایان میدان و سیمی که کلک
 مقدس که عهد و پیمان برای آنان ترسیم فرموده داخل شوند و بقدر قدرت استطاعت
 در استخلاص عالم انسان بنحوی که حضرت بهاء الله معلم و مربی عالم امکان مقرر فرموده بذل
 کوشش و اهتمام نمایند جمیع شئون و مراتب دستگاه اداری که طی نین متبادی با رحمت و مرا
 فزادان جهد و استقامت نمایان تأسیس گردیده کل باید بحرکت آید و در خدمت مرف و مقصد
 که برای تحقق آن بوجود آمده بکار افتد مشرق لاد کار آن بنیان رفیع الشان نیز که منظر علی
 درخشنده روح خلوص و محبت و جانفشانی و مجاهدت یاران استان خادمان امر حضرت
 رحمن است باید سهم خود را در تنفیذ و اجرا نهضت تسلیمی که بعون و غایت الهی نمیکند عربی
 تمامه در بر خواهد گرفت و انماید.

و نیز باید فرصتهای گرانبهای که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران
 الهی میگذازد مع جمیع احزان و آلام و شدائد و استقام و خوف و دهرشت و از بار و نفرت
 و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش و راه آزادی و خلاص مورد استفاده واقع گردد

و بهمان قرار در سبیل اعلام و اشاعه قوه نایجه امر حضرت بهر آنکه در جمیع اقطار و استطرال مقبلین
 جدید در ظل شریعه الهیه و دخولشان در صفوف اُمم الاتّسع امر آنکه بکار اقامه فی الحقیقه برای
 اطلاع کلمه الهی و نشر نعمات سبحانی چنین فرصت جلیل و موقع مساعد و فحیم هرگز رخ نخواهد شد
 زمان زمان قیام است و یوم یوم کفاح و اقدام باریان امریکت علمداران جبهه هدی و فائز
 جیش عزم حضرت کبریا باید بوسائل و وساطتی که نظم اداری امر آنکه برای آمان فراهم
 ساخته استعداد و شایستگی خویش را در نجات نسل رنجیده خسته افتاده کنونی که علم
 خلاف علیه قدرت پروردگار برافراشته و نصایح و اندازات ناصح امین را بدیده یا خیر مگر
 بمنصفه ظهور رسانند و اذیت و زحمت و سعادت و آسایشی را که صرفاً در ظلّ طلیل امر آنکه تحسین
 در حصن حصین کلمه الهیه حاصل خواهد گردید در اختیار آنان بگذارند خفکاران را از کابوس تسلیم
 دهند و شکار از سایه تعالیم بدیهه که از سما و هویه در مطلق و نزول است سیراب نمایند.
 عیند انصفت تبیینی که در سر اسر ایالات جمهوری امریکای شمالی و کشور کانادا آغاز
 و قدم در مرحله عمل و اقدام نهاده است و دست و عظمت خواهد یافت و اهمیت و طاقیت

حاصل خواهد نمود بخوی که فوق آن قابل تصویریه این نهفت مقدس که در ارتقای خلافت
از اراده متعالیه مرکز عهد اقوم اتقن قدم بعرضه وجود نهاده و بیکره خبری را به نیروی محرکه خوش
فرا گرفته است باید طبق پاره ای اصول و قوانین و شئون و موازینی اداره گردد که تنفیذ کامل و
اهدافش را تأمین و نیل بآب مقاصدش را بخواهم و احسن تسریع نماید.

نفوسی که برای تثبیت چنین نهفت قویم و تحقق این مقصد فحیم قیام نموده اند خواه
در عداد مؤسسان و یا ارکان و اعضائی که ابراء این امر خیر بعد از آنان محمول گردید
کل باید در قدم اول منظور موفقیت در انجام وظیفه مرجعه خود را بجهات مختلفه تاریخ و مبادی
این شرح کریم و نبأ عظیم آشناسازند و برای حصول این مقصود و توفیق در این مرام آثار امریه را
مطالعه و تعالیم رحمانیه و اصول و احکام مقدسه را تحقیق و دقیق نمایند و نصایح و اندکات
و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت اعدیه را تأمل و تدبر کنند و بعضی از بیانات و
ادعیه الهیه را در خاطر سپارند و نظامات اداری را کاملاً فرا گیرند و خود را با نظورات و سخولا
و شیر قتها و حوادث جاریه امرائیه مانوس و مألوف سازند و نیز باید سعی نمایند که از منابع موثقی

و محل اعتماد که عاری از اغراض خصوصیه و آراء و مآرب شخصیه دین شده باشد عرفان کامل و قس
نسبت به اساس و تاریخ و بیانت اسلام مصدر و مطلع این امر ابداع اعظم حاصل نمایند و بار
فارغ از افکار و توهمات قبلیه قرآن کریم را که گذشته از آثار مقدسه حضرت باب ختمیه
یکانه کتاب آسمانی و مصحف بانی و مخزن کلمات الهی است که از هر گونه تصرف و تبدل
مصرف محفوظ مانده و مورد ثقه و اعتماد کامل میباشد با رعایت احترام و تکریم مورد شخص تحقیق و
دیده بچنین درئون و احوالی که مستقیماً باصل و پیدایش آئین مقدس جهانی مربوط است
امعان نظر کنند و مقامی که از طرف بشر اعظم این امر منعی اقدس و عوی شده بچنین ادا
و نفوسی که از قلم ملهم منظر مقدس جهانی و شارع شریعت جهانی در این و در اغیزدانی هر زود
باقه کل ابدال صحت و اتقان بناسند و معرفت و ایتقان کامل پی برند.

حال چون این شرایط و مقتضیات مبانی و ارکان آن تمهید گردید و لوازم و موجبات
سبقت و تقدم در میادین تبلیغ فراهم آمد هر یک گام اقدام و رسالت مخصوصی نسبت به
لاتین و نظر گرفته شد باید بقدر مقدور در آن نه انی که در آن ممالک و بلدان معمول است

و املی بدان تکلم می نمایند معلومات کافی بدست آورند و از سنن و آداب و رسوم عادات
 و سلاکت و مشارب آنان اطلاعات و سوابق لازم تحصیل کنند حضرت عبدالبهادر ^{رحم}
 لسانیات القدار در یکی از الواح مقدسه تبیینی با اشاره به بیوریات امریکای مرکزی میفرماید
 «چنین نقوسی که بآن صفحات میروند باید بلسان اسپانیولی مآلوف باشند» و در لوح دیگر
 مذکور «جمعی زبان دان ... توجه بسبب دسته خراش عظیمه دریای پاسیفیک ... نمایند» و نیز
 «مسلطین که با طراف میروند باید لسان هر مملکتی که داخل میشوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان
 ژاپون با هر مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که در لسان چینی با هر مملکت چین شتاب
 و علی هذا المنوال ...»

این فکر نباید در مخیله هیچیک از شرکت کنندگان نهضت تبیینی بین القارات اثر
 خطور نماید که مبادرت نسبت به هر گونه اقدام و فعالیت اجع باین امر جلیل صرفا بعهده محافل
 و دوائر امریه و بطور کلی مراجع و مقاماتی است که توجه مخصوص آنان به مطوف تمهید طریق
 و تأمین وسائل برای فور باین مدف عظیم از نقشه بدیهه نیست بلکه این تکلیف

شدید و وظیفه خطیر متوجه هر یک از یاران امریکائیان صدیق با وفای فرمان مملو
 حضرت عبداللہ است کہ باید رجالاً و نساء ہر امری را کہ برای پیشرفت استحکام
 نقشہ منظورہ در حدود اصول مبادی اداری امراتہ مقتضی شمارند اقدام نمایند و ہر طریقہ
 را لازم دانند تعقیب کنند و در اجراء آن کمال سعی و اہتمام مبذول دارند در این مقام وجود
 منابع مادی و استعدادات ذاتی و معلومات و تجارب اکتسابی ہر چند بنفسہ محدود و
 ولی فقدان عمیل مذکورہ بحسب ملاحظہ اوضاع و احوال آشفتنہ جان نباید بیچ مہاجر مجاہد
 و عنصر شائق و آمادہ بخدمت از قیام با تسلیع و بشت تعالیم و حمایتہ باز دارد و از تصرف
 قوای لاریبیہ آئینہ کہ مولای عظیم و کریم ما را بدان مطمئن متقین فرمودہ اند محروم سازد قوای غیبیہ
 کہ چون بحرکت آیند مانند معانیس حاذب تائیدات بانیہ و جالب الطاف و توفیقات
 موجودہ صمدانیہ است در این سبیل احدی منتظر دستور نشود و ترصد تشویق مخصوص از طرف
 انسا و منتخب جامعہ خویش نگردد و انیسح مانعی کہ نزدیکان و ہموطنان دی در راہ تحقق
 فراہم سازند نہ راسد و از انتقاد معاندین اعتراض منفذین افسردہ و طول نشود.

پیوسته به نسائم حبت ایبی مهتر و بتائیدات ملکوت ایبی مطمئن و مستطهر باشد جمال قدم جل
 ذکرة الا عظم نفوسی را که قصد قیام باین مقصد فحیم و خدمت قویم یعنی ابلاغ ندای الهی و نشر
 نفعات سبحانی دارند باین بیانات و ریات نصیحت و دلالت میفرماید قوله الا غرلابه
 الاعلی مثل اریاح باش در امر فالتی الاصبح چنانچه مشایده میمانی که اریاح نظریاً متور
 خود بر ضرب و معمور مرد میماند نه از معمور سرور و نه از غراب مخزون نظریاً موریت خود داشته
 و دارد و در مقام دیگر میفرماید و اذا اراد ان يخرج من وطنه لا امر به بحمل زاده التوکل علی
 و لباسه التقوی ادا اشتغل بنا راحبت و زین بطراز الانقطاع شتغل مذکوره ابد.

نفسی که بدلات و جدان مصمم بر اجابت این نداء و اجراء امر اغراض قدس ایبی گردید
 و به القات و دستان دشمنان که دانسته و ندانسته در مقام ایجا و مشکلات و تحقیق
 مقصد امسح اعلی بودند توجه نمود باید با قلبی طافح بحبت الله و لسانی باطنی مذکر الله بحمیع
 وسائل ممکنه مشبث شود و طرق مختلفه را بحال دقت مورد مطالعه قرار دهد تا بحسب فکر
 و حفظ حوائق و تکلیف و تقویت ایمان نفوسی که در خوشان ادخل امر الله طالب اسما و ثناء

را بجامعه اسم اعظم شایق و آرزو مند است توفیق یابد نیز باید عوامل و امکاناتی را که شئون
 و مقتضیات محیط در اختیار وی گذاشته رسیدگی و مرزای آن ابررسی نماید و بعد
 فکر و حکمت و تمسک بحل اتقان استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل
 برای نیل مقصود و هدف مطلوب بکاربرد همچنین لازم است دشمنانی اتحاد نماید که بمنزله
 آن باب معاشرت را با مجالس و مجامع و معارض و محافل مختلفه منقوج و در جلسات لفظی
 و خطابه که موضوعی ملایم و موافق با اصول تعالیم امریه مانند اعتدال در امور و تعدیل اخلاق
 و تأمین رفاه و سعادت اجتماع و تحمل و شکیبائی در مسائل مذهبی و شرادی و تعاون و تعاضد
 اقتصادی همچنین چنانچه مربوط بدیانت اسلام و مقایسه مذاهب و ادیان مورد بحث و تحقیق
 قرار میگیرد مشارکت کند و با انجمنهای علمی و ادبیه و اجتماعی و امور خیریه و شروعاتی از این
 قبیل که در عین محفوظ ماندن شئون مقامات امریه طرق و سائط متنوعه کثیره در برابر دیدگان
 فرد قائم بخدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کند تا بدینوسیله انظار نفوس را بتعالیم الهیه
 مطبوف و آذان را با صفات نفایس و حایه آشنا سازد و با مال آنان ابرود و در خلل شجره نبویه

و حمایت و پشتیبانی از کلمه جامعۀ رحمانیۀ مائل و موفق دارد حال چون چنین معاشرت و مؤاتست
 بدست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته مصباح عالیہ امریہ و اصالت سر
 سماویہ محفوظ و عمومیت جامعیت احکام و مبادی سامیہ ربانیہ اثبات و منافع کثیر حیاتیه
 آن خالی از هر گونه خوف و هراس پشتیبانی و حمایت گردد و هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد
 باید میزان ظرفیت استعداد شخص سامع را در نظر گیرد و با ملاحظہ جوانب و اطراف امر
 که ابلاغ کلمہ الہی و اشاعہ انوار سبحانی بچہ نحو شایستہ و مؤدبی بمقصود است مستقیم یا غیر
 مستقیم تا بدان طریق اہمیت حیاتی پیام برزدانی را بر تہری حقیقت مکشوف با قاعہ دلیل و برهان
 اورا مطمئن و یقین سازد کہ خوشتر از در ظل کلمہ جامعہ ربانیہ وارد و بجمع نفوسی کہ با متساب
 باسم اعظم الہی منتقم و مباحی اند محقق و منضم گرداند در این مقام باید روش و سلوک حضرت عبد
 مکرر حمد و پیمان حافی را در مد نظر داشت و نصیاح مستمر آن وجود اقدس اموارہ نصب بعین
 خویش قرار داد و بفرمودہ مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر محبت و دود مستغرق نمود
 و تعالیم قدسیہ را کہ القادریہ بآں روح متبحر منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار

و رفقا مجسم و طاهر ساخت که شخص شنونده مسحور گردد و بطیب خاطر و انجذاب تام مایل به شوق
 آن شود که خود را در ظل امر عظیمی که چنین مکارم اخلاق تعلیم چنین اصول و مبادی قیمة ترجیح
 نموده وارد و در حلقه سپردان شریعه الهیه داخل سازد و نیز باید باین امر دقیق توجه کامل مبذول
 داشت که در آغاز تزلزل و ابرام نسبت بسببی از سنن و احکام الهیه که احیاناً از ساحت معتقدات
 طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه تحقیق گذاشته دشوار و غیر قابل تحمل باشد خودداری نمود و با
 صبر و تانت تمام و تصمیم و استقامت تمام او را از شدی بیات الهی و مأموره روحانی پرورش داد
 و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و اعانت و دلالت نمود تا بسر منزل بلوغ رسید
 و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت بآنچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام داد
 پس انجصول این مقام و وصول بسر منزل ایمان و ایقان باین شخص بعد الاقبال و اجتماعیت
 یاران معترفی نمود تا در اثر همکاری مستمر و اشتراک مساعی و فعالیتهای امریه آماده و مستعد آن شود
 که سهم خویش را در اعتلا و حیات و ایثار و طائف و تقویت مصباح و تطبیق خدمات جامعیه
 با مجبوبات سایر جوامع بهائی عملاً ادا نماید نفس ابلاغ کلمه و کلمه الهی باید راضی و فانی نشود و

پای نشیند تا آنکه روح شوق و اشتیاق در مولود روحانی خویش بیدار و ارجان مستعد و لا
سازد که نبوت خود قیام نماید و بنفسه در احیاء نفوس و اقشار اصول و بشت تعالیمی که بجان و دل
قبول نموده سبی طبع و جود جمید منصفه ظهور رساند.

نفوسی که در این نهضت وسیع که از طرف یاران امریک مبادرت اقدام گردیده سرریز
و سیمه خصوصاً افرادی که در تنقید امر حیل و حیرت و اقلیم غیر مفتوحه ساحی جامه بایده متذکر باشند
که تماس نزدیک و ستم با شعب و دواوری که مسئول اداره این امر عظیم و تنظیم و تسهیل ^{نیای}
تبیینی جامعه در سراسر قاره اند عازر نهایت اهمیت لزوم است این نفوس زکیه که بجهت
و اطلاع کلمه الهیه مألوف باید پیوسته در ارتباط و آرد و ارسال سائل و مستند المآلها و اجاب
و بشارات امریه و دیگر وسائل ارتباط و اعتبار و رابط خود را با منوستان که بمنظور شرف
امراه و شرفهاست آنه مقرر گردیده خواه بیات منتخب نمایندگان ملی جامعه خواه بجهت ملی
تبلیغ که از ایدای اجتهاد آن بیات محبوب یا سکیلات ثانویه آن یعنی بجهت ملی تبلیغ ماحیه ای
و یا محافل و حانیه محلیه و بجهت ملی تبلیغ مربوطه برقرار نمایند تا بدینوسیله گردش سریع و نظم

و نگاه بسنی نظم اداری مالی از هر گونه ابهام و تعویق صرف مساعی مکرر و اتلاف قوی و مجتهد
 بنهایت دقت تأمین گردد و وسیل عظیم الطاف و مواهب لایمیه حضرت بهاء الله بکمال قدرت
 و عظمت بدون ادنی مانع و رادعی بوسیل این قنات و مجاری اساسیه قلوب و ارواح را مسخر
 نماید و چنان موقی و مؤید سازد که مراتب و مقاماتی را که مکرر از لسان قلم مقدس مکرر عهد و پیمان
 در حق آن خادمان امر حضرت حان پیشین شده بخواتم و اکل مشهود و عیان گردد.

و طیفه روحانی هر یک از اربابان الهی انصار شریعت بانی در این قیام مشترک و مساعی
 و تسبیحی که در تاریخ جامع بهائی امریک بی مثل و نظیر است آن است که امر جلیل تبلیغ را
 که بنحو مکرر بهمه و کافه مؤمنین و مؤنات محول گردیده در سر اسر حیات مطمح نظر و وجه تسمیه
 خویش قرار دهد هر فردی از افراد که حامل پیام روحانی است باید در جمیع حایین خواه در رفقا
 جاریه و تماس و در آنه خویش با سائر نفوس خواه در حضر و خواه در سفر منظور کسب معاش یا
 مآرب آخری خوله در ایام فراغت و صرف اوقات در مواقع تعطیل و یا هنگام نامواریت و انجام
 امری از امور ابلاغ کلمه الله و نشر نفحات الله را فریضه اولیه خویش شمارد و این امر مقدس الله

تکلیف خاص بل اقیار و افتخار عظیم خود محسوب دارد که بذرتعالیم الهیه را در ارضی قلوب نشانی
و مطمئن و متیقن باشد که کلمه رحمانیه بهر نحو قطعی گردد و هر مقدار وسیله ابلاغ ضعیف و غیر مکمل باشد
قدرت محیطه شارع قدیر بخوی که مشیت مبالغه ربانیه تعلق گیرد و حکمت نافذ سبحانیه اقتضا
نماید آن بذراقتانده را بوساطتی که بر خاطر احدی خطور ننماید سرسبز کند و جنبه طبیعه را شجره مبارک
شمره فرماید و گشت و بهمان الهی را رزق جسم و فرس عظیم گرداند اگر فردی افتخار عضویت محضی
از محافل روحانیه را داراست باید همواره مجمل خویش را ترغیب و تشویق نماید و متذکر شود که
قسمتی از اوقات هر طایفه را با توجه و تامل تمام مصروف مطالعه طرق و سائل نماید که منزه
پشیرت نهضت تبلیغی گردد و علت استحکام و توسعه این امر بر مرم شود اگر نفسی در مدرسه
تا بسازه مؤسسه ای که شرکت در آن بلااستثنا برای عموم دوستان جائز نهانیت است
است ضروری است این فرصت گرانبار را بهر نعمتم شمرده اطلاعات و معلومات خویش را نسبت
باصول و مبادی این امر اعظم از طریق خطابات و مطالعات و بحث و تحقیق در مسائل و مسائل
تعمیم و تکمیل نماید تا با قدرت و اطمینان بیشتر و غفران و بصیرت کامل پیرامی را که یدار او را رحمانی

با رعایت فرموده بدین ارباب اطلاع نمایند چنان احتیاجی باشد هر موقع مویجات فراهم
 تماس و ملاقات بین انجوام میسر گردد و حرارت و عشق تسبیح را در قلوب اعدا و در انظار
 نفوس که از دایره امرانه خارج و از موهبت ایمان محرومند مراتب این تعلق خدام
 شریعت الهیه را کشف و وحدت اساسی تأسیسات امریه را روشن و مدلل سازند.

هر فردی از شرکت کنندگان در این جهاد روحانی که اجناس و اعراب و طبقات و مسا
 و جمهوریات نمیکند غربی را بتمامه در بر دارد باید با ملاحظه اهمیت امر و حصول مویجات توجه
 افراد سیاه و هندی و اسکیمو و یهود را با لایحه تعالیم الهیه معطوف و وسائل هدایت و استقلال
 مطلق آنان را در ظل شریعت ربانی فراهم سازد و در حال خاص صریح امری مقبول تر و بیح و متبی
 باستان مقدس و دانی لایق و شایسته تر از آن نیست که در جلب و جذب مل
 و شعوب اجناس و اقوام مذکوره و در و دشان و دایره امرانه سعی مشکور بکند و در این
 رو تعداد مستظلمین در ظل کلمه الهیه تزیاید و بر تنوع اعضا جامعه بهائی امریکت افزوده گردد
 اجتماع بهم پیوستگی این عناصر مختلفه و نخل و قبایل متنوعه و استخراج و آشاشان در ظل وحدت

و آخرت عمومیّه الهیه و انجذاب و اجتذابشان بمبد و قوه محرکه نظم اداری شریعت حانیّه که
 بشیعت قدسیّه صمدانیّه تائیس گردیده و تأویه هر یک سهم خویش ادر تقویت تکمیل حیات
 جامعیهائی فی الحقیقه موفقت عظیمی است که تصور و تدبر آن قلب هر بنده مشتاق را
 قرین مسرت و ابتهاج نماید در این مقام حضرت عبداللہ با روح الوجود لا لطفہ العظیمہ
 میفرماید: «لاحظہ نمائید کہلای حادثی ہر چند مختلف النوع و متفاوت اللون مختلف الصور
 و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت
 یک شمس درش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب از یاد جلوہ و رونق یکدیگر گردد
 اگر حدیقہ ای اگلہا و ریاحین شکوفہ و اثمار و اوراق و اغصان و اشجار از یک نوع
 و یک لون و یک ترکیب و یک ترتیب باشد ہیچوجہ لطافتی و حلاوتی ندارد و لکن چون
 الوان و اوراق و اثمار و لوناگون باشد ہر یکی سبب تنمیں و جلوہ سائر الوان گردد
 و حدیقہ انیعہ شود و در نہایت لطافت و طراوت و حلاوت جلوہ نماید و چنین تفاوت
 و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظل قوہ واحدہ و نفوذ

کلمه و خدایت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود الیوم خرقه
 کلمه آنست که محیط بر حقایق اشیا است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظل
 شجره واحد جمع نتواند، و در مقام دیگر میفرماید "امید دارم که شما با سبب
 شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها بنهایت صدق
 و وفا و محبت و صفا خدمت نماید." و در یکی از الواح مقدسه این بیان علیل
 از کلمات اطرصاد در یکی از اصول محمدیه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثر است
 حصول الفت و یگانگی و ترک تقاطع و یگانگی بین افراد سیاه و سفید است (۱)، و در الواح
 تبیینی مرقوم "امالی صلی امریکا یعنی هندو بهار بسیار اهمیت دهید زیرا این نفوس مانند
 امالی قدیده فریره العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم وحش داشتند چون
 نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان روشن گردید و پنهان این
 اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبهه ای نیست که بتعالیم الهی چنان روشن گردند که از آفاق

روشن نمایند، و نیز میفرماید: «اگر ممکن است مسئولین سایر ولایات کما در ارسال دارند همچنین
 بگیرین لایحه و ملا و اسکیموها مسئولین بفرستید» و در همان الواح مقدسه مذکور: «بلکه انشا الله
 مملکت آنرا بمساع اسکیموها... برسد... اگر تمی نماید که در میان اسکیموها نفعات الهی
 شود تأثیرش پیدا دارد» و چنین میفرماید: «الحمد لله آنچه در الواح مبارک با اسرائیل بشیر فرموده
 و در مکاتیب عبداله با تصریح شده جمیع در حقیقت است بعضی وقوع یافته بعضی
 خواهد یافت بحال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده اند که ایام ذلت اسرائیل گذشته
 ظل عنایت شامل گردد و این سلسله روز بروز ترقی خواهد نمود و از خمودت و ذلت
 هزاران سال خلاصی خواهد یافت».

افرادی که در مؤسسات اداری امرانه بخدمت قائم و بتسبیق تنظیم امور موقوفند
 خواه اعضا محفل روحانی مرکزی یا بنجه های تبلیغ اعم از ملی و ناحیه ای محلی باید همواره این
 مسأله مهم حیاتی را نصب العین خویش قرار دهند و تحقیق آن سعی شکور مبذول دارند
 و آن تشکیل جمعیتهای سانی در کمترین فرصت ممکنه در چند ایالت و ولایت باقیانده جمهوری

امریکائی و کشورکانادا است و جمعیت های تشکله در قدم اول ضعیف و محدود باشند
 همچنین تثبیت جمیع وسایل لازمه تا مراکز جدید تأسیس تقویت تکمیل پذیرد و با نهایت
 اطمینان و سرعت اطمینان بخاطر و حائیه ای که قائم بذات بوده و رأساً و مستقلاً به تثبیت
 امور و انجام وظایف مبرمه خویش موفق گردند تبدیل شود و صفت سمت رسمی باید با
 بهائی امریک باید فردا فرد شتابانی و معاشرت مستمر و سیرین خود را نسبت با سعاد
 و استقرار چنین مراکز و پایه های اولیه که تشکیل آن بلا تردید خالی از زحمت و صعوبت نبود
 دلی حائز نهایت ضرورت موجب اعتقاد روح و انشراح صدر است بکمال اهتمام
 ظهور رسانند تصمیمات اقدامات انسانی منتخب جامع و متین و منطوق و نقشه های
 مطروحه هر مقدار متقن و صمیم و با دقت و بصیرت تا تم تنظیم شده باشد مع الوصف این اقدامات
 و تصمیمات هرگز ثمرات مرغوب حاصل نخواهد نمود و نیاز مطلق به این خواهد آورد و مگر آنکه
 جمعی از مهاجران فداکار بر آن شوند که قیام عاشقانه نمایند و با ابراز محبت و استقامت
 نقشه های منظور را بمورد عمل و اجرا گذارند عقیده راسخ این عبد است که چون یکبار است

امراکمی در قلب اقالیم غیر مفتوحه افراشته شد و قوائم و دعائم قصر شید نظم اداری
در مدن قری منصوب گردید و تکیه گاه محکم و مستین در افنده و قلوب ساکنین آن بلدان بدست
آمد اولین مهمترین قدم برای قطع مراحل بعدی مراحل که نهضت تسلیفی متخذ بموجب نقشه
هفت ساله باید تدریج طی نماید برداشته شده است حال آنکه ترغیبات خارجی و الاذکار
ظلمین نقشه در آخرین مرحله تکامل وارد گردید نهضت تسلیفی هنوز در مدارج اولیه خود قائم
و در مراتب ابتدائیه خویش ساژ و سالک است و مراحل عدیده باقی است تا اجراء و
آن عملاً با قایلیم غیر مفتوحه و یا جمهوریات واقعه در قاره امریکای جنوبی منبسط گردد و هر چند
ساعی و مجهوداتی که برای تحقق این ابداف لازم بی نهایت مبرم و شدید و شرایطی که
مؤسسات اولیه بر ارکان مبانی آن استوار شود اغلب نامساعد و غیر موزون
و کارکنانی که اوضاع و احوالشان اجازه قبول و مباشرت چنین اقدام را در محدود
و مناسبی که در اختیار جامعه موجود محل استفاده واقع گردد و نامساعد و در دسترس
عنایات جمال مبارک بیکران و بشارت منزله از مخزن قلم اعلی نسبت بموقعیت یاران

و مجاهدان امر حضرت رحمن نامحدود بی پایان بقوله تبارک و تعالی «لو یقوم واحد علی حبیب»
 فی ارض الاشرار و یحارب معه کل من فی الارض و السماء لیغلبه الله علیهم الهما القدره و ارباب
 السلطه. آیا این وعده صریح و اطمینان بخش از قلم ملهم بحال قدم جل اسمہ الاعظم نازل شده که
 میفرماید «فوالله الذی لا اله الا هو لو یقوم واحد منکم علی نصرته امرنا لیغلبه الله علی ثلثه الف و لو
 اراد ان یتغلبه الله علی من فی السموات و الارض» در این مقام حضرت عبدالباقی
 روح الوجوه و عنایاتہ الفدا میفرماید «در اسلاف طایفه نمائید که در ایام مسیح نفوس مؤمن
 ثابت معدود قلی بودند ولی چنان بکثرت آسمانی نازل شد در سنین معدوده جم عظیمی بظن
 درآمدند در قرآن میفرماید که یک جبهه هفت خمشه برآرد و هر خمشه صد وانه بد بد یعنی یکده
 هفتصد وانه گردد و خداوند اگر بخواید مضاعف میفرماید چه بسیار واقع که نفس مبارکی بسبب
 هدایت مملکتی شد حال نظر باستعداد و قابلیت خوش بناید نمایم بلکه نظر بنسبت فیوض
 الهیه در این ایام نمایم که قطره حکم دریا یابد و ذره حکم آفتاب جوید» علیهذا مجاهدین غوری
 که میخواهند در این میدان قدم نهند تحت چنین شرایط و احوال و چنین ممالک و اقطار پرچم الهیه

را در صفوف مقدم برافرازند باید کلمات روح بخشنده حضرت بهاء الله را بخاطر آرند و حبیب
 را در ع خوشی قرار دهند حبیب اشتیاقی که با ادامه خدمت و ابراز ثبات و استقامت
 تراید باید و مصداق «ولو اراد فی حبه لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض» گردد
 و چون توفیق رفیق شود با اعمال و افعال خود مستعترین صفاتی را که مآلنون در تاریخ حیات
 روحانی موطن بالوفشان و ن مضبوط گردیده فرین مطرز خواهند ساخت.

در این مقام حضرت عبد البهاء روح الوجود المطلقیه الفداء در مشور ملکوتی تبلیغ میفرماید
 «هر چند در اکثر دین ایالات متحده الحمد لله نفعات الله منتشر و جم غفیری ملکوت الله متوجه
 و ناظرولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند گشته و اسرار کتب الهیه
 منتشر گردیده باید بهمت یاران علم توحید در آن یار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آن
 را نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود» و نیز در یکی دیگر از الواح
 مذکوره این بیانات عالیات نازل «تعلیم کاناداستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی
 نهایت جلیل مشمول نظر غایت الهیه خواهد گشت و نظر الطاف سبحانی خواهد شد» و در

روح مبارک این عذکریم و بشارت قیوم بار دیگر بنحوی که تصریح گردیده قوله العزیز «لنبدأ
نخاشته میشود که مستقبل کا مادا بسید عظیم است چه از حیثیت ملک و چه از حیثیت
ملکوت».

و چون قدم اول متضمن تشکیل لاقول یک هسته مرکزی در هر یک از ایالات و ولایات
غیر مفتوحه در قاره امریکای شمالی برداشته شد باید انکار بلا درنگ متوجه امریکای لاتین گرد
و اقدامات وسیع بنظور بسط و تقویت مساعی مشترکه یاران معمول و مجبورات مشکوره ای
که حال از طرف شر و نه قلبی اردوستان منفرد نسبت با یقین اقوام و مل آن سرزمین
و دعوت آنان به ای جانفرازی حضرت بهرام بنده دل گردیده بکمال جد و اهتمام تعقیب
و تکمیل شود فی الحقیقه تا در اجراء این امر قیوم یعنی تنفیذ مرحله ثانوی از نهضت تبلیغی که تحت
نقشه هفت ساله تنظیم گردیده قدم مثبت و قاطعی برداشته نشود نمی توان تصور نمود که
مذکور بخوبی کمال اجراء و یا نقشه اصولاً بر مرحله قاطعی از بسط و تکامل خویش وصل گشته است
یقین است تا شبث باین امر مواهب و الطاف الهیه آن جامعه شمع را که هم اکنون در

دایره اداری امراته با ارتفاع مشروع عظیم و سرمدی آثار مع زینیات خارجی آن بکمال جلوه
 و شکوه توفیق یافته و در میدان تبلیغ و شرفیات الهیه با قامه لوا شریعت است و در هر یک
 از ایالات و ولایات قاره امریکای شمالی نایل گردیده است بنایت شدت عظمت عالم
 خواهد کرد و باین استان اچنان بناید تقویت خواهد نمود که خود را در قبال شواهد قوه محرکه
 خویش متحیر و مبسوت بل مسحور و مجذوب شایده خواهند نمود.

بجمله بین القارات امریکا با حلول چنین مرحله خطیر حتی قبل از آنکه این مرحله از نهفت
 تبلیغی عملاً آغاز شود و پادشاه دایره تحرک گذارد باید استعداد و آمادگی خود را در استفاده از
 فرصتهای موجود به نفعه ظهور رساند و با ابراز بهمت و جانفشانی بقیام و اقدامی مبارک
 و زود که با مسوولتهای عظیمه ای که بر دوش خویش گرفته همه دشواریها را بهمان باشد این حقیقت
 نیز نباید بخیاطی از خاطر دور و از نظر محو و فراموش گردد که امریکای مرکزی و جنوبی از بابت
 ملت مستقل ترکیب یافته که بنفسه قریب ثلث دول همه عالم را تشکیل میدهند و مردم
 آن در تعیین مقدرات آتی جهان سهم عظیم و دائم الزامی را عهده دار خواهند بود حال چو

ممالک و دیار تدریج بیکدیگر نزدیک و سر نوشت اقوام و ملل و اجناس و محل عالم با یکدیگر مربوط و متصل
 گردد و از شرف و صل و منفعت و دو بعد و اول شکره غربی از سایر دول و ممالک عالم قهر از ازل و مقدرات
 و امکاناتی که در لئون یک ازل مذکور بود و دکنون است و مافیونا مشهور و لا تحسرها و لا یکرده.
 و چون این مرحله ثانی از بسط و توسعه تدریجی اقدامات و فعالیتهای سلطنتی ظل نقشه
 هفت ساله آغاز گردید و دستگاه لازم برای تنفیذ این مقصد نفیسم شروع بخش و حرکت نمود
 یاران امریکت مجاهدان و مجاهدان شمع و قویدل این نهضت قویم باید مبد و انوار مشرقه از
 افق اقدس ابی رعایت قی و کامل نقشه مطروح از طرف سالار جند هدی مرکز عهدا تقن
 او فی قیام نمایند و تحت لالت و ارشاد محفل و حانی مرکزی و استظهار به کاری و معاضد
 بجهتین القارات امریکا علم هدایت کبری برافرازد و بجهت وسیع علیه قوای مظلومه چهل و غفلت
 مباشرت نمایند جمله ای که باید تا اقصی نقاط قاره جنوبی امتداد یابد و ملل مذکوره در فوق اکلا و
 لطاق خویش و ارد سازد.

شایسته و سزاوار آنکه در این سلسله خطیر جمعی منخذب و فداکار و امن بهت برگزینند و

مدنی و یار و اوطان او کار خویش در گذرند و چون طیور شکور در اوج عزت ابدیه پرواز نمایند
 و بموجب بیان اقدس اعظم اکرم که میفرماید «یفنی لئولاء ان یکون زادهم التوکل علی الله»
 با توشه توکل و انقطاع قایلیم شامعه بعیده و اسطار غیر مفتوحه توجه کنند و کمال ثبات و
 استقامت بتجسیر مدائن قلوب دارند قلوبی که بفرموده مبارک بقوه وحی و الهام منقلب
 گردد و بعد ذکر و بیان تصرف شود بقوله العزیز و ابتهائیسخر بجنود الوحی البیان «باری
 تأخیر در این امر را هیچوجه جائز نشمارند و حاضر نشوند که گمان انجام مرحله اولای نهفتی
 خویش از آنان سبقت گیرند بلکه از همین آن قیام نمایند و منقطعاً عن سبجات تبهیه مقتدا
 در ابراء خدمتی که بعد از یکی از مشعشرین فصول در تاریخ بین المللی امر الهی محسوب خواهد گردید
 مبارک است و زنده و در قدم اول این مدای اصلی را که از من استنی رزف اصلی بسمع شایان
 جمال اقدس الهی میرسد شعار خویش قرار دهند و در ابراء منطوق آن جبهه بیغ بسند و اول
 قوله الکَرِیم و مَسْکَم من اراد ان یسبح امر مولا فلیسبغ لبه بان یسبح اولاً نفسه ثم ینسبح اناس
 لیسبغ قلبه قلوب السامعین» و نیز نصرت و اعانت امر الله را هدف غائی و مقصده نانی

خویش قرار دهند که میفرماید «و يجعل همه نصره الامر في كل الاحوال» و در جمیع احیان
 در اطلاع کلمه الله باین حقیقت کلیه ناظر باشند که در الواح الهیه نازل و اصل الیوم اخذ
 بحر فیوض است و یگر نباید نظر بکوچک و بزرگی طرف باشد «و همچنین» من اراد ان
 ینفی له ان ینقطع عن الدنیا، و باروح القطاع و تفویضی که حضرت عبدالبهادر روح البو
 لسیات الفدا و حیات مبارک ابرار و احبار ابا ان تشویق و تعلیم میفرمود قیام نمایند و
 و محل عالم و بدن و دیار ارض را بذر حق و توجیه بظهر کلیه رحمانی متذکر گردند و ثانی محبت
 الهیه را در فرائض قلوب «محموظ دارند» فی یوم ارتعشت الارکان و اشرقت السجود
 و شاخت الابصار» و «جهانهای خویش را با آتش فرزانی که در قطب امکان
 احراق و لمعان است مشتعل سازند بشانی که میاه عالم از انجا و آن عاجز باشد» و چون
 اریاح بر اقطار و اقطار حرکت نمایند اریاحی که «بر خراب و مرمور و میاندازد از معمور
 و نه از خراب مخزون» «لسان بزرگ حق گشاید و امرش در جمیع احیان اعلام نمایند»

«آنچه را که روح اعظم در خدمت امرا ملک تقدیم بآنان القانماید علی رؤس الأشهاد^(۱) و الظهار»
 «ایا کلم ان لا تجادلوا مع نفس بل ذکر و با بلیان احسنه و الموعظه البالغه» و همچنین «
 تبلیغ امر نماید با عراض و اقبال با طرباشید بلکه مظهر خدمتی که بآن نامورید من لدی الله»
 و در یک سطر این غایت عظیم را که در حق مهابرین و باشرین نعمات سبحانیة ارقم غزائیة
 نازل گشته از خاطر مومنماید بقوله الکریم «ان الذین باعوا من اوطانهم لتبلیغ الامر
 یؤتیهم الروح الامین و یخرج معهم قبیل من الملکة من لدن عزیز عظیم» و همچنین این بیان مبارک
 را همواره نصب العین خویش قرار دهند که میفرماید «طوبی لمن فارجدته الله» و متذکر
 باشند که بفرموده مبارک این خدمت اعظم خدمات است و این قیام زینت بخش هر اقدام
 و اهتمام «انه سید الاعمال و طرازها» و بالاخره هنگامی که عرض و طول قاره امریکای جنوبی
 را بخدمت انقطاع برای ابلاغ شریقه الله پیمایند این کلمات روح بخشند حضرت بهار الله عز و جل
 رانند و سلی قلب و چراغ راه و توشه طریق و انیس شفیق در وحدت و خلوت خویش شمارند که

(۱) ترجمه

میفرماید قول الأبدع الأعراسنی . ان یا ایها المسافر الی الله خذ ینبیک من ذی البحر ولا تم
 نفسك عما قدر فیہ ... ولویزقن کل من فی السموات والأرض بقطره منه لنینین فی انفسهم
 بنسوانه المتقیر العظیم الحکیم خذ بید الانقطاع غرقه من ذی البحر بحیوان ثم شرح منها علی الکائنات
 لیظهرهم من جد و دات البشر و یقر بهم بنظر الله الأکبر ذی المهر المقدس المیردان و جدت نیک
 وحید الا تخزن فاکف برکب ... بلع امر مولاک الی کل من فی السموات والأرض ان و جدت
 متقبلاً فاطر علیه لئالی کلمه الله ربک فیما اتعاک الروح و کن من المقبلین و ان و جدت ممرضاً
 فاعرض عنه فوکل علی الله ربک و رب العالمین بالله اتحن من نفع الیوم شفیه فی ذکر اسم رب
 لینزل علیه جنود الوحی عن سماء اسمی الحکیم العظیم و یزین علیه اهل ملا الا علی بصحائف من النور
 کذلک قدر فی جبروت الامر من لدن عزیر قدیر .

و نیز این مدای جانفرای الهی را که از خلال الواح مقدسه تسلیفی سمع سالکان بیل می
 محران حریم کبریا و اصل دمایه حصول اطمینان و مسرت جان و وجدان است بیداریم که میفرماید
 دای حواریون به الله روحی لکم الفداء ... ملاحظه نمایند که حضرت به الله چه ابوابی از برای شما

گشوده است چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است چه موهبتی میسر کرده است... «الآن
 بیا دشما مشغول و این قلب نهایت بیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است
 البته بدرجه فی فرج و سرور یابید که کل مفتون یکدیگر گردید... «حال موقیت شما هنوز معلوم و مفهوم
 نگشته عقرب خورشید دید که هر یک مانند ستاره ای در می درخشند و آن افق نور هدایت
 بخشیده و سبب حیات ابدیه اهل امریک شدید... «امید دارم که بزودی موقیت شما زلزله
 آفاق اندازد... «البته عون غایت آلتیه شما خواهد رسید و قوای آلتیه و نفقات روح القدس
 تأیید شما خواهد کرد... «نظر قبلیت خویش و کثرت اقوام نمائید... «این کار عظیم است اگر بان
 موفق شویم تا امریک مرکز صنوعات حانیه گردد و سریر مملکت الهی در نهایت حشمت و جلال
 استقرار یابد...»

باید در خاطر داشت که تنقیذ نقشه مبعث ساله از سحاط امر تبیع متضمن تأسیس لا اقل یک
 مرکز امری در هر یک از جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی است حال چنانچه نقشه ای که اکنون
 آفارشده با موقیت مواج گردد جشن منوی ولادت امر حضرت بهر آنکه شاید استقرار یابد

و اساسی در هر یک از اقالیم مذکوره خواهد گردید بخوی که نسل آتی اجبای امریکت بتواند بر بنای
 آن هر چند ساده و در رتبه ابتدائیه باشد در سنین اولیه قرن ثانی دور بهائی بنیان رفیعی بنا
 نهد و چون این مقصود با عانت رب و دو تحقیق یافت و طیفه جتیمه یاران است که در معقود
 متابعد پایه های منصوبه را تقویت نمایند و اساس موضوع را دست بخشد و جمعیتهای مختلفه
 بهائی را که در دیار و ممالک مذکوره منتشر و پراکنده اند بتاسیس محافل مستقله محلیه با اصول و موازین
 کافیه تشویق کنند و بذل مساعدت و نهائی نمایند و بدین طریق ارکان اولیه نظم اداری امراض
 را در مراکز مربوطه مستقر و مؤسس سازند استقرار چنین بنیان در مقام اول متوجه افرادی است
 که بهمت جامعه دوستان امریکائی ملی به پیام الهی استناد و سرسپرده امریزدانی دارد
 گردیده اند این امر خطیر گذشته از تقویت سریع جمعیت بهائی و تبدیل آن بمحفل محلی متضمن برآوردن
 دستگاه کامل نظم اداری طبق اصول موازین دغانی و اداری امرالهی است که بر حیات
 و فعالیت هر جامعه متشکل بهائی در سراسر عالم حکمفرماست انحراف از این اصول متقنه
 متینه و موازین صریحه قاطعه که در مقررات و نظامات ملی و محلی بهائی شریعت و مسطور و در

جوامع امریه علی العموم ممضی و مجری است بهیچوجه من الوجوه جائز نه در هر حال اقامه این وظیفه
 متوجه نفوس مخلصه است که من بعد نباید من آنه و توفیق من لکنه قیام و در بسط و
 پیشرفت این خدمت عظیم که میتوان گفت هنوز جمیع جهات و بنحو قاطع و مؤثر آغاز نشده
 موفور بند دل خواهند نمود.

استقرار اساس و پایه‌هایی که بتوان بر قواعد و قوانین آن بنیان صمیم تأسیسات دُم
 ملی و ملی را با نظم و اتقان کامل مرتفع و بنحوی مطمئن مستقر و مؤسس ساخت مستلزم تئیه و تمهید ملی
 است که بزودی توجه شدید واضعان نقشه هفت ساله را بنحو معطوف و افکار و اذکار آنان
 در حول خویش متمرکز خواهد نمود حال بجز آنکه وظیفه فوری و کثرتی مربوط بفتح معدودی از نقاط
 بایمانده در ایالات متحده امریکانگاد اتحق پذیرفت باید طرحی جامع و دقیق بمنظور تأسیس
 چنین پایه و سالوده عظیم در نظر گرفته شود و حوال و موجبات آن فراهم گردد فی الحقیقه تئیه و تمهید
 برای تحقق و تأمین اقدامات مذکوره که دانسته آن وسیع حوزه جمهوریات امریکای مرکزی و
 جنوبی را بتمامه در بر خواهد گرفت چنانکه قبلاً یاد آور گردیده است مرکزی و نقطه اتکال به نصرت

تبلیغی که تحت نقشه هفت ساله تنظیم شده است تشکیل خواهد داد و سرزشت نهائی آن
را تعیین خواهند نمود حال تنها اجراء کامل وظایف خطیره ای که بموجب نقشه حاضر تهیه
گردیده موقوف بقیام و اقدام مذکور است بلکه ظهور و پیدایش ریجی مراحل بعدی نیز که برای
تحقق نوایای مقدسه حضرت عبداللہ نسبت بوقیقت یاران امریک امری قطعی و
ضروری است بدان موقوف میباشد و آن خدمتی است که احبای انسانان باید
در بشت تعالیم آسمانی و شاه انوار سبحانی در سر اسر کره ارض من اقصا الی اقصا
انجام دهند.

این اقدامات هر چند نسبت بمجموعات قویہ متشکله ای که نسلهای آتیہ یاران در
ممالک لاتین بدان متفق و متبای خواهند گردید در حقیقت بمنزله قدمهای اولیه در ابلاغ
کلمه الٰہیہ و شرفعات سجایه محسوب مع الوصف بنوبه خود مستلزم اسعان نظر و تحقیقات
دقیقه عمیق بمنظور استقرار مابین اغرام مستغنین سیار ممالک مذکوره است تا ای یوم جدید
را در قاره جدید مرتفع سازند و اعلام فتح و فیروزی در قطب آن یار برافرازند این است

تصمیمات لازمہ ای کہ باید از جانب محل روحانی مرکزی همچنین دو جنبہ مربوط یعنی جنبہ مالی تبلیغ و
بین القارات امریکادون ادنی تاخیر و تعویق اتخاذ و موقع اجرا گذارند.

باتوجه کل نقل و سولیت عظیمی که آن برگزیدگان امرالهی بر عہدہ داشتہ و باید چنین
و از خود گذشتگی بمقتضای امور رسانند همچنین نظر بقسوت علاقه شدید نسبت ببرزخ خدمت و معاضدت
در حق آن یاران عزیز روحانی بر خود فرض و متحمس باشد کہ توجہ آنان ابسکاتی چند کہ بلا تردید نسبت
بانجام امر بزرگی کہ در پیش دارند کمک مؤثر بمبدول و تسهیلات لازم فراهم خواهد نمود معطوف
دارد و متذکر شود کہ حال قوا و مجهودات اعضا جامعه باید بالتمام با تصمیم و ارادہ خلل ناپذیر
تحت این امر خطیر کہ با کمال آن موقعیت تاریخی در خانی نصیب آن خادمان آستان بانی
خواہد گردید و صفحہ جدیدی در تاریخ خدمات روحانی آنان خواہد گشود متمرکز و مصروف گردد
تعداد مبلغین و ناشرین نجات یزدانی اعم از نفوسی کہ در مراکز مختلفہ متوطن و یا بسیر و حرکت
مالوف بنحو محسوس ازدیاد یابد و منابع مادی کہ باید در اختیار آنان قرار گیرد توسعه پذیرد
و تحت مراقبت و انتظام کامل در آید دایرہ نشریات و آثار امریہ کہ باید بدان مجتہز باشد

یابد و تبلیغاتی که آماراد بهشت آثار و شاه انوار ملک معاضدت نماید تکمیل شود و در مرکز مخصوص
 مشکل و معطل گردد امکاناتی که در این محاکم بذات مودع و موجود با تبصره و توجه تمام مطالعه و
 مورد استفاده واقع گردد و با انتظام کامل توسعه و تقویت پذیرد همچنین موانع و مشکلات
 که از نظر اوضاع و احوال سیاسی شرایط و مقتضیات اجتماعی بانها مختلف و هر یک از
 اقلام مذکوره موجود و مشهود و مقیاسی و نحو قاطع بر آنها تفوق حاصل گردد و عبارت از
 فرصتی از دست نرود و هیچ کوشش و مجاهدتی فرو نگذارند تا آنکه اساس وسیع و بنیان
 مستحکم برای بسط و توسعه بزرگترین اقدام تبلیغی که تا کنون از طرف جامعه بهائی امریکه اتخاذ
 گردیده نهاده شود و بنحو احسن تقویت و تشدید پذیرد.

ترجمه دقیق آثار مهمه بهائی و صحف قیمه ربانی راجع بتاریخ این امر اعظم و ذکر تعالیم ساینده
 و مسائل مربوط بنظم اداری آئین الهی و نشر و توزیع آنها در بین جمهوریات مذکوره با ترتیب
 و اتقان کامل بمقادیر عظیمه قولغاتی که با احتیاجات ساکنین آن ملایم و موافق باشد اتم
 و الزم اقدامی شمرده میشود که بایستی متعارف با و رود و خادمین و مهاجرین امراته در میان

خدمت جدید اتخاذ و تا آخرین مرحله امکان تعقیب و تملک کرد و حضرت عبداللہ بادشاہ کی
 از الواح مقدسہ تسلیمی میفرمایند کہ کتب و رسائلی بلسانای این ممالک و جزائر یا ترجمہ نمایند
 و یا تالیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند. این اقدام بایستی در ممالکی کہ از جانب
 مصادر امور و یا محافل و دوازدی نفوذ بالمرہ اشکال و ایرادی متوجہ نگردد و بارج مقالات
 و الواح شیعہ قنیه و نشریات و مطبوعات جاریہ کشور تقویت یابد مقالات و الواح مورد نظر
 باید بحال وقت تنظیم و تنظیم پاره ای از خصوصیات تاریخ پریشان این امر اقدس اعظم و
 عظمت تعالیم این شریع اقوام فہم باشد تا افکار را بنجد و جلب نماید و برافندہ و قلوب مؤثر
 واقع گردد.

احساس من آنستکہ ہر یک از یاران الہی کہ در آن اقطار بخدمت امرائے قائم و
 باعلام کلمہ اللہ مالوف خواہ از مبلغین سیار و یا مهاجرین مقیم باید پیوستہ این مکتبہ و قیغہ
 نصب العین خویش قرار دہد و در تنقید و اجراء آن کمال ہمت مبذول دارد کہ باطریق
 محبت آمیز با جمیع الہی از اعالی و ادانی از ہر طبقہ و ملت و قوم و قبیلہ محشور گردد و خود

با افکار و احساسات و آداب و شئون و عقائد و مسالک آنان آشنا سازد و احسن و جد
 طریق برای تناس و مصاحبه با آنان مطالعه کند و برگزیند و کمال مهبر و استقامت و حکمت
 و مسانت توجه خویش را معطوف معهودی نماید که استعداد و شایستگی خود را برای پر
 تعلیم الهی ظاهر ساخته اند انگاه با ابرار محبت و صمیمیت حقیقی روح عشق و حرارت و خند
 و اشتعال در قلوب طالبان القاء نماید تا نفوس مقبله مطمئنه بنوبه خویش قیام کنند و منقسم
 دین الله و مروج کلمه الله در اوطان و دیار خود گردند در این مقام این کلمات نصیحت
 از مخزن قلم اعلی نازل قوله العظیم «ای اهل بیبا جمیع اهل عالم بروج و سیحان معاشرت نمایند
 اگر نزد شما کلمه یا جوهری است که دون شما از آن محروم بلسان محبت و شفقت القاء
 نمایند اگر قبول شه و اثر نمود مقصد حاصل و الا اورا با و گدازید و در باره او دعا نمایند جناب
 شفقت جناب قلوب است و مامده روح و بشایه معانی است از برای الفاظ و مانند
 است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی».

علاوه بر آنچه ذکر شد همت گیر باید مبذول گردد و آن این است که نه تنها بیایتهائی

بهائی بلکه افراد یاران که قصد ورود در این میدان یعنی قیام با علاء امرآلی و شرفیات سبحانی
 دارند همچنین باید دوستان که از فیض حرکت بآن جهات و یا استقرار و توطن در آن یار محرو
 از هر فرصتی که یقیناً بر برای آنان فراهم نماید اقبال کنند و از هر فرصتی استفاده نمایند و با ظهور
 که از اهالی و اتباع آن بلاد بوده و یا به نحوی از انحاء با ساکنان آن ممالک در تماس و ارتباطند
 هر مسلک و مرام و صاحب هر حرفه و مقام اشائی حاصل کنند و عداوت و حقیقتیه آنان را نسبت
 با امرآلی برانگیرانند یاران امریک می توانند با برار محبت نسبت بنفوس مذکور یا تسلیم و
 و آثار امریه و یا هر نوع ارتباط دیگر که مقتضی میسر باشد بنده حقیقت و در قلوب مستعد به نشاند
 تا بعد و آیام و مقتضای احوال تخم افشاند و سرسبز شود و شمار بهیه جنبیه بسیار آرد و در هر حال باید در
 احیان توجه دقیق مبذول گردد که مبادا در اشتیاق و غیر نسبت به پیشرفت مصالح امر
 اقدامی معمول و بامری مبادرت شود که نتیجه آن خلاف مقصود باشد علیهذا باید از هر روشی
 که تجمیل و فشار و دعوت بترک معتقدات تعبیر گردد و خود داری شود زیرا نفس این توهم
 استعدا و محو ریت افرادی خواهد گردید که میخواهند آنان را بدایره امرآله وارد و از نعمت این

بهرمند و قنعم سازند.

در این مقام از خادمان امر حضرت رحمن در خطه امریک که در حال حاضر با مسائل
و وظائف متنوعه خطیره دائم الاتساع مواجه و تحت فشار عظیم قرار گرفته اند مخصوصاً افرادی
که امکان حرکت بنقاط اُخری برای آنان میسر و مقدور است تقاضا می نماید در هر مرتبه و مقام
و اوقاف و همیشه و دائمی قائم باشند اعم از مکاسب و دخل تجاری و یا آموزگاری و دردا^س
و معاهد علمی و یا امر و کالت و طبابت و یا خدمت و کتابت در مؤسسات اداری و ا^ش
آن محل زیست و اقامت و اعم خود را در بلدانی قرار دهند که موجبات تأمین معاش علی^{قده}
مقدور موجود و ادامه حیات و آن نقاط برای آنان فراهم و میسر باشد بدیهی است
با چنین اقدام و مبادرت چنین بهجت و حرکت بالطبع از ثقل مصارف و زرافزون جاب^ج
کاسته و بصندوق تبلیع که در صورت عدم قیام خصوصی افراد باید احتیاجات سفر و یا
مخارج مربوط به تنفیذ این طرح وسیع اباد و ادرات محدود و در عمده گیر و کمک مؤثر بسدول خا^خ
گردید حال چنانچه استفاده از این دست جلیل و حصول چنین منقبت و افتخار عظیم برای فردی^د

یارانِ اُسا و مستقیماً میرنشد باید با توجه به بیان مقدس حلال اقدس ابی جل ذکره الاعلی
 و ملاحظه امکانات و مقدرات خویش و کلی از طرف خود معین و با بر این امر اعتراضی
 اطلاع کلمه الله و شرفیات الله مبارک نماید قوله الاعلی «بسمیع همهت را در تبلیغ امر الهی
 مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا له ان یأخذ کلاً
 نفسه فی الهمار هذا الامر الذی به یزغ عن کل شیء بیان مرصوص و اندکست ایحال
 و انصقت النفوس»

اما نفوسی که ترک لاله و آشیانه و قیام نجدست در آن عالم موفق گردیده خواه بنحوی
 و محدود و یا بصورت دائم و مستمر تکلیف خاص و وظیفه مخصوصی متوجه آنان است که یا
 پیوسته در نظر داشته و آن را یکی از مآرب اصلیه خویش شمارند و آن این است که
 از یک طرف بحال همهت و مراقبت با بجهت علی که اداره و تقدم امر هجرت با این شخص تعهد
 آن نهایت محمول است و تماس و ارتباط دائم باشند و از طرف دیگر بحکم سائر ممکنه
 باب معاضدت و همکاری را بنهایت الفت و و داد و محبت و اتحاد با سایر دوستان

مقیم آن ممالک و دیار مفتوح نمایند و اجد هر مقام و موقعیتی باشند و صاحب هر قسم تجر و
 فعالیت و اثر انجام وظیفه اولی یعنی تماس با بجهت ملی موجبات تشویق و ترغیب آنان
 فراهم و رهنمایی لازم که بتوانند رسالت و مأموریت خویش را بنحوی که مقرر و مؤثرتری انجام
 دهند تحصیل خواهد کرد و بعد از آن بوسیله ارسال تقاریر منظم بجهت مذکور میتوانند اخبار ترقیات
 و فعالیتهای امریه حوزه خویش را بسمع دوستان الهی در سایر اقطار و اقطار برسانند و
 آنان را در سرت و انبساط حاصل از استماع بشارات روحانیه و موقعیتهای امریه سهم
 و شریک سازند اما اجرای وظیفه ثانی موجب آنست که پیشرفت حسن جریان امور تسهیل
 و از هر پیش آمده نامطلوب که تحقق اهداف مشترک جامعه را دچار وقفه و اشکال نماید حذر از
 کرد و حفظ ارتباط و هم آهنگی تمام بین بجهت بین القارات امریکا که در مقام اول مسئول تنظیم
 و تثبیت چنین مشروع عظیم است و مهاجرین عزیز که عملاً با اجرا این وظیفه جلیل قائم و
 بسط و توسیع دایره آن با لوفت همچنین ارتباط و تماس نزدیک بین افراد مهاجرین
 بنفسم علاوه بر آثار و نتایج مهمه قطعیه ای که در حال حاضر مترتب بر آن است شریک آنها

والهام بخشی برای نسیمی آتیه که باید امر خطیری را که هم اکنون آغاز شده تعقیب و با وجود
و محفورات و انهم الاتساع بسر منزل مقصود و اصل نمایند خواهد بود.

مخصوصاً در این اوان که مشکلات و تضییقات مختلفه در ممالک مورد نظر مانع از آن است
که عده قابل ملاحظه ای از یاران مجاهدان امر حضرت حجت بن باقر را محل اقامت خویش در آن
عالم موقی و بتأین و سائل معیشت نائل گردند این سؤال عارض نهایت اهمیت و لزوم است
که اگر پاره ای از افراد دوستان که عوائدشان و اوقافشان و تقاضای برادران و اقارب و کسب
و به امور خود را نوعی ترتیب دهند که بتوانند در آن ممالک و دیار متوطن گشته و بطور نامحدود
سکونت پذیرند بدیهی است قیام باین خدمت مستلزم ثبات و استقامت افرادان و ابرار
شماست و فداکاری بی پایان است فی الحقیقه قدر و منزلت این اقدام کاملاً هو شده در این
ایام معلوم نه و اجر و ثواب عظیمی که بقائین باین خدمت ارجح قابل شرح و توصیف است
در این مقام حسن و اولی آنکه بیان مبارک حضرت به و الله را بنحاطر آریم و در بحر خفا کلمات
روح پرورش تعمق کنیم که میفرماید قوله الأبدع الأعراسنی «ان اندین باجروا من اهلنا»

لتبلیغ الامر یویدیم الروح الامین... لعمری لایعاطله عمل من الاعمال الا ما شاء ربک المقدر
 التعذر انه لسیة الاعمال وطرارها فی الحقیقه این امر عزیز و پاداش جلیل محدود و سیرکات و منوال
 لا تحصى عالم بالا و نشانه امری نبوده بلکه ابرار چنین شجاعت و ایمان و تمسک بعل اعانت
 و ایتقان و خیراد فی نیز موجب ظهور اثرات محسوس و نتایج و ثمرات مخصوص است و مقتضای
 جسیمه روحانی و اداری که در قاره نائیه استرالیا و اخیراً در خطه بلغاریه مت مهاجران عزیز
 نماینده گان جامعه جهانی در دو کشور کانادا و ایالات متحده امریکا بدست آمده دلیل قاطع و
 برهان لایع برای حقیقت مبرمه است که قیام و جانفشانی در سبیل قدس الهی حتی در جهان
 ترابی متغایس نایبات سماوی و جاذب الطاف و مواهب سبحانی است جمال قدم
 جل و گره الاعظم در یکی از الواح قدسیه در شرح مقامات و دستان که بنحمت امر حضرت حمان
 قائم باین بیانات عالیات ناطق قوله العظیم « و نفسه اتخی سوف ینین انه دیاج کتاب الوح
 بذکر احیاء الذین حملوا الزبیا فی سبیله و سافروا فی البلاد باسمه و ذکره و یفتخر کل من فاربعقام
 من العباد و یتغیر بذكرهم من فی البلاد » .

در این مقام چون مات گرانمایی را که حضرات اما، الرحمن کنیزان جلال آمدن
 از بدو طلوع و اشراق امر مقدس الهی در دیار غربیه نسبت به تسخیر مدن و فتح اقطار در سر
 کره ارض فرید او حیدراً انجام داده اند در نظر آرام خود را عظم میارم که نه تنها مراتب تجرد و
 انقطاع و قیام و بهمت استغنا و شهاست آنان که فی الحقیقه خاطرات باغشانی مردان
 دلاوری را که در صدر امرایه بسط و اعتلاء آئین اعزاق قدس الهی گردیده اند تجدید نماید
 و تقدیر نماید بلکه اہمیت چنین سهم عظیمی را که نسا، غربت، تقویت و استقرار امر الهی در بسط
 غیر بمنصہ ظهور رسانده و میرساند بیان کنم و بستم حضرت عبداللہ بن عبدالمطلب
 حقیقت متعالی یعنی علوم مرتبت و متمیزت نسوان در ظل این امر اعظم شہادت داد و میفرماید
 «از جمله مسائل خطیرہ کہ فی الحقیقہ از خوارق عادات محسوب از خصائص این دو مرتبہ
 شمرده میشود آن است کہ چون نسا در ظل کلمۃ اللہ استظل و بصرف مؤمنین و مروجین امر
 معنی گشتند شجاعت و بسالت بیشتری نسبت بہ جلال از خود بمنصہ ظهور رسانند»^(۱)

این شهادت عظیم و قوم بنحو خاص با شطرنجیه راجع و هر چند تا این تاریخ مصادیق درخشنده
 و تابان آن بنحو کلی مشهود و ملحوظ ولی امید چنان است که چون یاران امریک بجلالتی بر حلافت
 تسلیمی خویش تحت نقشه هفت ساله قدم نهند مطایر این حقیقت در طی شعور و اعوام شایسته
 و قویتر جلوه نماید «شجاعت» که در کلمات مبارک مذکور و مساعی و مجتهدات با ضیاء الهام
 بدان موصوف و منقوت چون در آستانه خدمات عظیمتر و مشعشعتری قرار گیرد البته ممنوع نشود و
 جلوه و لمعان بیغده بلکه باید مبرور زمان در طول و عرض این عالم وسیع غیر مفتوحه و امریکایی
 لاتین بنحوشد و در مطایر و نمایان گردد و بقوت حقایق اعلیٰ اصل از آنچه تاکنون بان توفیق یافته
 در خدمت امر اغراضی نایل آید.

همچنین با ملاحظه قیام و فعالیت یاران توجّه با مکانات عظیمی که چنین نهضت نفیم
 روح مشتاق و پراغذباج امان بهائی امریک را در خدمت امر حضرت نشان تبیج نماید
 احساس میکنم که باید کلمه فی چند خطاب بان نورسیدگان و دهر عرفان و کلمات حق یقیناً
 و ایتقان بنحو خاص در این اوراق بنگارم هر چند تجارب این قلیل و بضاعتشان مزجاء و زیاده

ولی روح همت و شجاعت و فعالیت و آمادگی بخداست با لایزال امید و اطمینان که تا
 کنون با علاقه و تکیه تمام از خود ظاهر و آشکار ساخته اند آنان را استعداد و لائق آن میا
 که در آن عالم در بر گیرند انکار جو آنان و صلب و جذب آنان باین حضرت حرم بهم
 بزرگی بر عهده گیرند هیچ امری نمیتواند مانند شرکت او و موثر و خردمندانه جو آنان بهائی
 از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره در دایره خدات تسلیمی بچنین مجبوبات اداری روح جو
 نیروی فعاله ای را که ممد حیات و محرک تأسیسات امر نوزاد الهی است در انظار نا
 در هر دو قاره مشهود و جلوه گر سازد این تعاون و تعاضد و خدمات و مجبوبات امریه سیرین
 و سیده است که بموجب آن اعداء دین الله که رقی و تکامل آئین حانی و مشروعات و
 مؤتسات دانی را باشند و ضعیف با نظر مخالفت و تنقید و بی ایمانی و تردید بنگرند
 باین حقیقت مسلمه پی برند و موقن و مدمن گردند که شریقه الله زنده و نباض و اساس
 محکم و متین و معتداتش مستحکم و صمیم است امیدوارم و بجان دل دعا و مناجات نیام
 که چنین اشتراک مساعی نه تنها موجب ازدیاد افتخار و قدرت و مزید اعتبار و شهرت امر

کرد و بلکه نفس همکاری و حیات و حافی جوانان تقویت قوامی آنان چنان افتد و مؤثر
افتد و ارکان و جوارح جامعه جوان بهائی را بدرجه ای متحد و مرتبط نماید که بیش از پیش بار
قابلیت و استعداد آتیه خویش متوقی و برعهده بدی از تکامل روحانی در ظل امر حضرت
سجانی نایل و منتظر گردند.

بامتک شایسته بشویم مقدسی که بقلم منیر ششم مولای توانا حضرت عبداللہ الباقی
گردیده و با اشتیاق تمام نسبت با برادر حق و کامل مندرجات آن فرمان ملکوتی این عبد و خلیفه
خویش میار که توجہ مخصوص ما را آن الهی و دوستان حامی را که این امانت عظیم و سند
متقن خویم بکف کفایت آنان سپرده شده با احتیاجات شدید و مقام و موقعیت
خاص جمهوری پاناما هم از لحاظ قرب جوار قلب و مرکز امر الهی در امریکای شمالی و هم
از نظر وضع جغرافیائی که در حقیقت نقطه ارتباط و حد فاصل بین دو قاره شمالی و جنوبی است
جلب نمایم در یکی از الواح همینه تبیینی که ذکر ممالک لاتین از ایراعه مبارک صادر شده
این بیان صریح مدون و مسطور بر جمع این ممالک اهمیت دارد علی الخصوص جمهوری پاناما

که در آن مرکز محیط آتلانتیک و محیط پاسفیک بهم متّحی میشوند و مرکز عبور و مرور از امریکا با سائر
 عالم است و در آینده اهمیت کبری خواهد یافت « و در مقام دیگر راجع با پیشانیهای آتیه
 در مدن اقلیم مخصوصه میفرماید « همچنین جمهوری پانامایز در آن نقطه خاور و باختر با یکدیگر اتصال
 یافته و در میان دو محیط اعظم واقع این موقع در مستقبل بسیار مهم هر تعالیم که در اینجا تأسیس یا
 شرق و غرب و جنوب و شمال را یکدیگر ارتباط دهد « بدیهی است چنین موقع خاص و مقام
 ممتاز تسلیم بذل توجه مخصوص و اقدام سریع از طرف جامعه باین امر یک فارسان مضار
 احدیه است که علم امراته را در آن قطر برافرازد و رایت دین الهی را مرتفع سازند اکنون با
 جمهوری میکمک و دخول آن در نطق آئین الهی با وجود تأسیس محفل روحانی مستقل در
 آن اقلیم نفوذ و سرایت امراته از جانب جنوب در یک کشور مجاور امری طبیعی و منطقی است
 امید چنان است که در تحقق این منظور محظوری فراهم نگردد و در اجرا این مقصود مانعی رخ
 نگیرد فی الحقیقه هرگونه سعی و مراقبت در این خصوص منتهی به بریزان فداکاری و مجاهدت
 معمول شود شایسته و برآورنده است با بنیاد الهی تشکیل جمعیتی هر چند محدود و معدود

چنین خطه‌ای که از لحاظ روحانی و موقعیت ارضی چنین جنبه حساس و سوق بخشی ادارا
موفق گردد جمعی که بجهت تأسیس استقرار با استظهار بقوت قدرت مودعه در کلیات
مبارک حضرت عبداله با جلب بركات مواهب ملکوت الهی فائز و با سرعت حیرت
بسیار ترقی و تکامل که موجب تحیر و اعجاب کل حتی نفوسی که خود شواهد جلیه قدرت
عظمت امر حضرت باری را بر ابرای العین اقبل و بعد مشاهده نموده اند خواهد گردید بلا ترد
نفوسی که در مقام هجرت ترک اوطان با لوفه اند همچنین اعضاء بجنبه بین القارات امریکا
باید احتیاجات معنوی این جمهوری مختار یعنی جمهوری پاناما را بر قسمتهای دیگر مرجع شمانده ^{بط}
انقسام نمایند پیری بین قسمت مذکور و محافل و حاشیه در قاره امریکای شمالی که مولود جدید را
بمنزله ام و حاشیه برقرار کنند ولی این اقدام نباید موجب آن شود که معرفتی امرانه در جمعی
گو اتمالا و هند و راس السالوادور و یکاراگوآ و کاستاریکا و نیرو و لوبوسیط و در ربه آله
از نظر دور ماند این امر هم بعد تعویق افتد. موانع و محظورات هر چند شدید و پر مهابت
باید بقوه ثبات استقامت مرتفع و منابع مالی جامعه بحال تمهت و سخاوت راه وصول

باین منظور مصروف و مساعی حمیدیه قویه در ایقان روحانی این سرزمین مبذول شود و نظر قاطع این
 عبد است که تائیس پایگاه دیگری از امر الهی در قلب جمهوری پاناما صفحه جدیدی در تاریخ
 وقایع مهمه و حوادث درخشان عصر طلوع این حضرت بها الله در عالم جدید مفتوح خواهد نمود
 و فرصتهای بیعد در دسترس نفوسی که تحقق این مقصد اعز اعلی مبادرت نمایند خواهد گذاشت
 مساعی آنانرا تشدید حیات و حاشا را تقویت نمایند خواهد نمود همچنین مسرت و شهادت
 بی پایان در قلوب افراد جمعیتها و مراکز مسعود و جمهوریات قریب و بعید ایجاد خواهد کرد و نفوذ
 مسنوی بسشید در حیات و ترقیات آتیه مردم آن بلدان برجا خواهد گذاشت نفوذی که
 بطاهر از انظار مستور ولی در باطن حقیقت امر و احد قدرت و تاثیر بی نهایت است.

دوستان عزیز و محبوب این است ورنمای محلی که اکنون در برابر دیدگان ما
 بهائی امریکه لایح و نمایان مستعدی بل تمت و مجاهدت فراوان در سنین اخیر
 قرن اول از حضرت یزدان است این است شئون و احوال و این است شرایط
 و اوصاف که برای شمول توفیق در انجام وظائف و مسؤولیتهای خطیره یاران بنحو کل

و اتم مورد نیاز و ضرورت است این است مقتضیات و امکانات این است ابدان
 نقشه منیعہ ای که مستلزم قیام و اقدام تا آخرین سرحد توانائی و امکان است در این سنین
 معدوده زودگذر جهان بشریت استن حاد است عظیمه و بلایای عظیمه است که چشم عالم
 شبه آن اندیده و در انتظار انقلابات و وقایع فاعله است که صفات تاریخ نظیر آن را
 درج نموده است خطرات و افات هر چند صائل و مهیب و مہیب و عواصف امتحان
 هر قدر پر وحشت و شدید و سیل جارف بلیات هر مقدار بدش و سیل هرگز نباید اشعه فو^ن
 ایمان را در قلوب و دستان افسرده نماید و اعین البصار را متنوع و تصمیما^ن شان را متزلزل
 و مقطوع سازد تهدیدات و تضییقات بهر میزان پر و خند و آشوب و مخاطره و ممالک بهر
 مقاومت و مهاجم هرگز نباید از مراتب خلوص و اشتیاق اجبای الهی نسبت باین رحمانی
 بکاهد و آنان را از طریق که بجان دل اختیار نموده و باهتمام تمام در پی آن می یابند منحرف
 سازد نقشه حاضر که جوهر آمال و گل شگفته مآرب و نوایای مولای عظیم حضرت عبدا^ل
 را در ملکوت ابھی تشکیل میدهد باید من غیر توجه باخچه احیاء در آتیه ایام برخادمان امر حضرت

رحمن و آید و یا هر اضطراب بحران که سرزمین آنان و یا سر اسر جهان اذالیر و کمال حد
 تعقیب و با انجذاب و حرارت بی پایان نبال گردد و یاران الهی حامیان شریعت
 ربانی باید بدون آنکه ادنی ضللی در غم و اراده آنان آید و یا در کمترین سطح و طیفه خطیر و
 متعالی خویش ابدست فراموشی و سیان سپارد این لطیفه و قیصر را هر قدر اوضاع و احوال
 عالم تیره و شدید گردد و زوابع اقتضای ارکان وجود را متزلزل سازد از خاطر منحوس نماید که تعارض
 چنین بحران تحول عظیم که عالم وجود را منهدم و متعش نموده با علو و امتناع امر الله و سمود
 اعتدال کلمه الله و اقطاف اثمار رسالتی که از جانب حق قید بر افغان امر الهی اعطا شده
 بنفسه لنفسه غیبش از شیت نافذ و رحمانی و حکمت بالغه سبحانی و اراده غالبه محیطه یزدانی
 است اراده و شستی که در هر یکی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار سر نوشت امر الله
 همچنین مقدرات جامعه بشریه را توانا مبادایت و بسر منزل مقصود و منظور حقیقتیه خویش و تالانت
 ینماید این صعود و نزول و تالیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که بموارات یکدیگر در عالم
 وجود مشهود و تأثیرات متقابل و اش مستمر و محسوس انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه

اعظم اقدس اهی است نقشه واحد و غیر قابل انفصالی که مبدش غیب مکنون و مونس
و موجدش شارع این امر اعز اعلیٰ دایره تصرفاتش بسط و غیر او مقصد و هدف نهایش
عالم انسان استقرار صلح و سلام درین کافه انام است.

این حقایق و وقایع است که جامعه بهائی را باید تمامه در تصمیات خویش راسخ و
کونیسم و هراس نایس و نویدی را از ضحیٰ بمیرشان محو و زایل نماید و آنان ابران را
که بامتک شیده به یک یک از مندرجات فشو و مقدسی که خطوط اصلیه آن
از قلم توانای حضرت عبدالباقر رسم یافته بار دیگر حیات خویش اوقف اجرا و جاسات
و تأمین مقتضیات آن نمایند نقشه هفت ساله چاکله از پیش مد لور گردید صرفاً مرحله اولی
در تدرج بمذارج عالیّه و تحقق نوایای مکنونه در این تق عظیم و فرمان فخم آسمانی است قوه
نباغه که در اثر حرکت قلم مقدس ایجاد گردید و اکنون با سرعت و اتم التزایدی مشرعات
و موسسات نقشه بدیع را پیشرفت و تقدم میدهد باید در سنین اولیه قرن ثانی این
اعظم جنبش تازه باید و بسط و انبساط بی اندازه حاصل نماید و جامعه بهائی امریک را

بر آن دارد که مراحل جدیدی را در تنقید و تحقق نقشه کلوتی الهی آغاز نمایند مراحل که خدمات و مشروعات حاصله از اقطار نمیکرد شمالی بسر زمینهای تازه مقتل و دین مردی که اصلی اصلی مساعی فداکارانه یاران باید در میان آنان ممکن است قرار پذیرد و نتوانا خواهد گردانید.

اما که نسبت به موقعیت این جامعه معز و مدارجی که به تقدیرات غیبیه الهیه باید برورایام بدان ارتقا یابد ادنی تر دید در قلب و روان سپردارند آن به که بجوهر کلام که در صدف الواح تبیینی حضرت عبدالبهاء خطاب بمجموعه مؤمنین و مؤمنات ایالات متحده امریکه کانادا و انگلن و به محمد و جمهور و اعصار درخشانده و تابان و پرچم و لمعان باقی خواهد ماند توجه نمایند و در بحر خاتباتی و دقایق آن تعمق و تبحر کنند قوله الاصلی و عاقل موفقیت شاهنور معلوم و مفهوم نمائید غریب غایب امید دید که هر یک مانند ستاره ای در می درخشانده در آن افق نور هدایت بخشید و بسبب حیات ابدیه اهل امریکه شدید بهچنین «موفقیت شما حال معلوم نه امید دارم که بزودی موفقیت شما زلزله در

آفاق اندازد و لهذا عبد البهار را آرزو چنان است که مثل خطه امریک در سائر قطعات
عالم نیز موفق شود یعنی صیت امراته را بشرق و غرب سانسید و در جمیع قطعات
خمسه عالم بشارت ظهور ملکوت بآب بخنود و بید «و در مقام دیگر بحال تحلیل و تکه
میفرماید و این آیه الهی چون از خطه امریک بارو و آسیا و آفریک و استرالیا و جزایر
پاسفیک رسد احبای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانی
و هدایت ایشان با فاق رسد و آوازه بزرگواریشان جا بگیرد».

هر نفسی این کلمات در یات که عادی و عود و بشارت جلیه عظیمه است تمنع و بید
نماید هرگز تصور آن نتواند نمود که جامعه ای که چنین مقامات متعالیه در شان وی مقدر
و چنین مواهب جلیه عظیمه مفتوح و متبای گردیده است با وجود و عود و بشارت مصرحه
که حتی اقسام موفقت آینه نقشه صفت سالتحق کامل آن محسوب گردد و خود را صرفاً
بآنچه که در آیه نزدیک نصیب وی گردد راضی و خوشنود سازد و آن اسرحد کامل
و مغررت خویش شمارد فی الحقیقه قناعت و اکتفا بدین مقدار از مفرحات و انتصارات

بمنزل غفلت و عدم مراقبت در خط و دینه گرانمایی است که هیکل میثاق بان جامعه خدوم عنا-
 فرموده بی چنانچه رشته قنوعات منقسم گردد و فعالیت های جامعه جهت حصول موفقیت نهائی
 که بفرموده مبارک «زلزل در افاق اندازد» انقطاع پذیرد آمال و نوایای حضرتش بمرحله عمل
 نشود و وصایا و نصایح مقدسش بموقع ابراءداشته گردد و زلزله و تردید در قوربانین مقصد
 اغراضی یعنی «ایصال مدار الکی از خطه امریک با روپ آسیا و افریک و استرالیا و جزایر
 پاسیفیک» و ارتفاع کلمه الله در آن قطعات بشا به آنچه در قطعه امریک محفوظ مشهود
 احبای آن سامان را در درک این موهبت عظمی و عنایت کبری یعنی جلوس به «سریر سلطنت
 ابدیه» محروم و عدم توفیقشان در بشارت به «ظهور مملکت رب انجوز» در «قطعات
 خمسۀ عالم» آنان از نیل باین فیض عظیم و فخر عظیم یعنی انتشار «آوازه بزرگواریشان» در شرق
 و غرب عالم ممنوع خواهد ساخت صیت و صوتی که در صورت موفقیت «جهانگیر» گردد و آن
 آن بسیط غیر را را اعاطه نماید.

این عبد را عقیده راسخ چنان است که احبای امریک افغان لواهی ابرجال

اقدس ای تمسکین برده وقتی هرگز چنین بر دید و غفلت بخود راه نخواستند و او چنین فتور و خور
 از خود طاهر نخواستند ساخت چنین ثقه و اعتماد عظیم را عاقل و باطل نخواستند که اشتباهی
 چنین اسواق و آمال هرگز افسرده نگردد و چنین افتخار و مباهات از کف نرود و چنین
 و کبریم گفتم و نهفته باقی نماند بلکه نسل حاضر که مورد عنایات و اعطاف قلبیه مبارک و محل
 اعطاف و توجهات مخصوصه مرکز عهد و شایق الهی روح الوجود لعظمته الغدار واقع قدم
 شیرفت خواهد نمود و در روز تقویت و تقدم خواهد یافت تا با اختتام قرن اول و در بهمانی
 هدایت آئینه را که یقین بسین ارتداد حوادث و تطورات عالم کون مصون و محفوظ باقی خواهد
 ماند به سمای آتی که در قرن ثانی این دور اعظم جانشین آن خدایم ملکوت خواهند گشت
 و اگر در تمام آن نیز نبوی خویش با اطمینان تمام و تسک شدید بار آورده متعالیه حضرت عبداللہ
 و اتباع از تعلیمات و ارشادات آن وجود اقدس این نور بسین و پرتو امر حضرت رب العالی
 را با همان شور و انجذاب و همیت و قدرت و پایداری و استقامت بمظلمترین و ایامی از
 کشاند و از اشراق انوار هدایت و شعاعات ملکوت ایمنی عالم و عالمیان را روشن و

منور سازند.

دوستان محبوب با اشتیاق موفوری که بابر از ملک و معاضدت نسبت به فرد یاران عزیز داشته و دارد این عبد بر خود فرض و متحمس میبارد که آنچه در قدرت توانائی اوست اختیار احبای الهی و خادمان امر حمانی بگذارد تا بعون و عنایت یزدانی و ظلال دائم التزاید خویش که بار آورده محمده الهیه مقدر و مقرر گردیده بخون و شوری انجام دهند است که در این ساعت خطیر و موقع حساس و دقیق توجه مخصوص دوستان امانت عالیات که از بحر آثار و کلمات مقدس شارع این امر اعظم اقباس گردیده است معطوف میدارد آثار و کلماتی که منور قسمتی از آن غیر مطبوع و از لغت اصلیه بلغات خارجی انتقال نیافته است این بیانات مقدسه که بعضی در تبیین مقام و وظایف اولیای الهی و برخی در ذکر عظمت اعتقاد آئین ربانی و تأکید در لزوم و اهمیت ابر حیل تبلیغ و تشریح خطراتی که عالم وجود را تهدید مینماید بایان مضایح و اندازات و وعود و بشارات و توصیف آتیه درخشان امر الله از سما قدرت و اراده مطلقه حضرت بهار الله نازل گردیده شمه ای از امانات

معده شکیل معبود و لمعه ای از انوار ساطعه از جمال مقصود است که هر یک را بذاته لذت
 نسبت بوظائفی که عملاً در برابر جامعه بهائی قرار گرفته دارای تأثیر قوی و ارتباط مستقیم است
 حال چون نفسی با خضوع و خشوع تمام و انجذاب و اجتذاب بی پایان باین کلمات دریا
 توجّه و در حقایق موعده در آن تمنّی و تفرّس نماید ابواب جدیدی بر و جش مفتوح و اشراق
 بدیعی بقلب و روانش مشرق و لامع گردد و بخوی که زیت وجودش متعل شود و در انجام
 مهام و خدمات فائده روحانیّه تقویت نماید عظیم حاصل نماید قوله الأبدع الأغر الأعلى
 دوستان قدیم مقام خود را بدانید... شما نیز انجم ساه عرفان و سائیم سحر گاهان شما
 میاه جاریه که حیات کلّ معنوی بآن است و شما نیز احرف کتاب «یا اهل البهار
 انتم سائیم الربیع فی الآفاق کلم زینا الامکان بطرز عرفان الرحمن و کلم تبسم تغزل علم
 و اشرف الانوار تمسکوا ببل الاستقامه علی شان تنعدم منها الاوهام ان اخرجوا
 من اقی الاقمار باسم ربکم المختار و بشروا العباد باکلمه و البیان به الاُمّ الرّهّی لاج من
 اقی الامکان ایاکم ان یمنعکم شی عما امرکم به من العلم الاعلی و اذ تحرک علی اللوح بسطان^{العلم}

والاقتدار طوبی لمن سمع صریحه اذ ارتفع بالحق بین الارضین و السموات... یا اهل البهار
 قد جری کوثر الحیوان لانفسکم ان اشتهر بوائمه باسمی رغما للذین کفروا بآياته ^ن مالک الاولیاء
 قد جعلناکم ایدی الامران انصروا المظلوم انه ابلی بین ایدی القهار انه یفصر من نصره
 و یدکر من فکره یشهد بذلک ثم اللوح الذی لاح من افق عنایه ربکم العزیز البهار...
 و طوبی لاهل البهار حق شاهد و گواه که این جمع قره عین خلقت اند و نور دیده ابداع و قدرت
 بوجود آمان عوالم الهی زینت یافته و لوح محفوظ سجانی بطراز بدیع مطرز گردیده است.
 آمانه نفوسی که بر سفینه استقلال اکب اند و ابصارشان بمطلع جمال متوجه. جند لهم
 که بآنچه خداوند علیم و حکیم برای آمان اراده فرموده موفق گشته اند. بروشنی ایشان آسانها
 مزین و دجوه تبرمین الی الله درخشنده و تابان گردیده است (۱) «قسم عزیز جمال
 ذو الجلال که از برای مقبل مقامی متعده شده که اگر اقل من ستم ابره از آن مقام
 بر اهل ارض ظاهر شود جمیع از شوق هلاک شوند این است که در حیات ظاهره مقامات

(۱) ترجمه

مؤمنین از خود مؤمنین ستور شده». «لو كشف الغطاء لنعلم من في الأماكن من مقامات الذين توجهوا إلى الله وانقطعوا في حبه عن العالمين».

«براستی میگویم احدی از اصل این امر آگاهانه». «در این یوم باید کل باعین آتشی بینید و با اذن حامی بشنوند من نظری بعین غیری لن یعرفنی ابدًا. مظاهر قبل هیچکس بر کیفیت این ظهور تمامه آگاهانه الا علی قد معلوم». «تا آنکه تحت این الامر عظیم عظیم بده کلمه کرمانا فی الاثر الا لواح لعل تعینه بها العباد يشهد بذلك لسانی العزیز باین». «امر عظیم است و بنا عظیم». «در این ظهور اربع اقوم ظهورات فاضیه کل بمقصد اعلی و غایت قصوای خویش فائز شده اند». «قد انشئت الطورات الی هذا الظهور الا عظیم و آنچه در این ظهورات منع اعلی ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و نخواهد شد». «مقصود از آفرینش ظهور این یوم منع اقدس که در کتب و صحف و زبر الهی بایوم الله معروفست بوده و جمیع انبیاء و صفیاء و اولیاء طالب لقای این یوم بوده اند».

(۱) ترجمه

«آنچه از لسان قلم اعلیٰ از قبل ظاهر فی الحقیقه سلطان آن دین ظهور اعظم از تمام مشیت
 ملک قدم نازل». «این رحمت مخصوص این ایام است این کرم لایق این ایام است»
 «امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سیاح حوض
 مرتفع». «لعمری ان الامر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم». «بشر کل نبی بهذا الیوم و نأج کل
 رسول جبا لهذا الظهور». «ظهوری که چون از آسمان اراده رحمان اشراق نمود الحسن کاشان
 باین بیان سادگی گشت الملک لله العلی العظیم (۱)». «یوم موعود فرارسید و آنکه ظهور
 در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده با علی التاء من فی الارض و السموات باین
 خطاب اعلیٰ مخاطب میسازد لا اله الا هو المبین القیوم (۲)». «تأته قد ظهر ما کان مخزونا فی
 ازل الآزال فی علم الله عالم الغیب الشهود». «طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود
 و جهی که بوجه الله رب ما کان و ما یكون توجه کرد (۳)». «امروز عظیم است
 چه که در جمیع کتب بوم الله معروف جمیع انبیاء و صفیاء

(۱) ترجمه

طالب لقای این یوم بدیع بوده اند و یحنین اُحزاب مختلفه ارض
 «امروز بانی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و محاط فضل مقصود عالمان متوجه کل عمل
 بسیار عزنی در مرات علم الهی اکبر اجل شایده میشود یک قطره آب اگر در سبیش داده شود
 در آن مرات دریا دیده میشود چه که این یوم یومی است که در جمیع کتب حق جل و جلاله انبیا
 و اصغیای خود را بآن بشارت فرموده». «این است امری که اگر یک قطره
 در سبیش گم شود صد هفتاد و پنج هزار مکافات آراش داده نماید
 یعنی مالک شود». «یک آن این یوم عنده فضل است از قرون و اعصار...
 آفتاب و ماه شبه این یوم رانندیده». «هذایوم فیه یقول اللّاهوت طوبی لک یا سوت
 بما جعلت موطنی قدم الله و مقر عرشه العظیم». «امروز عالم با نور ظهور منور و جمیع اشیا که
 و شاد و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بایا این یوم مبارک عیش عظیم بر پا شود
 از برای نفسیکه فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت». «امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و

آسمان بکبریه ثوابت و سیارات فرزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر... و نه
یوم لا تعادله القرون اعرفوا ولا تکنوا من الغافلین... «نه ای یوم فیه فارت الاذان
باصفا، ما سمع الکلم فی الطور و الحییب فی المعراج و الروح اذ صعد الی الله یمن
القیوم»... «یوم یوم الله است امر امر و طوبی از برای نفسیکه از عالم که نشئت بشر
و حی الی پیوست»... «نه سلطان الا یام قد اتی فیه محبوب العالمین و نه الهو المقصود
فی ازل الازال»... «امر و رسید روز ما و سلطان ایام است مبارک نفسی

که از نفحات این ایام بحیوة باقیه فائز شد و باستقامت کبری بر امر
مالک اسما قیام نمود اوست بمنزله نصر لیکل بشر»... «این یوم را مثل نبوده
و نیست چه که بشایه بصر است از برای قرون و اعصار و بشایه نور است از برای
ایام»... «این یوم غیر ایام است و این امر غیر امور»... «از راحت الی مسالت نما^{ند}
که عین ناس از مشاهده آتش محروم سازد و آذان از استماع صیر قلم اعلی منع^{ند}»

(۱) ترجمه

«ایام ایام الله است بیک آن آن قرون و اعصار معادله نمی نماید. ذره این یوم
 بمشابه خورشید مشایه میگردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی بیک نفس فی حب الله و محبت
 برآرد و از سید اعمال از قلم اعلی مسطور». «اگر فضائل این یوم ذکر شود کل منصف
 مشایه شوند الا من شاور بیک». «تا الله اتحق ملک ایام فیها متحن الله کل النفسین و
 والمرسلین ثم الذین هم کأنوا خلف سرادق العصمة فسطاط العظمة و خیار العزة».
 «اگر مقام این یوم ظاهر شود آنی از او را بصد هزار جان طالب و آمل شوند تا چه رسد بآ
 و زخارف آن». «خدای واحد شاید و گواه امروز روزی است که هر صاحب بصیر
 باید مشایه نماید و هر صاحب سمعی با بصفا فائز گردد و هر قلب تدرکی بدرک حقیقت یاب
 آید و هر لسان با طعنی این نام اعز اقدس اعلی را بمسمع من فی الارض و السما برساند»^(۱)
 و بگوای مردمان امروز روزی است که شبه و مثل آن در عالم وجود موجود نیست باید دانست
 که بکمد شنای حضرت مقصود مألوف و کرداری که آرزو مند قبول در ساحت امنع

اقدس دست آن نیز خالی از مثل و نظیر باشد عالم انسانی همواره مشتاق طلوع این
یوم عظیم بوده شاید بآنچه در خورشان ولایتی مقام آن است فائز گردد (۱)».

«از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی بامر امر تحقیقی در اجساد الفاظ دمیده شود

آمارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و مہویدا» «یا قوم تائسہ الحق ان ہذا البحر الذی منہ

ظہرت البحور والیہ یدہب کلما ومنہ اشرقت الشمس والیہ یرجع کلما ومنہ اثمرت

سعدات الامر بآثار التی کل واحد منہا بعثت علی مکل نبی و ارسل الی عالم من علم

التی باحصاء احد الانفس انہ التی احاطت بالموجودات بحرف من کلمۃ التی فرج

قلمہ الذی کان محکوماً تحت اصبعہ الذی کان علی الحق قویاً» «تائسہ الحق الیوم اگر ذہ

از جوہر در صد ہزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبتہ بحر ستور ہر آئینہ دست

قدرت الہی اور اظاہر فرماید و آن ذرہ جوہر از آں فصل نماید» «ہر حرف کہ از فم

مشیت صادر گردد و دارای قوہ خلاقہ و احیا کنندہ است کہ میتواند خلق بدیعی بسویش

(۱) ترجمہ

نماید خلقی که مقام عظمت آن بر کل مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیا واقف و آگاه است^(۱)
 «ولو نريد ان نطلع من ذره شمساً لالسن بآياته ولا نهياته لنقدر ونظركل من بامر في اقل من
 ولو نريد ان نبعث من قطره بحر السموات والارض نفصل من حرف علم ما كان وما يكون
 لنقدر ان يسهل سيرة» و«عنده لاسم لوليقية على اسم لينقلب بالدياق
 الا عظم».

«ایام رو بابتهاست و هنوز اهل ارض در گرداب خفت مستغرق و در بیدار ضلالت
 سرگشته و حیرانند (۱)» و الامر عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر و نفسا
 که تفصیل فرماید باین کل حتی بین طائفین حول». «تا بعد قد اتی الیوم الموعود
 یوم یسیخمس العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم و نقول
 ذو قوا ما کنتم تعملون». «هنگام فحاشی عالم و اهل آن رسیده آمد آن کسی که
 باقی بود تا حیات باقیه بخشد و باقی دارد و مایه زندگی عنایت فرماید» و نسبت بنیت
 (۱) ترجمه

مادی و تجاوز از شئون مقتدره آن میفرماید «سوف تحترق المدن من ناره وینطق لسان العظمه
 الملك لله العزيز الحمید». «گمبوائی نادانان گرفتاری ناگهان شمار از پی کوشش بنامید
 بگذرد و بشما آسیب نرساند». «ای اهل ارض براستی بآنید که بلائی ناگهانی شمارا در پی
 است و عتاب عظیمی از عقب گمان میرسد که آنچه را مرگ ب شدید از نظر محو شده». «ای عبا
 خاغل اگر چه بدایع عظمی جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات خود و فضل بر تمام ذرات
 ممکنات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بنهایت عظیم». «از نفوسی که بزخارف فانیه ارض مشغول و از ذکر حق غافل گردیده اند محزون مباش قسم
 بحقیقت مقدسه از لیه روزی نزدیک است که قهر خداوند متعال آنان را اخذ نماید
 و بیط زمین از لوث مناسه ایشان پاک و مبرئی سازد و این میراث را به بندگان مصلحت
 خویش عطا فرماید و دست مقتدر و قهیر و قهار (۱)». «غمتیست از جمیع اقطار عالم ندای ملی
 ملی و لیک لیک مرتفع خواهد شد چه که مغری از برای احدی نبوده نیست». «و ادا

(۱) ترجمه

تم المیقات یظهر نعتہ ما ترتعده فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام ونفسه العنادل
 علی الاقان».

«در اول هر ظهوری و شدت و سگی و عسرت از هر جهت صائل و مائل و لکن و زنیات
 این شدت برخاسته از این عسرت بمرتبت بی قمتی مبدل گردیده است (۱)». «قل یا
 حرب الله ایاکم ان تحولم قده العالم او تفسطکم قوه الامم او تمنعکم من نضار اهل السجده او تحولم
 مظاهر السجده کونوا کما یجبال فی امرکم المقدر الغیر المختار». «گفتم ای اهل بهاباد
 سطوت او قیامت شمار سلب نماید و یا شکست امرای ارض شمار خائف و هراسان
 سازد و حتی توکل کنید و امور را بخطر او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شمار مظهر و منصور
 خواهد ساخت انه هو المقدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام القدره و الاقدار (۲)». «ای
 مآ قدر من قلم التقدر لا حباء الا ما هو خیر لکم. بر این گفتار خداوند مقتدر عزیز و محبوب شد،
 و گواه (۱) همچنین بفرماید: «حوادث عالم کون شمار است اثر سازد و تاسه الحق در بای سر»

(۱) ترجمه

شاق لغای شاست زیر اهرام خیری برای شما خلق شده و مقتضای زمان بر شما
 ظاهر و هوید خواهد گردید (۱) . « ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله بود
 برخلاف ضار از جبروت قضا واقع شود و تلک مشوید که ایام خوش و حافی آید
 و عالمهای قدس و حافی جلوه نماید و شمار در جمیع این ایام و عوالم قسمی مقدر و عیشی
 معین و رزقی مقرر است البته جمیع آنها رسیده و فائز گردید . »

« امروز در بیان است باید اهل بها بکمال وفق و مدار اهل عالم را باقی اعلیٰ تبار
 نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفعات کلمه الهیه اجساد را باردا
 سازد و نماید در هر کلمه روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که با و فائز شد و به تسلیع امر
 قدم قیام نمود . » « بگوای عباد غلبه و نصرت این امر موقوف بطهور بیا کل قدسیه سلطو
 افعال حیده و سیره و اشراق کلمات حکمیه بوده و خواهد بود (۱) . « جمیع تمهت را در تسلیع
 الکی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلیٰ است بآن قیام نماید و الا له ان

یاخذ ولیاً لنفسه فی اظهار هذا الامر الذی به ترعرع کل نبیان مرصوص و اندک است بحال
 و انصرفت النفوس». «همتان این باشد که نفسی را از غرقاب فنا بشریعه بقاء یاد
 نماند و در میان عباد بقسمی قمار کند که آثار حق از شامطایر شود چه که شامیاد اول وجود اول
 عابدین اول ساجدین اول طائفین». «ان یا احباب الله لا تسمرُوا علی فراش
 الراحة و اذا عرقتم بارکُم و سمعتم ما ورد علیه قوموا علی النضرم الطغوا و لا تصمتوا اقل من ان
 و ان هذا خیر لکم من کنوز ماکان و ما یكون لو انتم من العارفين». «و نفسہ سختی شود
 نیرین الله و سیاح کتاب الوجود بذکر احبائه الذین حملوا الرزایا فی سبیلہ و سافروا فی السلا
 باسمه و ذکره و یفتخر کل من فاز ببقائهم من العباد و یستنیر بذکرهم من فی البلاد». «در خند
 حق و امراد بر یکدیگر سبقت گیرید این است آنچه که شمارا در این جهان و جهان دیگر بکار آید
 خداوند پروردگار کریم بر هر امری واقف و آگاه است از آنچه در این یوم بر شما وارد
 گردد و محزون باشید روزی خواهد رسید که الله امم بدین ذکر اتم افخم مطلق الملک

نه المقدر الفرد الواحد العليم (۱) . «طوبی لمحل ولایت و مقام و لدیته و لقب و محل و
 لکف و لغار و لاودیه و لبر و لجر و لخریره و لد سکره ارتفع فیها ذکر الله و ثناءه» و نفس
 حرکت لوجه الله در عالم مؤثر بوده و هست و کتب قبل مقام توجه مخلصین با طرف ^{عل} لا
 هدایت عباد مذکور و مسطور «و نیز میفرماید» تالله اتخی آنچه از برای اصحاب ثبوت ^{استقامت}
 مقدّر شده بدرجه ای عظیم است که اگر بقدر سم ابره ای از آن اهل ارض و سما بجای میآید
 کل منقص شوند الا من شاء الله رب العالمین (۱) . «و همچنین» لعمر الله از برای نماز
 مقدّر شده آنچه که خرائن ارض با آن معادل نمایند «من یفتح الیوم سفینه فی ذکر اسم
 ربّه لیزل علیه جنود الوحی عن سماء اسمی الحکیم العظیم و یزلن علیه اهل طائ الا علی بصائر
 من النور که لک قدر فی جبروت الامر من لدن عزیز قدیر» . «فوالذی یطق حیضه فی
 کل شیء بانه لا اله الا هو که اگر نفسی در دامن رد علی الله کلمه مرقوم دارد مقامی با و عیا
 شود که جمیع اهل طائ علی حسرت آن مقام بربند و جمیع اقلام ممکنات از ذکر آن مقام عاجز

والسكانات ارضه قاصره... انشاء الله كل موفق شونده بما اراده الله وموید گردد
 بر عرفان مقامات اولیای او که بخدمت قائم و به ثناء ناطقند علیهم بهار الله و بهار من فی
 السموات و الارض بهار من فی الفردوس الاعلی و الجنة العلیا... ای اهل بهار
 بنایت الهی اصدی ما شما مقابله نتوانست نمود و خمر بقار از کاس عطا نوشید غما للذین
 بانه مولی الاسماء و فاطر السموات (۱)...

قسم بخداوند متعال این یوم یوم نفوسی است که از ما سوی الله منقطع و بوحید
 الیه متفرق و مقرف گشته اند یومی که خداوند کریم بایادی قدرت حقایق رحمانیه و جواهر محرره
 را خلق فرمود و بهیكل قدسیه ای که از دنیا و مافیها در گذشته و بچنان ثبات و استقامتی
 در امر الله ظاهر خواهند گردید که هر قلب و شن و بین و درکی را غرق دریای حیرت و شگفتی نماید
 «ولله خلف سرادق القدس عباد یظہرن فی الارض و یصنرن ہذا الامر ولن یخافن
 من احد و لویساجرن معہم کل المخلوق جمیعین اولئک یقومن بین السموات و الارض

وَيَذُرْنَاهُ عَلَىٰ نَعْمٍ يُرْضَوْنَ النَّاسَ إِلَىٰ صِرَاطِ اللَّهِ الْغَيْرِ الْحَمِيدُ». «سوف سبب
 بار آورده خلقاً ما اطلع بهم احد الآنفسة الميمن القيوم». «سوف نخرج جانه من احكام القعدة
 ايادي القوة والعلبة ويصرن العلام ويظرن الارض من دنس كل مشرك برود وديون
 على الامر ويقتن البدل باسمي المقت القيوم ويخلن خلال الديار وياخذ عنهم كل العباد وذا
 من بطش الله ان بطشه شديد». درخاسته مندرگريشود که در بين پاره اي از خطابات
 و ابلاغات منبعه که از فم مطهر حضرت عبداله با طي سفر هاي تاريخي آن حضرت در قاره
 امريکاي شمالي صادر گرديده بيانات ذيل در اري اهميت و مقام مخصوص است قوله
 «اميد است ملت امريکا اولين ملت جمعيتي باشد که اساس اتفاق داشتن بين
 ملل انبيان نهد و اتحاد ميکائلي نوع انسان را اعلان نمايد بر حرم صلح اعظم برافزارد و راست
 محبت و داد در قطب امکان مرتفع سازد را». همچنين «في الحقيقة ملت امريکا
 را چنان ليانت و شايستگي موجود که خيمه صلح عمومي را برپا نمايد و وحدت عالم انساني را

اعلام کند و در این امر مبرم بر سایر اعم مشیقم گردد... زیرا این کشور از ساحت قدرت و عظمت و قابلیت بنحوشگفت انگیزی بر تل و تل اخیری تقدّم حبسه... این ملت بزرگ میتواند در اثر استعداد و قدرت حاصله بامور عظیمه ای موفق گردد که صفات باربدان تزیین یابد و البته اعم در شرق و غرب عالم بدگر خیر و شای او مألوف شود و مغبوط جهان گردد و مورد نظر عالمیان^(۱) «در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانی و عری سبقت از سایر ملل و طوائف عالم خواهد بود (۱)».

توجه خلافه که باراده غیبیه الهیه از تصرفات اولیه نظم جهانی حضرت بهاء الله که در حال جنین است بر چشمه گرفته چون در بین ملتی که بتقدیرات صمدانیه و اراده قاطعه رحمانیه همه آن نظم و رافع لوای آن مقرر گردیده و سریان پذیرفت آن ملت را بجلست استعداد و لیاقتی مخلص ساخت و توانائی و قدرتی بخشود و از نظر روحانی چنان مجز و ملل نمود که در

مقامات مکنونه در این کلمات پرانوار و نبوات پرشکرات اقدام دهم خویش را در
 وعود و وصایای حضرت رب الانام تقدیم نمایم قدرت توانائی که این رسالت
 الهی در مردم آن سرزمین القانموده از یک طرف با ابرار مساعی جمیده و مجبوبات و
 جامعه مشکل پریان این شرح اقوم انعم در قاره امیرکای شمالی در میادین تبلیغ و
 خدمات اداری امراته قدم بعرضه ظهور نهاده و از طرف دیگر بنحو غیر محسوس و خارج
 از مساعی و مجبوبات مذکوره ولی بهمان موازی با آن مقدرات ملت را تحت حوال
 سیاسی اقتصادی همان شخص و حیات و اعمال حکومت و ملت هر دو را تحت نفوذ
 سیطره مغنویه خویش را در ساخته است .

نسبت بخدمات و اقدامات و مساعی و مجبوبات نفوسی که بعرفان امر اخر
 اقدس الهی منتظر و قدرت عظمت آن موقن و معترفند و اکنون در آن قاره وسیع با
 وظائف و حانیه قائم و با بلاغ کلمه الله مالوف و صفحات قبل تفصیل بیان گردید
 فعالیت و خطشی حاضر و مستقبل آنان شرح شد حال موقن است که کلمه ای چند در

سر نوشت ملت امریک و میر امور و حرکت و تقدم جمهور علی العموم و کشور و بر مرقوم و
 حقیقت امر کما ینبی و یلین معلوم و مشکوف گردد و هر قدر رسد و منشای که این قوای محبطه
 فائده از آن سر چشمه گرفته از انظار دور و بهر میزان نحوه عمل و اقدام خفیف و تدبیر کجی محصور
 باشد این نکته روز بروز لا محذور محسوستر میگردد که ملت امریک علی الا جماع خواه از محراب
 حکومت مقبوعه خویش و یا از طرق مجاری آخری تحت نفوذ عوامی که از ادراک و اعاطه
 آن عاجز و ناتصرف و تدبر آن قاصر است بجانب افکار و شئون و آراء و ادکاری در حرکت
 است که مقدمات حقیقیه اش چنانکه حضرت عبداللہ بیان فرموده اند در آن دستور
 و کمون حال جامعہ یاران امریک که از آن منبع آئینہ مستفیض و بر این حقیقت و حقیقت
 و آف و آگاه چنین توده عظیم هموطنان آنان که هنوز از یار و توانائی که مقدمات حقیقیه
 مملکت را به ایت ینماید ذایل و غافل هر یک بطریق خویش و سبیل تحقق آمل و کمال
 و عود و بشارت مودعه در خطابات مبارکه که نبد و ای از آن در فوق مذکور گردید
 و معاضدت ینماید.

جهان در جنبش و تلاطم است و حوادث و وقایع ناگوار بسرعت حشت انگیزی در ظهور
 و بروز تند باد هوا جس نفسانیه شدید و طیش اغراض و مآرب شیطانیه بس و خیم و تقیم دنیا
 جدید بی خبر از این داعیه عظیم در گرداب ممالک و مخاطر مستغرق و خان فساد و متصاعد و ظو
 اضطراب از مواقع پرده مه و انقلاب به سواحل آن متوار و خطرات که از حیطه تصور و تأمل
 خارج آنرا از داخل و خارج مهاجم و مل و حکومتش بتدریج در دام بحرهای متابعه و مبارزات
 و مناقشات مهیبه متاثره گرفتار و محیط اطلس و کسیر با تقدم و شیرفت علم بمنزله دو باب
 صغیر و دو جزیر قصیر در آمده جمهوری عظیم غرب خود را بنحو انحصار و متراپیدی داخل این بحر که
 و عصیان و دارد این لوله و طغیان مشایده می نماید و مردم آن از صیحه و سیاه بونی که از دور و بنا
 تهدید و تشدید متواصل در نهایت یحسان و خلعان در دو جهه کشور یعنی در جناحین آن مراکز
 طوفانی اروپا و شرق اقصی که بالقوه مستعد بر گونه انفجار و اشتعال است و واقع در
 آفاق جزیریّه اش حاد ثنی در سرف ملکین که ممکن است بکانون فساد و انقلاب و طری
 تبدیل گردد و نیای حاضر یونان و آشور و ترشده و مردم آن علی الظاهر نسبت بیکدیگر

نزدیکتر و پیش از پیش در مجادرت یکدیگر قرار گرفته اند خطه امریکای خواہ ما خواہ با وضع جدید
 مواجه و خود را طرم و موقوف بشمارد که دارد میدان دست بگیربان کرد و این تماس و مجا^{ست}
 که بدین نحو تحقق یافته وی را بر آن میدارد که مریض از عواطف انسان دوستی و طایف
 و سولتهای جدیدی بمنظور حفظ امنیت ملی خویش بر عهده گیرد و هر چند ممکن است این
 فکر در انظار مستغرب با اوضاع و احوال مابین و مغایر ملاحظه گردد ولی یگانه راه امید
 وسیله نجات و استخلاص از خطرات متزاید و متهاجمه همانا آن است که امریکای خود را بخو^{ند}
 اتم و اصلی با افکار و احسات بین المللی آشنا و با مصالح عمومی بشریه که دست قدرت
 الهی مشیت بالغه رحمانی برای عالم انسانی مقدر فرموده شریک و سهم سازد و در این مقام سیان
 نصیحه حضرت عبدالبهار روح الوجود لا اطفاله العظیمه فدا خطاب یکی از رجال مقدم علی^ت
 آن حکومت در نظرایده که مناسب حال و بستن مقال است قوله العزیزه هنگامی بنحو حسن و
 بابر از خدمت نسبت بشور مألوف خواسته گردید و در این میدان گوی سبقت از گمان
 خواسته بود که بعنوان حضوری از اعضا جامعه عالم و فردی از خاندان بزرگ بنی آدم سی

بیخ بسدول و همت موفور معمول دارید تا اصل وحدت اتفاق که بنیان حکومت
 مؤلف شمار تشکیل میدهد بهمان قرار در بین ملل و نحل عالم استقرار یابد و از حمایت
 و بلدان موجود اتحادیه بزرگ جهانی تشکیل شود^(۱) اصول و مبادی عالی که افکار و احکام
 رئیس جمهور را تسل و نورانی ساخت هر چند مع الاسف مورد استقبال واقع نگردد
 و مساعی شکوره وی از طرف نسل حاضر که فاقد ادراک و بصیرت حقیقی است مطرود
 و متروک بماند ولی حضرت عبداللہ امر کریم و پیام الهی امن از قلم مقدس نقی
 و بارقه طلوع صبح اعظم محسوب فرمودند این اصول و حقایق و این اہداف و مآرب
 کہ اکنون زیر تراب نسیان ستور نسل ذہلی را کہ بنہایت قساوت دست در بستہ
 آن بناوہ است بلسان حال توجیح و طاعت مینماید .

عالم را مخاطرات عظیمہ احاطہ کردہ و غیوم مشکافہ تہدید و تحویف افق امریکہ
 در حال حاضر تیرہ و تاریک نمودہ است و این حقیقت واضع را ہیچ ناظر بصیر و فرد

مطلع خبر انکار تواند نمود جهان خاک اکنون بار دومی مستحی تبدیل گردیده که قریب پنجاه
 میلیون اربابان آن علالت سلاح و معدّات حربیه واقع و یا منظر قیام و منتظر اغرام میا
 جنگ و جدالند اقامه این تجهیزات و مهمات عسکریه مستلزم مصارف کثیره با بطلان
 که در هر سده بسبب میلیون لیره بالغ است از جهت دیگر شاید میشود انوار و باینت خاموش
 و ارکان مبانی حقیقت متزلزل و فراموش گردیده مل و طوایف عالم قسمت اعظم در تسخیر
 ناهرب و قتال قائم و در توسیع افکار و تمایلات زرم جویانه ساعی و جاهدند اعمار و
 تمایلاتی که بنیان وحدت سیاسی جامعه را که بقیمت جان و تلاش فراوان بدست
 مرئوس و ویران ساخته است جمعیتهای بشمار در ممالک و دیار از چگونگی اوضاع سزا
 و در حالی که غرق سلاح و مستغرق در آلات و ادوات و فاعند از بیم عواقب نهند
 و هراسان تحت یوغ مصائب و آلام که مولود منازعات سیاسی تعصبات
 ملی و منافرات جنسی و خصوصتهای مذهبی است خائف و نالان جمال اقدس الهی حل
 ذکره الاغراض اعلیٰ با اشاره بوضع کنونی عالم و احوال آشفته اعم کمال و ضجیر میفرماید

قوله العظیم «ایرجح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است» انقلابات و اختلافات علم
 یومانیو ما در زاید آثار برج و مرج مشاهده میشود حضرت عبداللہاء مرکز عمد و میثاق النبی در
 سنہ قبل اوضاع و احوال حاضر را پیش بینی باین بیانات متقنہ و دقیقہ اثرات خمیہ
 سیدنی و عدم توجہ بیادوی روحانی را تبیین و تشریح میفرماید قوله العزیز «این طلعات
 مشکف مگردد و این امراض مزمنہ شفا نیابد بلکه روز بروز سخت شود و بدتر گردد و مالکان
 آرام نگیرد از اول بدتر شود و دل مقصورہ آرام نگیرند بہر وسیلہ تشبث نمایند کہ آنش جنگ
 دوبارہ شعلہ زند حرکت های تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواہد
 نمود حرکت شمالیہ خیلی اہمیت خواہد یافت و سرایت خواہد کرد» اما راجع ملت
 امریک رئیس جمہور با صدای رسا و متوکلہ مردم آن سرزمین امتہ گریساز کہ در اثر
 وسعتی کہ در امر طیارات و مدافع جویہ بچنین عوامل مغربہ سازہ حاصل گردیدہ موطن
 آنان بوطئہ خطر نزدیکتر و امکان تعرض بدان بیشتر و فزونیتر گردیدہ است بہین قرار در
 امور خارجہ آن کشور در مؤخر اخیر مرکب از نمایندگان کافہ جمہوریات امریکا خطاباتی

انداز میزاید نمود که آن نیز بر حوادث مدته آینده دلالت میکرد از جمله آنکه قوای
 متکاثره متهاجمه که در سرسبز جهان در جنبش و خلبان هر نقطه و آن مستعد هجوم و هجوم و
 سایه های پرشوم و فلاکت بار آن متوجه نمیکرد ماست «مطبوعات کشور نیز در همین
 زمینه قلمفرسایی کرده بر خطرات شدید محتمله را خاطر نشان میمانند از جمله در یکی از اوراق
 منتشره این عبارات پر مهابت مندرج و مندرج «ما باید برای دفاع خویش از داخل
 و خارج آماده و مهیا گردیم... حدود دفاعی ما بس ممتد و طولی و از دماغه بازو در شمال
 تا دماغه هرن در جنوب امریکای جنوبی گسترده شده و شامل محیط اعظم یعنی کرانه های
 آتلانتیک و پاسفیک است حال متجاوزین آسیا و اروپا چه زمان و در چه محل
 معرض حمله و مورد هجوم و تعرض خویش قرار دهند بر احدی معلوم و مکتوف نه زیرا در هر
 نقطه و آن جد و جوش چنین ساخته ای ممکن الحصول است... برای راه دیگری تجویز
 قوی و قیام بر دفاع در پیش نیست ما باید مابعد بازو توجه تمام هشیار و بیدار سرساز
 نمیکرد غربی را حفاظت و حراست نمائیم»

فاصله ای که ملت امریک از موقع طرد رسمی قطعی آراء و نظرات ملیست جمهوری
خوش پیموده و تحولات غیر مترقبه ای که در سنین اخیر در آن خطه عظیمه رخ گشوده همچنین
جریان امور و سیر حوادث و قایع عالم مع اثرات غیر قابل احتراز آن بر ساست
و اقتصاد ملت در نظر بر مایهائی که اوضاع و تطورات بین الملل و در پر تو و عود و
اشارات و اشارات حضرت بهاء الله و حضرت عبداله با مطالعه نماید بی نهایت
حائز اهمیت و جالب توجه و وقت است درس بزرگ و رهنمای عظیم برای جامعه بشریت
محسوب میگردد و راه و روشی که ملت امریک در این ایام بر انقلاب و سنین پر جنب و جوش
که آستان قایع جمیده است اختیار خواهد نمود تصور و تبیین آن بخور و شن و صریح غیر میسر
همین قدر میتوان از گردش امور و جریان اوضاع رویه ای را که ملت مذکور بظن غالب
در روابط و مناسبات خوش با سایر جمهوریات امریک و دیگر ممالک و اقطار عالم در
مختلفه ارض اتخاذ خواهد نمود پیش بینی کرد.

ارتباط و همکاری نزدیکتری با جمهوریات نیمکره غربی از یک طرف و شرکت در امور

عمومیت جهان بنحوتزاید و بدرجات مختلف از طرف دیگر راه درویشی است که ملت
 امریک بطن غالب در نتیجه حدوث تحولات و تطورات متابعه و انقلابات و بحرانهای
 متوالیه بین المللی در آتیه ایام اختیار خواهد نمود روش و طریقه ای که ماضی زمان ترصد
 و ظهور آن است بهی است در سیر حرکت و تقدم آن کشور و وصول بسرنیزل مقصود
 موانع و شاکل بسیار و عوامل و محطورات بسیار رخ خواهد کشود که موجب تاخیر و تعویق در حصول
 این هدف نهائی خواهد گردید معذک است هیچ امری نخواهد توانست خطشی را که ظلم
 حضرت عبداللہ روح الوجود و قدرتہ العزیز برای موفقیت و جانی آن سرین
 ترسیم و تصویر فرموده است با مال تغییر دهد حال ملاحظه میشود از یک جهت و حدت سیاست
 کشور از لحاظ بهم پیوستگی و اتحاد ایالات و استقرار حکومت مرکزی بنحوی مطلوب فراهم
 گشته و مؤسسات و اعلی آن قوام و دوام حاصل نموده و بر حد بلوغ سیاسی اصل گردیده
 است و از جهت دیگر ترقی و تحریک آتیه اش بعنوان عضوی از اعضا جامعه عظیمه عالم و
 عصری از خاندان بزرگ امم تحت شرایط مقتضیاتی که تصور تنمیل آن اکنون برای

میسر و مقدر نه با قدهای محکم و متین ادامه دارد این توفیق و تعالی باید ما بجزم جزم و
تصمیم راسخ و نبال شود تا در اینهم و مساعی مشکوره در تنظیم امور و انتظام روابط جمهو
و استقرار صلح و سلام توأم با امنیت و امان با علی ذرّه قدرت و مکانیت متوال
گردد و آن امر از وظایف ثامنه و اختیارات وسیعه کامله از سخا و عضو ممتاز اتحادیه
عالم و جزو برآزنده جمعیت امم است .

حال چون ملت امریک بمرور زمان بنحو غیر قابل احترازی در مسائل و معض
قنوعه که عالم بشریت اشدت احاطه نموده کشایند شده ناگزیر آئینه نزدیک آن
تیره و با مضللات و ناراحتیهای کثیره توأم خواهد بود یعنی محن و آلام و شدائد و استقام
که حضرت بهر آئینه بنحو صریح اخبار و اهل عالم را بدان انداز فرموده اند و شمه ای از آن
در صفحات قبل بیان گردید ممکن است آن ملت را به وجهی که از پیش نظیر قبل
شاید نشده و در گرداب ممالک و مخاطرات اندازد و چون از این در طلع نجات یابد متواتر
تصور نمود که برخلاف رویه ای که نسبت به محاصرات اخیر جهانی در پیش گرفته بهجت

داراده کامل قیام نماید با استفاده از فرصت حد اکثر نفوذ و قدرت خویش ادر حلّ مشکل
 جسدی که قهر آخرین مصائب و نوائب شدید و در پی خواهد داشت بکار برد و با همکار
 و مساعدت سایر مل و کل عالم در شرق و غرب جهان جامعه انسانی را از این بلا عظیم
 و در استقیم که از اول لا اول و اسگیر نوع بشر بوده و آن از ترقی در مدارج غرت و جلال
 ممنوع و خضیف ذلت و هوان قنارل ساخته است نجات دهد و عالم خاک را از لوث منارعات
 و محاسنات خانمانسوز بالمره پاک و منزه نماید.

در آن هنگام فقط در آن هنگام است که ملت امریک که در بونه اقتدانات
 شدید و آتش محاربات عمومی تلهیر شده و بشدائد آن مانوس گردیده و از تجارب آن
 درس عبرت گرفته خود را در مقام و موقعی مشابهه بیناید که صدای خود را در مجامع عظیمه عالم
 و محافل مشکله امم مرتفع و ججرا ویه صلح عمومی و مؤتبد جهانی را بدست خویش برقرار سازد
 و اتحاد و اتفاق بشه و بطوع و آمادگی آن را در ارتفاع خمیه وحدت انسانیت
 لا شرقیه و لا غربیه و در قطب امکان اعلام و در استقرار صدق و صداقتی و وفاداری

عبر اچانکه در کتب و ترجمه الهیه شارت داده شده بعد موفور و سعی شکور مبذول دارد
 و باز در آن هنگام و نقطه در آن هنگام است که ملت مذکور در حالی که جامعه بهائی آن کشور
 در قلب آن سرزمین سالت معنویه خویش انجوا تم دادنی با کمال سائیده قادر
 خواهد بود مقام رفیعی را که قدرت سبحانی برای آن مقدر فرموده و به نخواهد در امار دیانت
 مقدسه حضرت عبداللہار مخزون کلمون است بعرضه شهود رساند و بانجام امور عظیمه
 موفق گردد که بفرموده مبارک «صفحات تاریخ بدان زمین باید واسنہ امم در شرق و
 غرب عالم بذكر خیر و نای آن مالوف شود مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان»^(۱)

شوقی

۲۵ دسامبر ۱۹۳۸

فهرست مندرجات

صفحه	
۱ - ۵	جامعه‌بهائی امریک و نقشه‌بدیعه هفت ساله
	تفییقات نسبت بمشروعات و موسسات امریه
۵ - ۱۲	در بعضی از اقالیم
	خدمات و اقدامات جامعه‌بهائی امریک
۱۲ - ۲۳	مهندظم اداری امرالله
	نقشه هفت ساله متضمن قیام با مرجلیل تبلیغ
	و فتح مراکز و اتمام تزیینات خارجی
۲۴ - ۲۹	مشرق الاذکار
	ذکرپارهای از مشروعات آینده از جمله
۳۰ - ۳۳	انتخاب بیت العدل اعظم الهی
	تأییدات غیبیه الهیه و لزوم قیام فرد فرد
۳۳ - ۳۵	احباب در کسب الطاف و فیوضات ربانیه
	بعث مظاهر مقدسه الهیه در بین ملل و نحل
۳۵ - ۴۵	عالم و چگونگی آن
	لزوم تدرج در مراتب کمال و ارتقاء شئون و
۴۵ - ۴۸	فضائل رحمانیه
	وظایف یاران و مسوولیت آنان در استقرار
۴۹ - ۵۰	اساس دیوان عدل الهی
	بیانات جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء
۵۱ - ۵۲	در خصوص روش و سلوک احباء
۵۸ - ۶۱	عدل و انصاف و بیت العدل اعظم الهی
۶۱ - ۶۹	تقدیس و تزییه

صفحه	
۸۶ - ۶۹	اجتناب از تعصبات جنسیه
۹۱ - ۸۶	جهاد مفاعف
	نهضت تبلیغی در اجراء فرمان ملکوتی
۱۲۲ - ۹۱	حضرت عبدالبهاء
	ایقاظ امریکای لاتین - بیانات مبارک
۱۳۸ - ۱۲۲	راجع با مرهم تبلیغ و مقام ناشرین نفحات
۱۴۳ - ۱۳۹	قیام با امر جلیل هجرت
۱۴۴ - ۱۴۳	اماء الرحمن
۱۴۶ - ۱۴۴	جوانان بهائی
۱۴۹ - ۱۴۶	مقام و موقعیت خاص پاناما
	انقلابات عالم کون و ترقی و اعتلاء
۱۵۳ - ۱۴۹	امرالله
	بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء در حق
	احبای امریک و لزوم قیام و استقامت
۱۵۷ - ۱۵۳	یاران برای تحقق وعود آلهیه
	استقرار ملکوت الله در ارض - بیانات
	مقدسه راجع بعظمت امرالله و مقام
	این یوم عظیم و امتحانات و فتن
۱۷۳ - ۱۵۷	آلهیه
۱۸۷ - ۱۷۳	سرنوشت امریکا

THE ADVENT of DIVINE JUSTICE

by

SHOGHI EFFENDI

Persian Translation

Published by
Bahá'í Publishing Trust, Iran

Second Printing with Corrections
by
The National Persian/American Affairs Committee
of the National Spiritual Assembly
of the Bahá'ís of the United States

1989, 1987, © 1985